



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مدیریت ریسک

نویسنده:

www.modiryar.com

ناشر چاپی:

www.modiryar.com

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	مدیریت ریسک
۷	مشخصات کتاب
۷	هموار سازی سود و بازده تعدیل شده بر اساس ریسک
۱۱	مدیریت ریسک در حوزه عملیات مالی
۱۳	نقش فن آوری اطلاعات در مدیریت ریسک
۱۵	ضرورت های مدیریت ریسک
۱۷	مفاهیم ساده مدیریت ریسک
۱۸	طراحی مدلی برای مدیریت ریسک سرمایه گذاری
۲۰	بحران مالی از منظر مدیریت ریسک
۲۲	مدیریت ریسک یا مدیریت بحران؟
۲۷	مدیریت ریسک
۲۷	مدیریت ریسک در فناوری نانو
۲۹	مدیریت ریسک در تجارتهای خرد
۳۱	راهبری و مدیریت ریسک بنگاه
۳۴	چند پرسش اساسی در مدیریت ریسک
۳۶	مدیریت ریسک اصول بانکداری الکترونیک
۵۳	سرمایه گذاری ریسک پذیر- مبادی اولیه
۵۷	بسط فرایند ریسک برای اداره فرصتها
۶۲	مدیریت ریسک، رویکردی نوین برای ارتقای اثربخشی
۶۸	ارتباط مدیریت ریسک با اصول اخلاقی
۶۹	ریسک در گزارشگری مالی
۷۱	مدیریت ریسک در بازارهای بورس نفت

۷۴ کلیاتی از مدیریت ریسک

۷۶ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مدیریت ریسک

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: مدیریت ریسک / www.modiryar.com

ناشر: www.modiryar.com

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه ، رایانه

موضوع: مدیریت - ریسک

هموار سازی سود و بازده تعدیل شده بر اساس ریسک

هموارسازی سود و بازده تعدیل شده بر اساس ریسک... risk دستکاری حسابها با این هدف انجام می شود که تصور بازار از ریسک شرکت را تحت تاثیر قرار دهد کمتر سیدمجید شریعت پناهی، حسین سمائی

مقدمه: تداوم انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم، ایجاد کارخانه های بزرگ و اجرای طرحهای عظیم صنعتی نیازمند سرمایه های کلان بود. تامین چنین سرمایه هایی از امکانات مالی یک یا چند سرمایه گذار فراتر بود و از سوئی، یک یا چند سرمایه دار نیز آمادگی پذیرفتن خطر تجاری چنین فعالیتهای بزرگی را نداشتند. از این رو، شرکتهایی شکل گرفت که مسئولیت صاحبان سرمایه آنها محدود به مبلغ سرمایه گذاریشان بود و در قالب چنین مشارکتهایی، سرمایه های کوچک تجهیز و راه حل مناسبی برای تامین سرمایه های کلان و توزیع مخاطرات تجاری فراهم آمد. سرمایه های چنین شرکتهایی به سهام تقسیم و سهام آنها قابل نقل و انتقال بود. رواج معاملات سهام باعث رونق بازار سرمایه و مشارکت صاحبان سرمایه های کوچک در این بازار شد. تنظیم نحوه اداره شرکتهای سهامی و روابط بین صاحبان سهام از طریق وضع قوانین و مقررات توسط دولتها، نظم یافتن بخشی از معاملات اوراق بهادار با ایجاد بورسهای اوراق بهادار از جمله عوامل دیگری بودند که به تشکیل شرکتهای سهامی و فزونی سرمایه گذارانی انجامید که نه مستقیماً در اداره شرکتهای مشارکت داشتند و نه دارای چنین تمایلی بودند. شرکت سهامی توسط هیئت مدیره ای اداره (می شد و) می شود که معمولاً از سهامداران بزرگ تشکیل شده و منتخب آنان هستند. ادامه فرآیند تحول در مناسبات مالکیت و اداره سرمایه در کشورهای توسعه یافته صنعتی، به پیدایش گروه تازه ای از مدیران کار آزموده و حرفه ای انجامید که در عین اقتدار کامل در اداره واحدهای اقتصادی، گاه در سرمایه آنها سهمی ناچیز داشتند و اندیشه جدایی مالکیت از مدیریت را مصداق عملی بخشیدند. میلیونها نفر که پس اندازهای خود را از راه سرمایه گذاری در اوراق بهادار شرکتهای آنها سپرده اند. برای اطمینان از اینکه وجوه سرمایه گذاری شده آنان به طور درست و موثر استفاده می شود ناگزیرند به صورتهای مالی سالانه و میان دوره ای شرکتهای اتکا کنند. افرادی نیز پس اندازهای خود را به بانکها و موسسات دیگر می سپارند که آنها هم به نوبه خود این وجوه را در سهام شرکتهای سرمایه گذاری می کنند. بنابراین، تقریباً هر فردی به طور مستقیم یا غیرمستقیم منافع در شرکتهای دارد و حفظ منابع عمومی مستلزم گزارشهای قابل اتکا و به موقع از عملیات و سلامتی مالی شرکتهای سهامی عام است. موسسات سرمایه گذاری، بانکها و سرمایه گذاران برای اعطای اعتبار و سرمایه گذاری در شرکتهای، ریسک های مختلفی را در نظر می گیرند که یکی از آنها ریسک بازار یا ریسک تجاری است. در کشورهای توسعه یافته، با توجه به ریسکی که برای واحد تجاری در نظر گرفته می شود نرخ بهره اعتبارات مشخص گردیده و با توجه به ریسک شرکت وثیقه مناسب اخذ می گردد. همچنین سرمایه گذاران به سمت شرکتهایی تمایل دارند که ریسک کمتری داشته و متناسب با آن بازده مناسبی نیز داشته باشند. از آنجایی که ریسک بازار یک

شرکت با نوسانات بازده سهام آن اندازه گیری شده و قیمت سهام نیز به نحوی با سود هر سهم (= EARNING PER SHARE) شرکت در ارتباط است لذا شرکتها تمایل دارند با کاهش نوسانات در سود هر سهم باعث کاهش در نوسانات بازده گردیده و در نهایت تصور سرمایه گذاران و اعتباردهندگان را از ریسک شرکت تحت تاثیر قرار دهند. لذا اقدام به هموارسازی سود می کنند تا از این طریق باعث ایجاد جریان ثابت رشد سود گزارش شده گردند. دستکاری حسابداری حسابهاست که با این هدف انجام می شود که تصور بازار از ریسک شرکت را تحت تاثیر قرار دهد. بر این اساس، «استولوی» و «برتون» مدلی را بسط دادند که ریسک را به دو بخش تقسیم کرد و نمودهای مربوط به آنها را در صورتهای مالی مشخص کردند. اولین بخش ریسک با پراکندگی بازده مرتبط است و با سود هر سهم اندازه گیری می شود. دومین بخش متناظر با ساختار مالی شرکت است و با نسبت بدهی به دارایی سنجیده می شود. در چارچوبی که آنان ارائه داده اند فعالیت‌های دستکاری حسابها را در ارتباط با این دو جنبه از ریسک طبقه بندی می کند. کولپند (COPLAND) دستکاری حسابها را به عنوان توانایی افزایش یا کاهش اختیاری سود خالص تعریف کرده است. در عین حال، یادآور می شود که دستکاری حسابها معانی متعددی دارد و همه آنهايي که حسابها را دستکاری می کنند از یک الگوی رفتاری تبعیت نمی کنند. چارچوبی که توسط «استولوی» و «برتون» ارائه شده بر مبنای این اصل اساسی استوار است که ارائه اطلاعات مالی کمک می کنند که مخارج پروژه های تامین مالی شرکت کاهش یابد. این کاهش بستگی به ریسکی دارد که سرمایه گذاران نسبت به شرکت در نظر می گیرند. ریسک با بتا (BETA) اندازه گیری می شود که بستگی به تغییرات درآمد دارد. علاوه بر این ریسک ساختاری با تعادل بین بدهی و دارایی اندازه گیری می شود. در نتیجه، اهداف دستکاری حسابها تغییر این دو معیار ریسک است، تغییرات سود هر سهم و نسبت بدهی به دارایی. هموارسازی سود هموارسازی سود، فرآیند دستکاری زمان شناسایی درآمدها یا درآمد گزارش شده است تا جریان سود گزارش شده، تغییر کمی داشته باشد، مادامی که درآمد گزارش شده را در بلندمدت افزایش ندهد. (FEDENBERG TIROLE, ۱۹۹۵) هموارسازی سود یک هدف روشن دارد و آن ایجاد جریان رشد ثابت در سود است. وجود این نوع دستکاری نیازمند آن است که شرکت سود زیادی داشته باشد تا بتواند ذخایر لازم را برای منظم کردن جریانها در هنگام نیاز تامین کند. به طور کلی هدف آن، کاهش تغییرات سود است. محققان هموارسازی سود از این باور تبعیت می کنند که اعضای بازار با جریان ثابت سود گمراه می شوند. این باور بر اساس مشاهدات علی و روش تخمین ریسک است. تغییرات سود معیاری برای ریسک است. بنابراین، اگر برای کل سود، ما تغییرات را کاهش دهیم ما تصور بازار را از ریسک تغییر خواهیم داد. این فرضیه که ممکن است شرکتها به طور عمدی سود را هموار سازند برای اولین بار توسط «هپ ورث» بیان شد و توسط «گردون» با مجموعه ای از فرضیات توسعه داده شد. فرضیه ۱: ضابطه ای که مدیران شرکت از میان اصول حسابداری تعدادی را انتخاب می کنند ماکزیمم کردن مطلوبیت یا آسایش خودشان است. فرضیه ۲: مطلوبیت مدیران با: ۱ - امنیت شغلی ۲ - نرخ رشد سودشان و ۳ - نرخ رشد اندازه شرکت افزایش می یابد. فرضیه ۳ - به دست آوردن اهداف مدیریت که در فرضیه ۲ بیان شد بستگی به رضایت سهامداران از عملکرد شرکت دارد. فرضیه ۴: سهامداران با افزایش نرخ رشد سود (یا متوسط نرخ بازدهی دارایی) و ثبات در سود راضی می شوند این مسئله برای مدیران ضروریست تا بتوانند با آسایش خیال به دنبال اهداف خود باشند. بنابراین این نظریه مطرح شد که فرض کنیم چهار فرضیه فوق مورد قبول واقع شوند یا صحیح باشند. مدیران با توجه به محدودیتهایی که بر قدرشان وجود دارد سعی می کنند که: ۱ - سود گزارش شده را هموار سازند و ۲ - نرخ رشد سود را هموار کنند. برای هموارسازی سود، & انگیزه های متعددی بر شمرده شده است که می توان به تاثیر بر قیمت و ریسک سهام دستکاری پاداش جبران خدمات مدیران رهایی از محدودیتهای قراردادهای بدهی و... اشاره کرد. باید یادآور شد که انگیزه برای هموارسازی سود محدود به مدیران سطح بالا نمی شود. مدیران پایین دست نیز سعی بر هموارسازی دارند تا از دیدگاه مدیران رده بالا عملکرد خوبی نشان داده باشند. آنها سعی می کنند به بودجه تعیین شده دسترسی پیدا کنند و همچنین در سطح مناسب کارآیی

فعالیت کنند. انواع هموارسازی سود «آناند موهان جول» و «آنجان وی. تاکور» می گویند که هموارسازی واقعی همراه با تصمیماتی است که بر توزیع وجوه نقد شرکت تاثیر می گذارند و باعث از بین رفتن ارزش شرکت می شوند. تغییر در زمان سرمایه گذاری وقتی سود به طور مصنوعی هموار شده جریانات نقدی را تحت تاثیر قرار نمی دهد. این نوع هموارسازی با استفاده از انعطاف پذیری گزارشگری به دست می آید که توسط، (GENERAL ACCEPTED ACCOUNTING PRINCIPLE) GAAP فراهم شده است. «داس چر» و «مالکوم» (DASCHER MALCOM, ۱۹۷۰) وجه تمایز بین هموارسازی واقعی و مصنوعی را بدین صورت بیان کردند: «و «جیاکومینو» (MIELKE GIACOMINO ۱۹۹۳) می گویند که: محاسبه و استفاده از وجوه نقد ناشی از عملیات، تحریفها را حذف می کند. با توجه به اینکه شرکتها از روشهای مختلف استهلاک استفاده کرده و عمر مفید متفاوتی برای دارائیها قائل می شوند وجوه نقد ناشی از عملیات، این نقایص مقایسه سود شرکتها را حذف می کند. راپاپورت (RAPPAPORT) نیز با نظر آنان موافق بوده و عقیده دارد که روشهای حسابداری، وجوه نقد ناشی از عملیات را تحت تاثیر قرار نمی دهد. هموارسازی واقعی بر جریان وجوه نقد تاثیر گذار است اما هموارسازی مصنوعی تاثیری بر جریان وجوه نقد ندارد (هورویتز، ۱۹۷۷). جریانات نقدی از تخصیص آزادانه مبرا هستند در حالی که این خاصیت حسابداری تعهدی است. بازده تعدیل شده براساس ریسک عوامل مختلفی بر بازده و ریسک یک سهام تاثیر می گذارند. ویلیام اف. شارپ براساس تحقیقات قبلی اش با هاری مارکوویتز عوامل تاثیر گذار بر بازده و ریسک یک سهم را به دو دسته تقسیم کرد: آنهایی که بستگی به شرکت دارند (ریسک غیرسیستماتیک) و آنهایی که با بازار در ارتباط هستند (ریسک سیستماتیک). بازده یک سهام را می توان به صورت زیر نوشت: $Rit = aI + b iRMt = et$ به طوری که: $Rit =$ بازده دارایی i در دوره t $ts RMt =$ بازده همه سهامهای بازده برای دوره $tet =$ اشتباه تصادفی در فرایند برای دوره t . این مدل به نام مدل بازار شناخته شده است. مهمترین فرض مدل بازار این است که تغییرات در یک سهام منفرد ناشی از عواملی است که بر کل بازار تاثیر می گذارد. وقتی بدره سهام تشکیل می شود. ریسک غیرسیستماتیک حذف شده و ریسک سیستماتیک باقی می ماند. طبق تعریف، بازده تعدیل شده براساس ریسک عبارت است از تفاوت بین بازده واقعی یک دارایی و بازدهی ناشی از نوسانات بازار آن دارایی (ضریب بتا). از این رو تئورسین های بازار، نوسانات بازار را با ریسک برابر می دانند. بازده تعدیل شده براساس ریسک را ضریب آلفا نیز می نامند. نام آلفا از حرف a در معادله خطی $y = a + bx$ گرفته شده است. غالباً معیار عملکرد تعدیل شده براساس ریسک برای مقایسه سرمایه گذاریهای مختلف مورد استفاده قرار می گیرد. معیاری که در حال حاضر در موسسات مشاوره سرمایه گذاری مانند مورنینگ استار (MORNING STAR) یا میکروپال (MICROPAL) به کار گرفته می شود. این معیار معمولاً بازده میانگین را برای سطح ریسک آن سرمایه گذاری تعدیل می کند. بازده غیرنرمال برای آنکه بازده غیرنرمال را در بلندمدت اندازه گیری کنیم گام اول این است که بازده نرمال را تعریف کنیم. در مدل های هنجاری قیمت گذاری دارائیها شواهد کمی برای نحوه تعریف بازده نرمال بلندمدت دارند. آزمونهای بازده غیرنرمال بلندمدت براساس دو رویکرد طبقه بندی می شوند: رویکرد سری های زمانی؛ رویکرد عرضی. «کتاری» و «وارنر» (KOTHARI WARNER, ۱۹۹۶) مدل بازار، CAPM و مدل سه عامله فاما - فرنچ را به عنوان مدل های سری های زمانی طبقه بندی کردند. هنگام کاربرد این مدل ها یک خاصیت مشترک وجود دارد: پارامترهای آنها باید در دوره ای غیر از دوره نمونه برآورد شود. فرض اصلی این مدل ها این است که این پارامترها تغییر نمی کنند. هنگامی که محققان بازده غیرنرمال را برای دوره ای بیش از پنج سال مورد بررسی قرار می دهند این پیش فرض مخدوش می گردد. تعداد زیادی از محققان از یک بدره مبنا یا بدره مشابه برای محاسبه بازده مورد انتظار استفاده می کنند. این رویکرد را رویکرد عرضی می نامند. برتری این رویکرد این است که نیازی به اطلاعات تاریخی برای تخمین پارامترها ندارد. پیش فرض اصلی این رویکرد عبارت است از اینکه بدره مشابه در همه خواص با بدره ما یکسان است. رویکرد استفاده شده در این پژوهش از فرآیندی تبعیت می کند که توسط فاما

(۱۹۹۸)، لیون، باربر و تسای (TSAI) ت (۱۹۹۹)، میتشل و استانفورد (MITCHELSTANFORD, ۲۰۰۰) و بوئم و سورسکو (BOEHME & SORESCU, ۲۰۰۲) پیشنهاد شده است. برای هر ماه، بازده غیرنرمال هر سهم با کسر کردن بازده مورد انتظار از بازده واقعی به دست می آید. میانگین بازده غیرنرمال همه سهامهای آن بدرد در آن ماه، بازده غیرنرمال آن ماه بدرد را تشکیل می دهد. این بدرد هرماه مورد بازبینی قرار می گیرد و همان مراحل برای محاسبه بازده غیرنرمال بدرد تکرار می گردد. برای هرماه، بازده غیرنرمال هر سهم $(AR_{i,t})$ در بدرد به صورت زیر محاسبه می گردد: $(AR_{i,t} = R_{i,t} - E(R_{i,t}))$ به نحوی که: $R_{i,t} =$ بازده واقعی شرکت i در ماه t $(E(R_{i,t})) =$ بازده مورد انتظار آن شرکت. بازده غیرنرمال برای بدرد برای آن ماه به صورت زیر محاسبه می گردد: $AR_{p,t} = S_{xi,t} AR_{i,t}$ روش تحقیق: روش مورد استفاده در این تحقیق، آزمونهای رگرسیون و T-Student با رویکرد طرح تحقیقی پس رویدادی (استفاده از اطلاعات گذشته) است. جامعه آماری و نمونه: جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند که تا پایان سال ۱۳۷۶ در بورس پذیرفته شده اند. نمونه آماری مشتمل بر ۴۴ شرکت از صنایع مختلف است. البته با توجه به وضعیت خاص شرکتهای سرمایه گذاری، این شرکتهای از نمونه آماری حذف گردیده اند. محدوده زمانی تحقیق: محدوده زمانی این یک دوره زمانی پنج ساله از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ است. تعریف فرضیات آماری: فرضیه اهم این تحقیق بدین صورت تعریف شده است که: فرضیه اول: بین هموارسازی سود و بازده تعدیل شده براساس ریسک رابطه معنی داری وجود دارد. در راستای آزمون فرضیه فوق هدف دیگر این تحقیق، شناسایی وضعیت میانگین بازده غیرنرمال است. این هدف در قالب فرضیه زیر تبیین گردیده است: فرضیه دوم: میانگین بازده غیرنرمال در شرکتهایی که هموارسازی سود انجام داده اند از میانگین بازده غیرنرمال شرکتهایی که سود هموار نشده دارند کمتر است. با توجه به مطالب فوق فرضیات H_0 و H_1 متناظر با فرضیه نخست به شرح ذیل بیان می گردد: H_0 : بین هموارسازی سود و بازده تعدیل شده براساس ریسک در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی داری وجود ندارد. H_1 : بین هموارسازی سود و بازده تعدیل شده براساس ریسک در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین از آنجایی که فرضیه دوم به بررسی میانگین های دو جامعه از متغیرهای مختلف می پردازد، لذا فرضیات H_0 و H_1 مربوط به فرضیه دوم به شرح ذیل است: H_0 : میانگین بازده غیرنرمال شرکتهایی که هموارسازی سود انجام داده اند بیشتر یا مساوی میانگین بازده غیرنرمال شرکتهایی است که هموارسازی سود انجام نداده اند. H_1 : میانگین بازده غیرنرمال شرکتهایی که هموارسازی سود انجام داده اند کمتر است از میانگین بازده غیرنرمال شرکتهایی است که هموارسازی سود انجام نداده اند. نتیجه گیری نتایج حاصل از آزمون رابطه بین هموارسازی سود و بازده تعدیل شده براساس ریسک نشان داد که بین هموارسازی سود و بازده تعدیل شده براساس ریسک رابطه معنی داری وجود دارد. برای اطمینان بیشتر بین هموارسازی سود و میانگین بازده شرکتهای رگرسیون انجام شد، نتایج حاصل از این آزمون نیز نشان داد که بین هموارسازی سود و بازده رابطه ای معنی دار و مثبت وجود دارد. تایید فرضیه نخست بدین معنی است که هرچه شرکتهای بیشتر سود خود را هموار کند بازده تعدیل شده براساس ریسک آن نیز بالاتر است و بین هموارسازی سود و بازده تعدیل شده براساس ریسک رابطه خطی مثبتی وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نیز موید نتایج فرضیه اول بوده و نشان می دهد که شرکتهایی که هموارسازی سود انجام می دهند به طور میانگین بازده غیرنرمال بیشتری دارند. همانگونه که قبلاً نیز بیان شده، بازده غیرنرمال، بازده مازاد بر بازده مورد انتظار است. لذا می توان نتیجه گیری کرد که بازده واقعی شرکتهایی که هموارسازی سود انجام می دهند از بازده مورد انتظار آنها بالاتر است. چنانچه عوامل ایجاد کننده بازده را به دو قسمت سود نقدی سهام و تغییرات قیمت تقسیم کنیم نتیجه حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان می دهد که بازده ناشی از تغییرات قیمت شرکتهایی که هموارسازی سود انجام می دهند بیشتر از شرکتهایی است که هموارسازی سود انجام نمی دهند. این مهم می تواند ناشی از بالاتر بودن عرضه و تقاضا برای سهام این شرکتهاست که باعث افزایش قیمت آنها می گردد. به عبارت دیگر شرکتهایی که

هموارسازی سود انجام می دهند توانسته اند توجه سرمایه گذاران را به خود معطوف سازند. زیرا بازده واقعی آنها بیشتر است از آنچه سرمایه گذار انتظار دارد و علاوه بر حداقل بازده بدون ریسک (نرخ بهره اوراق مشارکت) و صرف ریسک، بازده بدون ریسک مازادی را عاید سرمایه گذاران می کند. نتایج تحقیقات «گری مین» و حمید پورجلالی با طرح فرضیه‌هایی نظریه گری در ایران (بعد از انقلاب اسلامی) نشان داد که ارزشهای حسابداری ایران بعد از انقلاب اسلامی به سمت کنترل قانونی، یکنواختی، محافظه کاری و پنهان کاری متمایل شده اند. دو عامل اول باعث کاهش انعطاف پذیری در گزارشگری مالی می گردد اما محافظه کاری و پنهان کاری عواملی هستند که منطبق با هموارسازی سود هستند. باتوجه به اینکه بازده غیرنرمال شرکتهایی که هموارسازی سود انجام داده اند بیشتر است، لذا می توان نتیجه گیری کرد که عوامل محافظه کاری و پنهان کاری باعث ایجاد آن شده اند.*منبع: تدبیرمنابع ۱ - BREALEY. RICHARD A., MYERS. STEWART C., (۲۰۰۰), PRINCIPLES OF CORPORATE FINANCE, SIXTH EDITION, MC GROW HILL. ۲ - EVANS. THOM GIBSON. DAVID W. PRELL. MARK A., (۱۹۹۷), DO MANAGERS SMOOTHING EARNINGS PATHS, ACADEMY OF ACCOUNTING AND FINANCIAL STUDIES JOURNAL, V.۱, NO. ۲ PP ۷۷-۹۵. ۳ - EVANS. THOMAS, (۲۰۰۳), ACCOUNTING THEORY, FIRST EDITION, THOMSON. ۴ - KIRSCHENHEITER MELUMAD, (۲۰۰۲), EARNING'S QUALITY & SMOOTHING, MICHIGAN UNIVERSITY, AVAILABLE AT: WWW.COLOMBIA.EDU. ۵ - LIU. YI, SZEWCZYK. SAMUEL H. ZANTOUT. ZAHER, (۲۰۰۲), AN EXAMINATION OF LONG-RUN MARKET REACTION TO ANNOUNCEMENT OF DIVIDEND OMISSIONS AND REDUCTIONS, DREXEL UNIVERSITY, WORKING PAPER, AVAILABLE AT: <http://MFS.RUTGERS.EDU> ۶ - MOHAN GOEL. ANAND & THAKOR. ANJAN V., (۲۰۰۳), WHY DO FIRM SMOOTH EARNINGS, JOURNAL OF BUSINESS, VOL. ۷۶, No. ۱, PP ۱۵۱-۱۹۲. ۷ - ROSS. STEPHAN A., WESTERFIELD. RANDOLPH W. & JORDAN. BRADFORD D., (۲۰۰۱), ESSENTIALS OF CORPORATE FINANCE, THIRD EDITION, MC GROW HILL. ۸ - ROOSENBOOM. PETER, VAN DER GOOT. TJALLING MERTENS. GERARD, (۲۰۰۰), EARNINGS MANAGEMENT AND FORTUNES OF IPOS: A TALE OF TWO FORMS, TILBERG UNIVERSITY, WORKING PAPER, AVAILABLE AT: <http://PRIMAVERA.FEE.UVA.NL> ۹ - STOLOWY, HERVE BRETON. GAETAN, (۲۰۰۰), "A FRAMEWORK FOR ACCOUNTS MANIPULATION", AVAILABLE AT: <http://PAPERS.SSRN.COM> ۱۰

در هموارسازی سود گزارش شده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

مدیریت ریسک در حوزه عملیات مالی

تشدید پدیده ریسک در حوزه عملیات مالی و اعتباریدکتر هادی مهدویان

اگرچه ریسک در عملیات اعتباری بانک‌ها و موسسات مالی و تا حدودی ریسک بازار، ناشی از نوسان قیمت دارایی‌هاست، و قیمت کالاها و خدمات در حوزه عملیات بانکی و مالی از دیر باز شناخته شده اما ریسک به مفهوم امروزی به گونه‌ای که تقریباً حوزه وسیعی از عملیات مالی موسسات را پوشش دهد، پدیده‌ای جدید و مربوط به دو دهه اخیر است. شاید بتوان سقوط نظام برتون وودز و انتقال نظام پولی جهان از برابری‌های ثابت به برابری‌های شناور در سال ۱۹۷۴ را نقطه عطفی در زمینه ورود ریسک

به حوزه تجارت و مبادلات مالی خارجی کشورها تلقی کرد. تا قبل از این مقطع دولت‌ها نقش بسیار موثری در حفظ ثبات مالی و جلوگیری از بروز تنش‌های مالی ناشی از تغییر برابری‌های ارزی داشتند و حمایت آنان از نظام ارزی و پرداخت‌های خارجی کشور خود عامل تثبیت کننده‌ای قوی ارزیابی می‌شد. لیکن از زمان حاکمیت نظام شناور ارزی در حوزه ارزهای معتبر و جهانروا و نیز با گسترش سریع تجارت و مالیه بین الملل، نظام پولی جهانی به عنوان منشا ریسک بزرگی در حوزه مبادلات مالی خارجی کشورها ظاهر شده است. تغییرات برابری مداوم ارزهای عمده جهانی نه تنها قدرت خرید حجم دارائی‌ها و ذخایر خارجی کشورها را در معرض مخاطرات ناشی از نوسان نرخ قرار می‌دهد بلکه با این تغییرات، به طور مستمر قدرت خرید جهانی حجم مشخصی از صادرات کالاها و خدمات کشورهای فاقد ارزهای معتبر، در معرض کاهش و افزایش قرار دارد. این وضعیت، یعنی تشدید پدیده ریسک در حوزه عملیات مالی و اعتباری خارجی از ابتدای دهه ۸۰ به عنوان عاملی موثر در ایجاد بحران‌های اقتصادی کشوری و منطقه‌ای نقش عمده‌ای داشته است. با بروز اولین نشانه‌های ناشی از غفلت و تغافل کشورها به این عامل بی‌ثباتی جدید که از ابتدای دهه هشتاد میلادی در قالب انواع بحران‌های مالی در کشورهای مختلف ظاهر شد، این فکر تقویت شد که لازم است ترتیبات مالی و نظارتی ویژه‌ای مطمح نظر قرار گیرد تا از طریق تقویت بنیادهای مالی و سرمایه‌ای موسسات مالی کشورها، امکان پیشگیری از بروز این بحران‌ها فراهم شود. بخش عمده‌ای از مقررات بال برای نظام بانکی، مقررات نظارتی حاکم بر نهادهای مالی بازار سرمایه، مقررات نظارتی حاکم بر شرکت‌های بیمه و صندوق‌های تامین اجتماعی و نیز مقررات نظارتی حاکم بر نظام همزمان پرداخت و تسویه دیون و مطالبات که در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی تدوین شده، برای تقویت بنیان مالی موسسات کشوری و عدم بروز نکول در ایفای تعهدات این موسسات طراحی شده است. هدف اصلی از تدوین و اجرای این مقررات آن است که حتی الامکان از تبدیل بحران‌های مالی کوچک کشوری به بحران‌های منطقه‌ای که به سهولت با سیستمیک شدن بحران از طریق آثار سرریز آن اتفاق می‌افتد، جلوگیری شود. ریسک به عنوان پدیده‌ای تعریف شده است که زیان بالفعل و مستقیم از طریق کاهش جریان درآمدی و زیان سرمایه‌ای بر موسسه وارد می‌کند. گروهی از اقتصاددانان تعریف وسیع‌تری از پدیده ریسک ارائه داده و بروز هر گونه پیشامد و واقعه‌ای را که به صورت بالقوه از طریق اعمال و ایجاد محدودیت بر ظرفیت و فعالیت‌های سازمان امکان تحقق اهداف سازمان را متزلزل کند نیز ریسک تعریف کرده‌اند. اگر تعریف موسعی را که از پدیده ریسک به شرح فوق ارائه شده است بپذیریم، آن گاه می‌باید ریسک را به عنوان امری ذاتی و تفکیک ناپذیر از نظام اقتصادی بازار ارزیابی کرد و به این ترتیب تعریف، شناسایی و اندازه گیری پدیده‌های ریسکی در حوزه فعالیت‌های مالی و اقتصادی اجتناب ناپذیر خواهد بود. مقابله با پدیده‌های ریسکی در فعالیت‌های مالی و اقتصادی مستلزم طراحی و اجرای چارچوب جامع مدیریت ریسک است. آنچه در چارچوب مدیریت جامع ریسک برای موسسات و شرکت‌ها و بانک‌ها و به طور کلی واحدهای خرد توصیه می‌شود، از آنچه در سطح بخش و کلان توصیه می‌شود، تا حدودی متفاوت است. در حالی که برای واحدهای خرد مباحثی نظیر شناسایی، احتراز از پدیده ریسکی، برخورد اصلاحی، خرید پوشش، تعریف آستانه و سقف، سرمایه‌گیری و تقویت بنیان مالی موسسه حائز اهمیت است، برای مقام ناظر بخشی و کلان، موضوع بیشتر از جنبه تدوین مقررات و قوانین نظارت، ارائه راهکارها و گسترش بازارها و مسؤولیت‌های مقام ناظر در این زمینه‌ها واجد اهمیت تلقی می‌شود زیرا ایجاد ثبات و اطمینان در بازارها یکی از وظایف اصلی مقام نظارتی بخشی و کلان به شمار می‌آید. اگر چه پدیده ریسک و روش‌های مقابله با آن در یک چارچوب جامع مدیریت ریسک برای کلیه موسسات و سازمان‌ها مطرح و مهم تلقی می‌شود اما تجارب دو دهه گذشته حکایت از آن دارد که این مجموعه مقررات برای پنج گروه از موسسات از اهمیت حیاتی و بلافاصله برخوردار است این پنج گروه از موسسات شامل بانک‌ها و موسسات غیر بانکی بازار پول، موسسات مالی بازار سرمایه و بورس اوراق بهادار، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی و تامین اجتماعی و بالاخره نظام تسویه همزمان پرداخت مطالبات و بدهی‌هاست. به همین دلیل سازمان‌های مالی جهانی نظیر صندوق بین المللی پول، بانک جهانی،

بانک تسویه بین المللی و تعدادی دیگر طی دهه گذشته به گردآوری و تدوین مقررات نظارتی در زمینه‌های فوق اقدام کرده‌اند. این مجموعه مقررات در واقع به جمع آوری بهترین تجارب کشوری در سطح جهان مربوط می‌شود. مجموعه‌های مذکور در اختیار کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور قرار داده شده است تا از این طریق موفق به اجرای بهترین تجارب جهانی شوند و از آزمون و خطا در این زمینه‌ها پرهیز کنند. در حوزه فعالیت بانک‌ها و موسسات غیر بانکی بازار پول، دو مجموعه مقررات در زمینه روش‌های مدیریت ریسک توسط کمیته بال تحت عناوین بال (۱) و بال (۲) تدوین شده و در اختیار فعالان بازار و مقامات نظارتی بانکی کشورها قرار گرفته است. مقررات بال (۱) در سال ۱۹۸۸ تدوین و در آن دو مقوله اساسی کفایت سرمایه و طبقه بندی دارائی‌های بانک‌ها از لحاظ درجه ریسک اعتباری آنها پوشش داده شده است. مقررات بال (۱) از ابتدای دهه ۹۰ میلادی در بانک‌های عمده بزرگ بین المللی به مرحله اجرا گذارده شد. به فاصله کوتاهی پس از اجرای این مقررات و در اواخر دهه ۹۰ مشخص شد مقررات مزبور از بسیاری جنبه‌های بانکداری بین المللی دچار ضعف و نقص است. به همین دلیل در اوایل دهه حاضر مقررات جدیدی با عنوان بال (۲) تدوین و برای اجرا به بانک‌ها و مقامات ناظر بانکی پیشنهاد شد. مقررات جدید از نظر پوشش ریسک‌ها، نه فقط ریسک اعتباری بلکه ریسک بازار و ریسک عملیاتی را نیز تحت نظر و مطالعه قرار داده است. علاوه بر آن در قالب مقررات جدید بال به موضوع نظارت، به خصوص نظارت‌های داخلی بانک‌ها از این منظر که بانک‌ها دارای سیستم‌های مدیریتی ریسک مناسب بوده و بر اجرای آن نظارت داخلی داشته باشند، توجه عمیقی معطوف شده است. مقررات جدید بال تأکید اساسی را بر شفافیت و انضباط بازار قرار داده است و از این دیدگاه توصیه‌هایی جدی در زمینه مسؤلیت پذیری، شفافیت، انتشار اطلاعات، کیفیت اطلاعات و امثال آن ارائه کرده است. موضوع مدیریت جامع ریسک فقط به حوزه‌های پیشگفته محدود نمی‌شود، بلکه طیف وسیعی از مقررات داخلی، قوانین و مقررات نظارتی، توسعه و تعمیق بازارها، طراحی و نوسازی ابزارها و مدیریت و زمامداری را در بر می‌گیرد. به همین دلیل لازم است کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور، در گذار اقتصاد ملی خود از کنترل‌های دولتی و محدودیت‌های ساختاری به نظام اقتصاد بازار، مجموعه مقررات و قوانین ناظر بر بازارها را مورد بازبینی قرار دهند. در این بازبینی تأکید شده است کشورها باید از تجارب خوب و موفق جهانی در این زمینه بهره ببرند و ضرورتی ندارد به صورت آزمون و خطا هزینه‌های اجتماعی سنگینی را در این خصوص تحمل کنند. منبع: صنعت و توسعه

<http://www.rastak.com/showtext.php?id=۲۳۹>

نقش فن آوری اطلاعات در مدیریت ریسک

عبدالرحمن محمدی نوده

در جهان کنونی، عناوین و پارامترهای مختلفی در امر مدیریت مطرح است که اداره آنها نیازمند شناخت و درک صحیح و دانش مخصوص به خود است. پرداخت به هریک از این عناوین و تعیین وجه اشتراک و افتراق هر کدام، نیازمند فرصت کافی به خود است، اما آنچه که امروزه مهم تر از همه عناوین مدیریتی، به عنوان اصلی ترین عامل در تعیین برنامه ها و تصمیم گیری ها در محیط های پر فرآیند تاثیر گذار است، بکارگیری و استفاده از تکنیک های مدیریت ریسک و به همان میزان سیستم های مبتنی بر IT, ICT است. فن آوری اطلاعات، به نحو فزاینده ای بر چگونگی عملکرد و نحوه کارآیی سازمانها، ارگانها، شرکت های دولتی و خصوصی اثر گذاشته است، و نقش سیستم های مبتنی بر فن آوری اطلاعات در انجام کارآمد امور اداری و تجاری انکار ناشدنی جلوه می کند. تنوع و گستره فعالیتها موجب می گردد تا امکان پرداختن به همه امور میسر نباشد فلذا طبقه بندی کردن امور و اولویت دادن به برخی امور مهم نسبت به برخی دیگر از اهمیت زیادی برخوردار نمی باشند ضرورت پیدا می کند. امروزه بهره گیری از فن آوری اطلاعات در مدیریت ریسک حدیث متفاوتی را باز می گوید و تأثیری عمیق بر چگونگی سر و سامان دادن به

فعالیت‌های اتوماسیون سازمانها و مدیریت چرخه ایجاد سیستم های مکانیزه می گذارد. مدیریت ریسک، یک مدیریت مهم و ضروری محسوب می شود که تصمیم گیری دقیقی را بر اساس میزان ریسک و خطر میسر می سازد و در اکثر نقاط دنیا توسط پرسنل اجرایی IT مورد بهره برداری قرار می گیرد. ریسک در معنای عام عبارت است از تاثیر منفی ناشی از یک آسیب پذیری و در نظر گرفتن احتمال وقوع و اثر آن در فرآیندهای یک سیستم. فلذا بایستی سطح ریسک پایین؛ متوسط؛ بالا و احتمال وقوع آن و پیامدهای آن مورد شناسایی قرار گیرد تا بتوان برای رفع آن تصمیم گیری کرد. ریسک یعنی: میزان و امکان سرپیچی از قانون که به خسارت و زیان علیه تجارت؛ صنعت و مردم منجر خواهد شد یا به تعبیر دیگر را! ریسک امکان وقوع یک خسارت و زیان اعم از مالی و یا غیر مالی در نتیجه انجام یک کار است. مدیریت ریسک، فرآیند تشخیص و ارزیابی ریسک و کاهش آن تا یک سطح قابل قبول می باشد و با هدفگذاری امکان پذیر است. هدف از اجرای مدیریت ریسک این است که سازمان بتواند به اهداف ذیل جهت سیستم های مبتنی بر فن آوری اطلاعات خود دست یابد: تامین امنیت بیشتر برای سیستم های مبتنی بر ذخیره سازی، پردازش و انتقال اطلاعات سازمانی. اعمال مدیریت برای توجیه و بهینه سازی هزینه های IT. تصویب و تائید سیستم ها. مدیریت ریسک دارای سه مرحله است: مدیریت ریسک، ارزیابی ریسک و کاهش ریسک. مدیریت ریسک: مدیریت ریسک یعنی شناسایی؛ ارزیابی؛ تجزیه و تحلیل؛ چگونگی رفتار و اداره کردن آن. مدیریت ریسک فرآیندی است که به مدیران امکان می دهد تا هزینه های اقتصادی و عملیاتی مورد نظر را مقایسه کنند و با بهره گیری و حمایت از سیستم های IT، امکانات و قابلیت‌های آنها را بهینه سازند و یا به تعبیر دیگر مدیریت ریسک روشی است برای استفاده بهینه از امکانات و منابع موجود. این روند تنها منحصر به محیط IT نیست و در تمام تصمیم گیری های روزانه ما تاثیر بسزایی دارد. به عنوان مثال، امروزه بسیاری از مردم تصمیم به نصب دزدگیر می کنند و بر این اساس هزینه ای را به شرکت مربوط می پردازند تا این سیستم ها را جهت حفاظت بهتر از اموال و دارایی های خود به کار گیرند. مسلم؟ افراد هزینه نصب و کنترل اینگونه سیستم ها را به نسبت اسباب و دارایی خود می پردازند و به همان مقیاس تامین امنیت را برای خانواده خود فراهم می آورند §. بهره گیری از مدیریت ریسک در چرخه ایجاد یک سیستم: کاهش اثر منفی در سیستم و سازمان و رسیدن به یک پایه اساسی در تصمیم گیری، دلایلی هستند که که سازمان را وادار به اجرای روند مدیریت ریسک برای سیستم های مبتنی بر IT می سازند. چرخه ایجاد یک سیستم مکانیزه دارای ۵ مرحله است: شروع، ایجاد و تهیه سیستم، اجرای سیستم، بازبینی مجدد، حفاظت و واگذاری. ارزیابی ریسک: ارزیابی ریسک اولین قدم در روش مدیریت ریسک به شمار می آید. سازمانها با استفاده از ارزیابی ریسک، می توانند محدوده تهدیدات احتمالی و ریسک مربوط به یک سیستم مبتنی بر IT را در سراسر چرخه ایجاد سیستم مشخص کنند. بازده و نتیجه این امر به تعیین کنترل های مربوطه جهت کاهش یا حذف ریسک در طول روند کاهش ریسک کمک می کند. ارزیابی ریسک خود دارای ۹ مرحله اساسی است که عبارت است از: تعیین سیستم، تشخیص تهدید، تشخیص آسیب پذیری، تحلیل کنترل، تعیین احتمال، تحلیل اثر سوء، تعیین ریسک، ارائه نظریه و پیشنهاد جهت کنترل سیستم و نهایتا مستند سازی نتایج. کاهش ریسک: کاهش ریسک عبارت است از اولویت دادن، ارزیابی و اجرای کنترل های کاهش ریسک که در روند ارزیابی ریسک پیشنهاد شده اند. از آنجایی که از بین بردن تمامی ریسک ها عملا امکان ندارد، مدیران با اعمال کنترل های مناسب، کاهش ریسک را تا یک سطح قابل قبول به انجام می رسانند. کاهش ریسک را از طریق موارد ذیل می توان انجام داد. الف- تقبل ریسک: پذیرفتن ریسک احتمالی و ادامه عملیات سیستم IT جهت پیاده سازی کنترل ها تا رسیدن به یک سطح قابل قبول. ب- اجتناب از ریسک: دور کردن ریسک با از میان برداشتن عامل و پیامدهای ریسک. ج- برنامه ریزی ریسک: کنترل ریسک از طریق ایجاد یک برنامه کاهش ریسک که به کنترل ها اولویت بخشیده و آنها را اجرا و اداره می کند. د- تصدیق و تحقیق: قبول نقطه ضعف یا آسیب پذیری و تحقیق در خصوص کنترل ها جهت اصلاح آسیب پذیری. ه- انتقال ریسک: انتقال ریسک برای جبران خسارت، به طور مثال بیمه کردن

سیستم . سازمانها می توانند حدود کاهش ریسک را بر حسب احتمال یا تاثیر تخفیف تهدید (دو عاملی که سطح کاهش یافته ریسک را در یک عملیات سازمانی تعیین می کنند) بررسی کنند . به ریسکی که بعد از اجرای کنترل های جدید می ماند ، ریسک باقی مانده می گویند . عملا هیچ سیستم IT بدون ریسک نیست و تمام کنترل های صورت گرفته را ریسک برطرف نمی کند . چنانچه ریسک باقی مانده تا یک سطح قابل قبول تقلیل نیابد ، چرخه مدیریت ریسک باید تکرار گردد تا روشی را که برای کاهش ریسک باقی مانده مشخص سازد . هنگامی که مسئولان و مدیران اعلام کنند که ریسک به سطح مناسبی رسیده ، باید گزارشی را که بیانگر ق! بول ریسک باقی مانده است ، قبل از تائید و معتبر سازی سیستم ، قبول و به امضا رسانند . نکات اصلی در مدیریت موفق ریسک : از فواید مدیریت ریسک به طور خلاصه می توان به افزایش کارآئی ؛ موثر بودن ؛ تسهیلات و روان سازی ؛ کاهش هزینه ؛ سرعت عمل ؛ کاهش زمان انجام عملیات اشاره نمود . اما یک برنامه موفق در مدیریت ریسک بستگی به موارد ذیل دارد : ۱- تعهد مدیریت ارشد در خصوص زمان و منابع ضروری ۲- پشتیبانی و همکاری همه جانبه گروه ۳ IT- صلاحیت تیم مدیریت ریسک . این گروه باید مهارت لازم را در پیاده سازی روش مدیریت ریسک در یک سیستم را دارا باشند . ریسک و احتمال خطر عملیات را تشخیص دهند و بر آن اساس ، حمایت های مقرون به صرفه ای را جهت رفع احتیاجات سازمان ارائه نمایند . ۴- آگاهی و مسئولیت پذیری گروه کاری که باید از روش ها و آئین نامه ها پیروی کرده و کنترل های اجرا شده در خصوص حمایت از عملیات سازمانشان را بپذیرند .

Risk Management

Risks to your business can arise for many reasons – interest rate or price increases, your competitors' activities, injuries through hazards in the workplace, skilled staff leaving, natural disasters or terrorist activities. Managing those risks is an important part of running your business. Risk management is a systematic process of making a realistic evaluation of the true level of risks to your business. Before risks can be properly managed they need to be identified – you can begin with these questions: * What can go wrong? * What can we do to prevent it? * What do we do if it happens? There are standard procedures and processes to handle risk management in business. Standards Australia has developed a Standard, AS/NZS ۴۳۶۰:۲۰۰۴, Risk management that outlines procedures and processes to implement. A good plan is to develop a risk register to document each potential problem, its level of seriousness, what is required to fix it and who will fix the problem.

ضرورت های مدیریت ریسک

Risk Management ... حداکثر سازی ثروت حق تمام سهامداران محمد آزاد

تحولات اخیر در نظام راهبری شرکتی نشانه هایی از تاکید بر مدیریت ریسک بنگاه دارد. راهبری شرکتی انتظارات سهامداران از اعضای هیات مدیره را تشریح می کند؛ رویکردهایی را که شرکت ها نسبت به ریسک پذیرفته اند و توسعه افشای رویه های مدیریت ریسک را تشریح می کند. در حال حاضر نظام راهبری شرکتی است که اجزای اصلی مدیریت ریسک بنگاه را شکل می دهد. رویه های خوب هیات مدیره و نظام راهبری شرکتی برای یک مدیریت ریسک بنگاه کارا بسیار مهم است. شاید بتوان گفت

اساساً نظام راهبری شرکتی به دنبال آن است که مبانی توانمندی را هم برای مدیریت و هم نظارت فراهم آورد، هیات مدیره را در راستای ایجاد ارزش افزوده انتخاب و تعیین و اخلاق حرفه‌ای و مسوولیت تصمیم‌گیری را ترویج کند، یکپارچگی در گزارشگری مالی را تامین و حفظ کند، افشای متوازن و به موقع را ممکن سازد، حقوق سهامداران را حفظ، ریسک را شناسایی و مدیریت کند، عملکرد ارزش‌زا را تقویت کند، به نحو منصفانه و مسوولانه پاداش اعطا و منافع قانونی ذی‌نفعان را شناسایی کند. حداکثرسازی ثروت حق تمام سهامداران اگر ما هم موافق با این عقیده باشیم هدف اصلی هر کسب و کار، حداکثرسازی ثروت سهامداران است. سهامداران در یک اقتصاد مبتنی بر بازار، منابع را در اختیار کسب و کاری قرار خواهند داد که انتظار دارند با توجه به ریسک‌هایی که با آن مواجه هستند، حداکثر میزان افزایش ممکن در ثروت را داشته باشند. به علاوه آنها در بررسی گزینه‌های موجود برای سرمایه‌گذاران، بازده حاصل از هر سرمایه‌گذار را در مقابل ریسک‌های احتمالی آن قرار می‌دهند. اگر ثروت سهامداران را همان ارزش بازار سهام عادی در نظر بگیریم، ارزش بازار سهام در بازدهی آتی منعکس خواهد شد که سهامداران انتظار دارند در طول زمان از سهام خود و با توجه به سطح ریسک موجود کسب کنند. عموماً سهامداران بازدهی را در یک دوره بلندمدت مدنظر قرار می‌دهند و نه کوتاه مدت. سوالی که مطرح می‌شود این است که چرا دستیابی به بالاترین بازدهی ممکن را در بلندمدت در نظر می‌گیرند. حداکثرسازی سود اغلب یکی از اهداف کسب و کار است. بدیهی است حداکثرسازی سود امری متفاوت از حداکثرسازی ثروت است. حداکثرسازی سود معمولاً جزء اهداف کوتاه مدت است در حالی که حداکثرسازی ثروت یک هدف بلندمدت است. حداکثرسازی ثروت، ریسک‌های مربوط به رشد بلندمدت را در نظر می‌گیرد در صورتی که حداکثرسازی سود به این نکته توجهی ندارد. هدایت راهبردی یک واحد انتفاعی، به معنای شناسایی عوامل خلق و زوال ثروت است. هر یک از این دو مورد بیانگر جست‌وجوی فرصت‌هایی است که مستلزم شناسایی ریسک‌های مورد پذیرش و ریسک‌های قابل اجتناب است. بنابراین رشد هر نوع فعالیت انتفاعی مستلزم ارزیابی و پذیرش ریسک است. توانایی هر فعالیت در مدیریت ریسک‌های موجود، از ویژگی‌های اصلی موفقیت آن در زمینه رقابت است. به هر حال تغییرات سریع فناوری و ارتباطات، جهانی شدن فعالیت‌ها و تغییر در بازارها موجب بزرگ‌تر شدن، پیچیده‌تر شدن و پویاتر شدن معرض‌های ریسک شده است. پذیرش راهبردهای توسعه از تحصیل سهام شرکت‌ها گرفته تا سرمایه‌گذاری در بازارهای نوظهور همگی می‌توانند معرض‌های ریسک کسب و کار را افزایش دهند. در نتیجه این تحولات رخ داده در معرض‌های ریسک، مدیریت ریسک نیازمند رویکردی جامع‌تر است. دامنه وسیع ذی‌نفعان و مقررات‌گذاران، مهم‌ترین ارکانی هستند که هیات مدیره شرکت‌ها را باید به سمت مدیریت جامع‌تر، سیستماتیک‌تر و دقیق‌تر ریسک هدایت کنند. البته شرکت‌هایی که مدیریت ریسک را فقط به خاطر رعایت مقررات انجام می‌دهند در واقع خود را در پناه یک ترازنامه معیوب به ظاهر ترمیم شده قرار می‌دهند. همانطور که پیتز دراکر می‌گوید: هر فعالیت اقتصادی حرکت از زمان حال به یک آینده نامشخص است. تنها چیزی که درباره آینده می‌توان با قطعیت بیان کرد عدم قطعیت و ریسک‌های مربوط به آن است. از این رو پذیرش ریسک بخشی از ماهیت یک فعالیت اقتصادی است. وی معتقد است تاریخ نشان داده که کسب بازده‌های بیشتر در عملکرد اقتصادی تنها به واسطه عدم قطعیت بیشتر و به عبارت دیگر به خاطر پذیرش ریسک بیشتر تحقق یافته است. تحولات صورت گرفته در ماهیت ریسک‌ها و انتظارات مربوط به مدیریت آن، تأثیرات بسزایی بر بهترین رویه‌های فعالیت داشته است. مدیریت ریسک بنگاه می‌تواند پاسخی به عدم توانمندی رویکرد مدیریت ریسک سنتی باشد. مدیریت ریسک بنگاه برای بهبود عملکرد کسب و کار اجرا و پیاده‌سازی می‌شود. مدیریت ریسک بنگاه واقعیتی است که در مورد حفظ و اهمیت ارزش سهام برای تحقق بخشیدن به هدف اصلی کسب و کار یعنی حداکثر کردن ثروت سهامداران گام برمی‌دارد. پس باید فرآیند کلیه جوانب کسب و کار، از برنامه‌های راهبردی تا اهداف سطح پایین‌تر را دربر گیرد. ویژگی اصلی فعالیت‌های امروزی، تغییرات دائمی و نیاز داشتن به یک رویکرد یکپارچه نسبت به مدیریت معرض‌های ریسک است. همانطور که می‌دانیم یک فرآیند

مدیریت ریسک نمی‌تواند محیط فعالیتی فاقد ریسک ایجاد کند بلکه مدیریت ریسک بنگاه مدیر را قادر می‌سازد تا در یک محیط متاثر از ریسک‌های مختلف به گونه‌ای موثر عمل کند. به طور خلاصه می‌توان مزایای مدیریت ریسک بنگاه را در سه مورد شامل بهبود و اثربخشی عملیات شرکت، افزایش کارایی سازمانی، مدیریت اثربخش و گزارشگری بهتر ریسک بیان کرد. نتیجه گیریمه فعالیت‌های تجاری در یک بازار آزاد در معرض ریسک هستند. معرض‌های ریسک همواره وجود داشته و دارند. پیدایش مدیریت ریسک بنگاه، مستلزم گذر از مدیریت ریسک سنتی است. این فرآیند راه حل و استانداردی عملی برای یک مساله اجرایی است. هیات مدیره شرکت‌ها معتقدند مدیریت ریسک بنگاه لازمه رشد هر کسب و کار است. هر راهبردی که تنظیم می‌شود باید به عوامل تهدیدکننده و فرصت‌زای آن توجه شود. به هر حال هر رویکردی که نسبت به مدیریت ریسک پذیرفته شود همواره باید برقرارکننده تعادل بین عوامل فوق باشد. پیامد بعدی برخی خطاهای غیرمنتظره در رابطه با مدیریت ریسک منجر به سقوط شرکت می‌شود. هیات مدیره نمی‌تواند خود را از مدیریت ریسک منفک کند بلکه هیات مدیره به عنوان یکی از ارکان اصلی مدیریت ریسک بنگاه تلقی می‌شود. مجموعه دیگری از مزایای اجرای مدیریت ریسک بنگاه نیز وجود دارد.

<http://www.sarmayeh.net/ShowNews.php?۳۱۵۴۶>*

مفاهیم ساده مدیریت ریسک

Risk Management ... تشریح مفاهیم مدیریت ریسک به زبان ساده در قالب مثال‌هایی ساده تر

کتاب **managing risks in organizations**، به زبانی ساده به تشریح مفاهیم مدیریت ریسک می‌پردازد. در فصل اول این کتاب، نویسنده به شکل بسیار جالبی مفهوم یک سیستم کامل مدیریت ریسک را در قالب یادداشت‌های روزانه یک کارمند بیان کرده است. امیدوارم ترجمه بنده را پسندید! ساعت ۷ صبح: از پنجره بیرون را نگاه کردم. هوا ابری است و احتمال باریدن باران وجود دارد. دودلم که آیا چترم را همراه خودم ببرم یا نه؟ آینده همواره با عدم قطعیت همراه است به همین دلیل ریسک‌ها همه جا هستند. یکی از راه‌های مواجهه با این عدم قطعیت‌ها تخصیص میزانی از ذخیره اطمینان برای فعالیت‌ها است. در این جا، همراه داشتن چتر، نوعی ذخیره اطمینان برای رویارویی با رویداد غیر قطعی (=ریسک) بارش باران است. ساعت ۷:۴۰ صبح: تستر نان کار نمیکند! دیروز متوجه صدای وز وز غیر عادی آن شده بودم. باید حدس می‌زدم که همین روزها خراب میشود. اما به هر حال باید نامم را تست کنم! به جای دستگاه تستر از فر استفاده میکنم. خوشبختانه هنوز مدت وارانتهی تستر عوض نشده است. فردا باید تستر را به فروشنده ارجاع دهم و به جای آن یک دستگاه سالم تحویل بگیرم. ریسک‌ها عموماً به دنبال دسته‌ای از علائم هشدار دهنده رخ میدهند. در این جا سوختن دستگاه تستر پس از شنیده شدن صدای غیرعادی وز وز رخ داده است. یک سیستم خوب مدیریت ریسک ایجاب میکند که تلاش‌هایی نظام مند جهت یافتن منابع خطا صورت گیرد. در این بخش ۲ استراتژی مواجهه با ریسک نمایان شده است. یکی استفاده از ذخایر اطمینان (در اینجا فر به جای دستگاه تستر) و دیگری انتقال ریسک است. در این بخش ریسک خرابی تستر در قالب یک قرارداد وارانتهی از نویسنده یادداشت‌ها به فروشنده دستگاه منتقل شده است. ساعت ۷:۵۵: در طی مسیر به سمت دفتر کارم، گوینده رادیو اعلام میکند که مسیر اصلی به دلیل تصادف شدید دارای ترافیک بسیار سنگینی است. تصمیم میگیرم که راهم را عوض کنم و از مسیر دیگری به دفتر کارم برم. هرچند با این وجود ۱۰ دقیقه دیرخواهم رسید و بایستی نیشخندهای طعنه آمیز همکارانم را تحمل کنم. گوینده رادیو در واقع به منزله یک هشدار قبلی از وقوع رویدادی ناخوشایند است. نویسنده یادداشت‌ها فرصت دارد تا یک استراتژی پشتیبان را اجرا کند. تغییر مسیر اجرای یک استراتژی پشتیبان است. هرچند باز هم ۱۰ دقیقه میرسد. ساعت ۸:۴۵: نامه از چاپخانه دریافت کردم، طی آن مدیر چاپخانه عنوان مرده است که بروشورهایی را که قرار بوده است امروز به ما تحویل دهد به دلیل وقوع یک آتش‌سوزی کوچک تا دو روز آینده نمیتواند آماده کند. این امر ایجاد

مشکلات زیادی برای شرکت ما میکند چرا که مامور پست امروز برای جمع آوری تمامی بسته های پستی شرکت مراجعه میکند و اگر کاتولوگ های ما امروز آماده نباشد، به دلیل تعطیلی آخر هفته، ارسال نامه ها چند روز به تاخیر میافتد و ما نمیتوانیم کاتولوگ های تبلیغاتی خود را به موقع، قبل از جلسه بازاریابی با یکی از مشتریان بالقوه به دست وی برسانیم. یکی از پدیده های متداول در حوزه ریسک، تسلسل است. تسلسل در ادبیات ریسک به این معنا است که یک مشکل باعث وقوع مشکل دیگری میشود و همین طور یک رشته از مشکلات به دنبال هم رخ میدهند و در نهایت یک مشکل کوچک میتواند منجر به ایجاد مشکلات بزرگتری گردد. ساعت ۱۵:۱۰: مدیرعامل شرکت امروز نتوانست طبق قرار قبلی در جلسه بازرگانی حاضر شود. وی مجبور شد تا با یکی از مشتریان مهم قرارى را خارج از وقت تنظیم کند و بنابراین ما مجبوریم تا نتایج مطالعه اخیر بازار در جلسه دیگری با وی در میان بگذاریم. رخدادهای ریسک لازم نیست پیامدهای فاجعه آمیزی داشته باشند. اما بایستی توجه داشت که همین پیامدهای کوچک میتواند در نهایت منجر به مشکلات بزرگتری گردد. یکی از نتایج معمول مواجهه با ریسک های کوچک اما با تعداد زیاد، پایین آمدن بهره وری است. در صورت مدیریت نامناسب ریسک ها، هر چند کم اهمیت، پس از مدتی متوجه خواهیم شد که بیشترین وقت خود را صرف انجام دوباره کاری هایی میکنیم که در صورت مدیریت صحیح میتوانستیم در همان بار اول به رفع و رجوع آنها پردازیم. ناگفته پیداست که انجام دوباره کاری ها منجر به افزایش هزینه، فرآیندهای کند و کم بهره و نهایتاً نارضایتی مشتری خواهد شد. ساعت ۳۰:۱۱: دستگاه کپی خراب شد و دیگر قابل استفاده نیست. شرکت تعمیرکار عنوان میکند که ممکن است تا انتهای وقت کاری نتواند تعمیرکار مناسب را به محل شرکت برای تعمیر دستگاه اعزام کند. بنابراین ممکن است امروز نتوانیم کپی های ضروری را انجام دهیم. متأسفانه چاپخانه نیز به دلیل وقوع آتش سوزی قادر به گرفتن کپی ها نیست. در این جا دو فرآیند پشتیبان (تعمیرکار دستگاه کپی / چاپخانه) هر دو دچار مشکل شده اند و قابل استفاده نیستند. عدم کارایی فرآیندهای پشتیبان علی رغم تمامی برنامه ریزی های قبلی مساله ای است که ممکن است به کرات در یک سیستم به وجود آید. ساعت ۱۵:۱۲: یکی از بیمانکاران تماس گرفته است و عنوان میکند که هنوز مبلغ قرارداد ماه جاری را دریافت نکرده است. اسناد را بررسی میکنم و متوجه میکنم که کارهای اداری جهت پرداخت صورت حساب ۲ هفته پیش انجام شده است و کارمند بخش حسابداری در کار خود تامل کرده است. این بار چندم است که کارمند حسابداری در کار خود دقت لازم را به عمل نمیآورد! یکی از منابع ایجاد خطا در سیستم، ناکارآمدی افرادی است که با آنها مراوده داریم. یک سیستم مدیریت ریسک مناسب، دیدگاهی تدافعی به کارآمدی شرکا، کارمندان و تامین کنندگان دارد. بهترین راه حل برای مقابله با ریسک های ناشی از ناکارآمدی افراد، خودداری از کارکردن با آنها است. ساعت ۴۵:۱۲: خبرهای بد!!!: یکی از مهمترین مشتریان ما، اعلام ورشکستگی کرده است! بیش از ۳۰ درصد تبادلات تجاری ما با این شرکت صورت میگیرد. یک جلسه فوری مدیریت برای بررسی تاثیرات ورشکستگی این مشتری و اقدامات مناسب ما امروز عصر تشکیل میشود. وقایع ناگوار و ناخوشایندی رخ میدهند که میتواند تاثیرات بسیار بدی داشته باشند. با داشتن یک سیستم مدیریت ریسک مناسب میتوان تا حد زیادی از تعداد این اتفاقات ناگوار بکاهید. با این وجود، همواره ممکن است اتفاقات ناگوار رخ دهند، چراکه ما قادر به پیش بینی تمامی احتمالات نیستیم. بخش مهمی از یک سیستم مدیریت ریسک، این است که آمادگی لازم برای مواجهه با گستره وسیعی از وقایع ناگوار را داشته باشیم. در این مثال خاص، اگرچه شرکت نمیتوانست ورشکستگی این مشتری را پیش بینی کند، اما نتوانست استراتژی هایی را اتخاذ کند تا به تدریج از وابستگی شدید به این مشتری بکاهد.

*<http://riskpersia.blogspot.com/۲۰۰۹/۰۲/blog-post.html>

Risk Management ... محافظت در برابر پیامدهای نامطلوب ناشی از تحمل ریسک محمد اقبال نیا

بیان موضوع، هدف و علت انتخاب موضوع □ کسب بازده به عنوان هدف سرمایه گذاری □ کسب بازده مستلزم تحمل ریسک □ لزوم برنامه ریزی، پیش بینی و مدیریت ریسک □ معیارهای رایج ریسک از قبیل انحراف معیار و شاخص ریسک سیستماتیک بتا، بازتاب ریسک تاریخی دارایی ها □ نگاه رو به جلو ارزش در معرض ریسک و لحاظ کردن آخرین ترکیب پرتفوی □ طراحی مدل مدیریت ریسک متناسب با بازار سرمایه کشور ادبیات موضوعی □ تعریف ریسک □ منابع ریسک □ انواع ریسک □ اندازه گیری ریسک □ دامنه تغییرات □ متوسط قدر مطلق انحرافات □ متوسط مجذور انحرافات (واریانس) □ انحراف معیار □ شبه واریانس □ شبه انحراف معیار □ مدیریت ریسک □ محافظت در برابر پیامدهای نامطلوب ناشی از تحمل ریسک □ اطمینان یافتن از دستیابی به فواید پذیرش ریسک □ شناسایی ریسک و اتخاذ تصمیمات هوشیارانه □ پیش بینی تغییرات ریسک در طول زمان ارزش در معرض ریسک - یک معیار آماری که حداکثر زیان مورد انتظار از نگهداری یک دارایی یا پرتفوی را در دوره زمانی معین و با احتمال مشخص (سطح اطمینان معلوم) محاسبه و به صورت کمی گزارش می کند. مثال) ارزش در معرض ریسک روزانه در سطح اطمینان ۹۹٪ معادل ۱۰ میلیون ریال یعنی: متوسط زیان ناشی از کاهش ارزش بازار دارایی، تنها در یک روز از ۱۰۰ روز کاری بیشتر از ۱۰ میلیون ریال خواهد بود. ریسک بازار = ارزش در معرض ریسک □ بیان آماری ارزش در معرض ریسک تغییر ارزش بازار پرتفوی بردار تغییر در متغیرهای مورد نظر افق زمانی مورد نظر سطح اطمینان دلایل استفاده از ارزش در معرض ریسک در مدیریت پرتفوی ۱- لحاظ کردن ارزش بازار دارایی ها ۲- پیش بینی متغیرهای بازار برای افق زمانی کوتاهتر و در نتیجه پیش بینی دقیق تر ریسک ۳- نگاه رو به جلو ۴- قابل کاربرد در مورد پرتفوی های متشکل از سهام، اوراق قرضه، کالا و ابزارهای مشتقه ۵- تمرکز بر روی دنباله های توزیع ۶- ارایه چارچوبی برای تحلیل ریسک ۷- قابل فهم تر و مانوس تر برای مدیران عالی محدودیت های تحلیل ارزش در معرض ریسک ۱- توجه صرف به مبالغ ریالی ریسک و نادیده گرفتن تبادل ریسک و بازده ۲- نبود روش منحصر بفرد برای محاسبه VaR_3 - وابستگی VaR به صدک انتخاب شده روش های محاسبه ارزش در معرض ریسک ۱- روش پارامتریک (واریانس - کوواریانس) ارزش در معرض ریسک ارزش بازار دارایی سطح اطمینان طول دوره زمانی محاسبه بازده ۲- روش شبیه سازی تاریخی ۳- روش شبیه سازی مونت کارلو آزمون استرس و آزمون بازخور - آزمون استرس: برآورد عملکرد بدتره تحت تغییرات شدید و فوق العاده در طی ۱۰ تا ۲۰ سال گذشته - آزمون بازخور: سنجش عملکرد برآوردهای VaR در گذشت ریسک متریک ۱- مجموعه ای از روش های سنجش ریسک بازار ۲- مجموعه ای از داده های مورد نیاز برای محاسبه نوسانات و همبستگی ۳- سیستم های نرم افزاری توسعه یافته توسط شرکت جی پی مورگان مدل های پیش بینی نوسانات بازده (۱) مدل گشت تصادفی (۲) مدل میانگین تاریخی (۳) مدل میانگین متحرک (۴) میانگین متحرک موزون (۵) مدل هموارسازی نمایی (۶) مدل میانگین متحرک موزون نمایی (۷) مدل رگرسیون (۸) مدل ARCH (۹) مدل GARCH (۱۰) مدل GJR-GARCH (۱۱) مدل EGARCH روش شناسی تحقیق - شاخص بازده نقدی و قیمت بورس اوراق بهادار تهران به صورت روزانه در فاصله زمانی ۷/۱/۱۳۷۸ تا ۳۰/۶/۱۳۸۴ - روش ارزش در معرض ریسک پارامتریک - متدلوزی ریسک متریک - سطوح اطمینان ۹۵٪، ۹۷٪، ۹۹٪ - روش میانگین متحرک ساده و روش میانگین موزون متحرک نامی محاسبه و پیش بینی نوسانات بازدهها وزن مساوی: با وزن نمایی: نوسانات (انحراف معیار بازده) تعداد مشاهدات بازده میانگین بازده نرخ بازده در زمان t ضریب هموارسازی عدد شاخص بورس در زمان t تعیین ضریب هموارسازی و تأثیر آن بر روی مدل اعتبار سنجی مدلیانگر آماره توزیع کای دو نتایج □ مدل طراحی شده با استفاده از هر دو روش میانگین متحرک ساده و میانگین متحرک نمایی در سطح اطمینان ۹۵٪ قابل اتکا بوده و در سطوح اطمینان بالاتر (۹۷٪ و ۹۹٪) مناسب نمی باشد. □ در استفاده از روش میانگین موزون متحرک نمایی، ضریب هموارسازی بهینه، برای پیش بینی های یک روزه است. □ تعداد روزهای موثر در انجام پیش بینی ها به حدود ۶۹ روز آخر محدود می شود. □ پس از لحاظ کردن

شاخص "جذر میانگین مجذور خطا"، روش میانگین موزون متحرک نمایی به عنوان مدل نهایی پیش بینی ریسک سرمایه گذاری در بورس تهران معرفی می گردد. روش میانگین متحرک ساده، به عنوان یک مدل تکمیلی برای افق های زمانی طولانی پیشنهادات پیشنهادات حاصل از تحقیق: ۱- پیشنهاد می شود سازمان بورس اوراق بهادار تهران به عنوان متولی امر قانونگذاری و اطلاع رسانی بازار سرمایه کشور، زمینه های لازم برای توسعه مفهوم ارزش در معرض ریسک و مدیریت ریسک را فراهم آورد. ۲- پیشنهاد میشود سرمایه گذاران به هنگام تصمیم گیری و انتخاب فرصت های سرمایه گذاری، همچنین به منظور تعیین نحوه ترکیب سهام های مختلف، به مقادیر کمی ریسک داراییها بر اساس مقادیر محاسبه و پیشبینی شده در قالب ارزش در معرض ریسک توجه نمایند و تصمیمات خود را بر این مبنای بهینه نمایند. ۳- با توجه به ماهیت اوراق بهادار قابل معامله در بازار بورس تهران، مدل ارزش در معرض ریسک پارامتریک و روش میانگین موزون متحرک نمایی برای پیشبینی و مدیریت ریسک در این بازار پیشنهاد میگردد. پیشنهادات برای تحقیقات آتی ۱- طراحی مدل پیش بینی ریسک سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار تهران، با استفاده از سایر روش های محاسبه از قبیل شبیه سازی تاریخی و شبیه سازی مونت کارلو. ۲- طراحی مدل های برای پیش بینی ریسک سرمایه گذاری در یک صنعت یا شرکت خاص. ۳- طراحی مدل های برای پیش بینی، بهینه سازی و مدیریت ریسک پرتفوی. ۴- مقایسه مدل ریسک متریک محاسبه با سایر مدل های پیش بینی نوسانات بازده از قبیل مدل های GARCH، مدل های رگرسیونی و ... ۵- استفاده از مفهوم ارزش در معرض ریسک برای مدیریت دارایی ها و بدهی ها در صندوق های بازنشستگی. ۶- استفاده از مفهوم ارزش در معرض ریسک برای تعیین حد کفایت سرمایه در بانک های تجاری. ۷- استفاده از مفهوم ارزش در معرض ریسک برای اعتبار سنجی شرکت ها. ۸- بکارگیری در بودجه بندی ریسک و تعیین نحوه تخصیص دارایی ها. ۹- بکارگیری به منظور معرفی معیارهای جدید مقایسه و ارزیابی عملکرد شرکت ها و صندوق های سرمایه گذاری. ۱۰- انجام آزمون استرس بر روی بورس اوراق بهادار تهران در مقاطع حساس و بحرانی از قبیل حادثه ۱۱ سپتامبر، جنگ عراق، جنگ افغانستان، انتخابات ریاست جمهوری، تصویب قطعنامه آژانس انرژی اتمی و سایر رویدادهای مهم. ۱۱- تعیین ضریب هموارسازی بهینه برای پیش بینی نوسانات بازده در روش میانگین موزون متحرک نمایی (EWMA) در افق های زمانی چند روزه (هفتگی، ماهیانه و ...).

* <http://www.sciencecenter.ir/index.php?newsid=۵۴۱>

بحران مالی از منظر مدیریت ریسک

Risk Management ... بحران اخیر می تواند درس های زیادی برای مدیریت ریسک داشته باشد محمد آزاد

یک ارزیابی ساده از موشکافی پوسته های این بحران می تواند در اشتباهات اساسی و محوری نمود پیدا کند و یافته های مفیدی را ارائه دهد. دلایل بروز بحران ریشه های بحران را می توان بر یک مبنای ساده و براساس مدلی تحت عنوان ۳ L به خوبی درک نمود: ۱. فقدان پاسخگویی ۲ Lack of accountability. ۳ اهرم Leverage. نقدینگی Liquidity فقدان پاسخگویی، یکی از مهمترین شواهدی است که در تغییرات بنیادی بوجود آمده در بازار وام مسکن در دوره های اخیر وجود دارد. سابق بر این، مردم وام مسکن مورد نیاز خود را از موسسات محلی و بومی طلب می کردند که هم ارزشیابی را انجام می داد و هم ریسک مربوطه را تقبل می نمود. مدیران دایره اعتبارات این موسسات در برابر نتایج حاصله از تصمیمات خود (وقوع نکول ها انعکاس مستقیمی از قضاوت آنها بود) پاسخگو بودند. در دوره های اخیر، بانیان وام های مسکن بسیار زیاد شدند. در این مدل، بانیان وام مسکن را خلق می کنند و سپس آنرا به سایر موسسات منتقل می نمایند. بانیان براساس حجم وام های مسکن خلق شده کارمزد دریافت می کنند، اما در برابر نتیجه نهایی مربوط به نکول های رخ داده تحت فشار نیستند. سابق بر این، مردم وام مسکن را برای خرید و تدارک محل اقامت اصلی و اولیه خود می گرفتند، هدف و مقصد اصلی سکونت بلندمدت بود (تهیه سرپناه). در دوره های اخیر، با توجه به یک دوره

طولانی مدت از افزایش قیمت املاک و مستغلات، مردم وام‌های مسکن را برای یافتن فرصت سرمایه‌گذاری در دارایی درخواست و دریافت می‌کردند. خانه‌های پرحرف و حدیث به راهی برای کسب یک درآمد عامه پسند و راهبردی مناسب برای سرمایه‌گذاری تبدیل شده بودند. به‌عنوان تامین مالی یک سرمایه‌گذاری اهرمی شده، وام‌های مسکن مجموعه قواعد و دستورالعمل‌های سهل‌الوصولی را ارائه می‌نمود. در حالی که افراد در دوران رکود و کاهش قیمت مسکن محل سکونت اصلی خود را ترک نمی‌کنند، سرمایه‌گذاران هنگامی که سرمایه‌گذاری انجام شده ایجاد ارزش ننماید، سودهایشان را رها خواهند کرد (کلیدها را باز خواهند گرداند). راه آسان و سهل‌الوصولی برای انجام رفتار منطقی اقتصادی است، بدیهی است ماهیت سودآوری املاک و استفاده از وام مسکن دچار تغییر و دگرگونی شده است. اثر این تغییرات در بنیادهای بازار وام مسکن با اهمیت‌تر از گسترش دسترسی‌پذیری وام براساس واژگان (از قبیل الگوی پرداخت فقط سود، پیش‌پرداخت کمتر) و اعتبارمقتضیان بود. اهرم، عامل اصلی دوم بود. موسسات وام‌های مسکن را در مقابل نکول تضمین کردند. براساس تجارب گذشته، تنها ریسک مبالغ کمی از این وجوه -نوعاً برحسب نقاط پایه- لازم بود که توسط این شرکت‌ها پذیرفته شود. این امر موسسات را در معرض تضمین پول‌های هنگفت نسبت به سودهای اندک قرار می‌داد. براساس این رویکرد دو مساله مهم وجود داشت. اول، اینکه بسیاری از موسسات در ارزشیابی ریسک بالقوه قابل‌تصور و ذخیره‌گیری کافی یا سرمایه‌متناسب (درمقابل هرگونه اختلاف فاحش با الگو و نرخ‌های نکول گذشته) دچار اشتباه شده بودند. مساله دوم، اطمینان موسسات بود که اغلب آنها را در مورد شناسایی و درک پویایی تغییرات فوق‌الذکر دچار اشتباه کرد، شرایطی که آنها در صورت کاهش قیمت اموال و دارایی‌ها برای افزایش ریسک نکول به‌وجود آورده بودند. هنگامی که فقدان پاسخگویی و اهرم (دو L ابتدایی) با هم فرا برسند، نقدینگی (L سوم)، به یک مشکل تبدیل می‌شود. زمانی که روند قطعی و ناگزیر کاهش قیمت‌ها مشخص گردید، نکول‌ها در نرخ‌های بسیار بالاتری نسبت به گذشته اتفاق افتادند. همین مساله باعث شد موسساتی که این ریسک قابل‌تصور را پذیرفته بودند، بطور بالقوه فاقد سرمایه مناسب و کافی باشند و به‌همین ترتیب نیازمند شدید به وجه نقد زیاد و فوری که در نتیجه بحران نقدینگی اتفاق افتاد. درس‌های تفکیک نظارت و پاسخگویی به‌ندرت منجر به نتایج معتبر و مسوولانه می‌شود. هرگاه تصمیم‌گیری از پاسخگویی منفک شود، اغلب در این بازی انگیزه کافی وجود نخواهد داشت تا افراد گروه‌هایی را که انتظار می‌رود رفتار عقلایی داشته باشند، ترغیب و تشویق نماید، لاقلاً براساس رفتار تجربی گذشته این انتظار نمی‌رود. هنگامی که تغییرات بنیادی در بازار وام‌های مسکن منافع بنیان و قاعده سهل‌الوصولی دارندگان وام‌های مسکن را تغییر داد، این تغییر در امر پاسخگویی نتایج عمیقی در برداشت. درس از پاسخگویی به‌طور کاربردی در بسیاری از حوزه‌ها ادامه داشته است. ما نیز باید برای تضمین ارکان و عناصری از بازارهای مالی که ممکن است وجود یک رابطه موج‌دار بین نظارت و پاسخگویی را نشان نداده باشند، دنبال کنیم. همچنین باید سازمان‌ها و موسسات خود را مورد بررسی قرار دهیم تا اطمینان حاصل آید. افرادی که ما برای تصمیم‌گیری در مورد فروش، خدمات، مدیریت و رتبه‌های حرفه‌ای به آنها اتکا کرده‌ایم، منافعی در ضرورت نتایج برای تحریک رفتار عقلایی دارند یا خیر. به علاوه، حقیقت مشهود برای ما در بحران اخیر این است که هیچ چیز برای آخرین بار نیست. بازارها می‌توانند مثل یک روند (افزایش قیمت مسکن) شروع به رفتاری کنند، که گویی برای همیشه ادامه خواهد داشت. اگر سیستمی تنها به کارکرد زمانی که قیمت‌ها یا روندها در یک جهت تغییر می‌کنند، منوط شود، مطمئناً دچار شکست خواهد شد. پس به‌عنوان یک اقدام و گامی برای آینده، نیاز است توجه داشته باشیم که در مورد هر سیستم کسب و کار یا راهبردهای مالی یا رفتارهایی که مبتنی بر عقاید و تفکرات بنیادی است، یک روند مشخص به‌طور نامعلوم ادامه خواهد یافت. بهترین راهبرد آن است که تحت شرایط متغیر انعطاف‌پذیر بوده و نسبت به تغییرات انطباق‌پذیر باشد. تاکید و تمرکز بر اصول بنیادی هرگز به خارج از چارچوب کشیده نمی‌شود. ارزشیابی نکول‌ها براساس سوابق گذشته قابل‌ردیابی بود. یک ارزشیابی از گستره تغییرات بانی وام‌های مسکن و وضعیت دارندگان این وام‌ها باید تصویر متفاوتی را آشکار می‌کرد. موسساتی که باید در مدیریت

ریسک مالی تخصص داشته باشند، در ارزیابی منصفانه و تامین ذخایر لازم برای اتفاقات ناگوار دچار اشتباه شدند. توجه به ارزیابی‌های ارائه شده توسط دیگران و شناخت مستمر از محیط پویای پیرامون سرنوشت‌ساز و مهم است. در دنیایی که روز به روز بر حجم اوراق بهادار و مشتقات آنها افزوده می‌شود، توجه به پنهان‌سازی ماورای دارایی‌های پایه و رفتارها از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌باشد. به‌راستی که کل می‌تواند چیزی متفاوت از اجزای خود باشد. منبع: . Recent Crisis: Roots and Lessons, by Stephen Mitchell and John F. McGarry *http://www.donya-e-eqtesad.com/Default_view.asp?@=۱۴۳۳۲۴

مدیریت ریسک یا مدیریت بحران؟

Risk Management ... بررسی سیاست‌های مدیریت ریسک در بخش کشاورزی ایران

بررسی سیاست‌های مدیریت ریسک در بخش کشاورزی آنچه در پی می‌آید دومین بخش از کارگاه «بررسی سیاست‌های مدیریت ریسک در بخش کشاورزی ایران» است که به موضوع «بیمه محصولات کشاورزی» اختصاص داشت. به گزارش ایسنا، در دومین بخش از گزارش این کارگاه دکتر سید ابوالفضل جوادیان عضو هیات مدیره صندوق بیمه محصولات کشاورزی دومین گروه از موانع و مشکلات فراروی بیمه کشاورزی را ناشی از نگرش غالب بیمه‌گذاران و مسوولین دولتی می‌داند. وی در ادامه به بیان چالش‌های همانند انتظارات نامعقول بیمه‌گذاران از صنعت بیمه، نادیده گرفتن قرارداد‌های دو جانبه بیمه و انتظارات نامعقول در ارتباط با جبران خسارات ریسک‌های خریداری نشده، عدم مرزبندی و تعریف نقش حاکمیتی دولت‌ها در ارتباط با جبران خسارت، بی‌توجهی به تفاوت میان صندوق بیمه کشاورزی و صندوق کمک به خسارت دیدگان، انتقال بار پیش‌برد برخی از تصمیم‌گیری‌های نادرست درباره اشتغال و تولید محصولات استراتژیک به بیمه و... می‌پردازد. این عضو هیات مدیره صندوق بیمه کشاورزی اشاره به برخی از مصادیق این سیاست‌های اشتباه، از بدهی ۶۷۱ میلیارد تومانی دولت به صندوق بیمه به عنوان یکی از چالش‌های بزرگ این صندوق یاد می‌کند و اعلام ناتوانی دولت در پرداخت این بدهی را به مثابه تعطیلی صندوق بیمه محصولات کشاورزی می‌داند. او همچنین بر نقش‌های اتکایی در بالا بردن تضمین بیمه و مسوولیت دولت در این باره تاکید دارد. بیمه کشاورزی در کشورهای مختلف به عنوان سیستمی حمایتی عمل می‌کند، اما میزان حمایت، جایگاه و خط قرمز آن به نوع نگرش و انتظار دولت مردان و بهره‌برداران از بیمه کشاورزی بستگی دارد. میزان یارانه پرداختی دولت‌ها در برخی از کشورها، ۶۰ درصد و در برخی دیگر این یارانه‌ها به ۲۰ درصد هم می‌رسد. بخش زیادی از این تفاوت ناشی از نحوه نگرش و انتظار مسوولین بخش کشاورزی نسبت به میزان یارانه و هم‌چنین انتظارات بهره‌برداران از این خدمت است. در این جا با این پرسش مواجه می‌شویم که، در واقع برد خدمت رسانی بیمه محصولات کشاورزی در ارتباط با خرید ریسک باید تا چه محدوده‌ای باشد؟ منظور از برد بیمه، دامنه‌ای است که بیمه‌گرمی تواند ریسک را به خود منتقل کند. بنابراین هر اندازه برد انتقال ریسک بیشتر باشد، انتظارات بیمه‌گذاران از خدمات بیمه‌ای نیز بیشتر تامین می‌شود. به بیان دیگر آیا تمام خسارت‌های وارده به بخش کشاورزی باید توسط صنعت بیمه جبران شود؟ یا این که تنها برخی از ریسک‌ها و خسارت‌ها باید تحت پوشش این صنعت قرار گیرند. جبران تمام خسارت‌های وارده به بخش کشاورزی از سوی بیمه به طور حتم امکان‌پذیر نیست چرا که مشکلات زیادی در ارتباط با تامین انتظارات کشاورزان وجود دارد این مساله نیز به عنوان چالشی در بیمه محصولات کشاورزی مطرح است. برای نمونه هنگامی که پدیده سونامی در قاره‌ای منجر به تخریب اراضی کشاورزی می‌شود، آیا سیستم بیمه باید تمام خسارت را جبران کند؟ یا این که دولت موظف به پرداخت خسارات با شیوه‌های گوناگون است این موضوع به نگرش دولت مردان و کشاورزان برمی‌گردد. بررسی‌های انجام شده در دنیا نشان می‌دهد که دولت‌ها سیاست‌های گوناگونی را در ارتباط با این چالش‌ها اتخاذ کردند به طوری که

در برخی از خسارت های همگانی، دولت ها بدون ورود به سیستم بیمه، مقید به جبران این نوع از خسارات هستند. در کشور ما نیز، به طور طبیعی این چالش وجود دارد، چراکه براساس مطالعات سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) از مجموعه ۴۰ بلایای طبیعی موجود در دنیا، که به شیوه های گوناگون منجر به پیدایی خسارات در بخش کشاورزی می شوند، ۳۱ مورد آن در کشور ما مشاهده شده است. به بیان دیگر، کشور ما جزو ۱۰ کشور اول بلاخیز دنیا است. بنابراین انتظارات دولتمردان، سیاست گذاران و ۴ میلیون و سیصد هزار بهره بردار بخش کشاورزی، در مقابل جبران خسارات ناشی از این بلایای طبیعی می تواند به عنوان چالشی مهم برای بیمه کشاورزی مطرح شود. به منظور تحت پوشش قراردادن خسارات ناشی از بلایای طبیعی باید سیستم و نظام بیمه ای ویژه ای طراحی شود، از سوی دیگر دولت ها باید نقشی بسیار فراتر از عملکرد کنونی خود ایفا کنند. خسارت ها دارای انواع گوناگونی هستند، برای نمونه یک نوع از آن ها خسارت اقلیمی و نوع دیگر آن ها ناشی از ریسک های مالی هستند اما تفکر موجود، تمام خسارت های بخش کشاورزی را خسارت های اقلیمی می داند. در ریسک های مالی، نوسانات قیمتی به عنوان یکی از بزرگ ترین چالش های مطرح در بخش کشاورزی است که به عنوان یک ریسک قابلیت بیمه پذیری دارند. اما نکته مهم آن است که ریسک ها باید تا چه محدوده و به چه میزانی مورد حمایت قرار گیرند، تمام این موارد ذکر شده، بخشی از انتظارات کشاورزان از سیستم بیمه است. این در حالی است که سیستم بیمه ای ممکن است این شرایط را قبول نکند و خواهان تعریف خط قرمزی در این باره باشد. در اکثر کشورهای دنیا، برخی از ریسک ها از نظر جبران و هم چنین کاهش خسارت، در گروه وظایف حاکمیتی دولت ها قرار دارند. این که تا چه اندازه وظایف حاکمیتی دولت ها باید توسط صنعت بیمه جبران شود، تعیین خطوط قرمز وظایف حاکمیتی دولت در ارتباط با جبران خسارات به عنوان موانع و چالش هایی است که صنعت بیمه کشاورزی را تحت تاثیر قرار می دهد. آیا امکان دارد مسوولیت پوشش ریسک های ناشی از حوادث غیر مترقبه در بخش کشاورزی به عهده صندوق بیمه باشد، اما سهم دولت در این نوع بیمه ها افزایش یابد؟ اگر قرار باشد ریسکی توسط بیمه خریداری شود، این ریسک باید دارای مشخصاتی باشد، چراکه هر ریسکی قابلیت بیمه پذیری ندارد این در حالی است که تمام کسانی که در معرض این ریسک ها قرار دارند علاقه مند به خرید آن از سوی صنعت بیمه هستند، چراکه انتقال این ریسک ها به صندوق بیمه باعث آسودگی خاطر تولید کننده می شود. از سوی دیگر این ریسک ها به قدری فاجعه آمیزند، که انتقال آن به بیمه امکان پذیر نیست. در این جا نقش حاکمیتی دولت ها مطرح می شود، که همان طور که در بالا به آن اشاره شد، در بخش مرزبندی و تعریف آن با مشکلاتی مواجه هستیم، این مشکلات بیشتر مربوط به دامنه و نوع خدمات بیمه کشاورزی می شود. در این زمینه از جمله مطالعات تطبیقی انجام شده در بسیاری از کشورها نشان می دهد، جهت گیری تخصیص یارانه های بخش کشاورزی به سوی بیمه کشاورزی است. دولت ها، در ارتباط با بحران های ایجاد شده در بخش کشاورزی، مجموعه ای از سازوکارها را به کار می گیرند، از جمله مهم ترین این سازوکارها بیمه محصولات کشاورزی است. حضور و نقش بیمه در برخورد با این بحران ها، را مدیریت بحران می نامند. شرکت های بیمه در مواقعی می تواند ریسک های حاد را در قالب خسارت جبران کنند که دولت منابع مالی مورد نیاز برای تبدیل مدیریت ریسک به مدیریت بحران را در اختیار آن ها قرار دهد، در غیر این صورت شرکت های بیمه ای ورشکست شده و امکان جبران این گونه ریسک ها در مقاطع زمانی لازم وجود نخواهد داشت. مطالعات نشان می دهد که نحوه استفاده از یارانه ها یا به عبارتی دیگر نحوه مشارکت دولت ها در امر بیمه کشاورزی در کشورهای مختلف می تواند بسیار متفاوت از یکدیگر باشند. میزان اتکاگری دولت ها و هم چنین مشارکت کشاورزان در تامین منابع مالی مورد نیاز بیمه کشاورزی، از نظر کمی ممکن است دارای دامنه اختلاف صفر تا صد درصدی داشته باشد. این تفاوت به عنوان یک چالش برای بیمه کشاورزی مطرح است، که می تواند تاثیر بسیاری بر روی سیاست گذاری ها داشته باشد. یکی دیگر از چالش های مطرح در نوع نگرش بیمه گذاران و مسوولین دولتی در بیمه کشاورزی، ناشی از تعاریف مختلف بیمه در ارتباط با انتقال ریسک است. این که بیمه به عنوان مدیریت ریسک است یا

مدیریت بحران تعریف شود، مسائلی است که براساس آن نوع نگرش و انتظارات بیمه گذاران و سیاست گذاران به طور کامل متمایز از یکدیگر است. بنابراین اگر کارکرد بیمه تنها مدیریت ریسک باشد، در این صورت نباید هر ریسکی را بیمه کرد، اما از سوی دیگر، بسیاری از دولت مردان بر این عقیده اند که جهت گیری کارکرد بیمه کشاورزی باید به سوی مدیریت بحران باشد، به گونه ای که بیمه کشاورزی علاوه بر مدیریت ریسک، مسوولیت مدیریت بحران را نیز برعهده داشته باشد. اما در صورتی که تعریف دولت مردان از بیمه تحت عنوان مدیریت ریسک باشد، این نتیجه حاصل می شود که بسیاری از ریسک ها قابلیت بیمه کردن ندارند. در برخی مواقع این موضوع مطرح می شود که کارکرد و تعریف بیمه کشاورزی در کنار مدیریت ریسک باید مدیریت بحران را نیز دربرگیرد در این حالت قلمروی صنعت بیمه کشاورزی بسیار گسترده تر و متنوع تر می شود که با ساختار ویژه ای قابل تعریف است. به نظر شما، آیا بیمه می تواند در کشور ما جهت گیری مدیریت بحران داشته باشد؟ نحوه نگاه دولت، بیمه گران و بیمه گذاران متفاوت از یکدیگر است. با توجه به این که، دولت ها بیشتر درگیر بحران های تاثیر گذار بر بخش کشاورزی هستند، بنابراین در مقام تصدی گری به جهت گیری بیمه کشاورزی به سوی مدیریت ریسک و مدیریت بحران تمایل دارند، چرا که دولت ها می توانند با به کارگیری شیوه های مذکور از مشکلات مربوطه در بخش کشاورزی رهایی یابند. به نظرمی رسد با توجه به شرایط کشور ما و هم چنین کشورهای دیگر، کارکرد بیمه کشاورزی می تواند شامل هر دو مدیریت ریسک و بحران باشد، این امر بستگی به دیدگاه دولت مردان و سیاست گذاران دارد. دیدگاه شما در این باره چیست؟ نگاه من به عنوان یکی از مسوولین بیمه، با نگاه مقامی که در جایگاه دولت یا وزارت جهاد کشاورزی قرار دارد، بسیار متفاوت است. تمام این موارد به تعاریف بیمه کشاورزی برمی گردد، در واقع مجموعه ای از این دیدگاه ها را باید با یکدیگر تلفیق کرد تا بتوان گفت که کدام یک از این دیدگاه ها باید وجود داشته باشد. یافته های حاصل از مطالعات تطبیقی نظام های بیمه کشاورزی کشورهای مختلف بیانگر این موضوع است که نمی توان نسخه ای قطعی برای یکی از این دیدگاه ها ارائه داد بلکه این گونه به نظرمی رسد که با توجه به شرایط کشاورزی کشور نظام بیمه کشاورزی به طور حتم باید حمایتی باشد، این ها بخشی از مشخصه های اصلی نظام بیمه ای است که باید وجود داشته باشد. اما باید توجه کرد که برخی از دولتمردان و سیاست گذاران کشور تفاوتی میان صندوق بیمه محصولات کشاورزی با صندوق کمک به خسارت دیدگان که خسارت را به طور بلاعوض و صددرصد جبران می کند قایل نیستند. به اعتقاد این افراد، هر خسارتی باید توسط صندوق بیمه جبران شود، که این دیدگاه ناشی از مدیریت بحران است. به اعتقاد من، بیمه بنگاهی مالی و اقتصادی است که باید میان منابع و مصارف آن تعادل وجود داشته باشد. این تعادل را می توان در حوزه مدیریت ریسک ایجاد کرد. اما در حوزه مدیریت بحران قابل تعریف نیست. از سال ۱۳۸۰ تا پایان سال ۱۳۸۵، صندوق بیمه در حدود ۱۰۳۷ میلیارد تومان خسارت پرداخت کرده است که از این میزان ۶۷۱ میلیارد تومان آن بابت مازاد غرامت های پرداختی به خسارت دیدگان بوده است، این در حالی است که دولت تاکنون، رسماً اقدام به پرداخت آن نکرده است. البته این مساله تایید شده، و در حال پیگیری نیز است به طوری که ۲ تا ۳ لایحه نیز در دولت مبنی بر برداشت از صندوق ذخیره ارزی به تصویب رسیده یا در حال تصویب است، اما عملاً هنوز صندوق به این پول دسترسی پیدا نکرده است این در حالی است که صندوق برای جبران این خسارت ها، این پول را از بانک کشاورزی قرض گرفته است به بیان دیگر، صندوق بیمه، حریم خود را از مدیریت ریسک به سوی مدیریت بحران تغییر داده است. این مساله در حال حاضر از جمله چالش های عمده صندوق بیمه و دولت است، چرا که دولت به صندوق بیمه اعلام می کند که از مدیریت ریسک به سوی مدیریت بحران حرکت کند در حالی که دولت منابع مورد نیاز برای پوشش دادن این امر را تامین نمی کند. در حال حاضر انتظارات کشاورزان و صندوق بیمه بالا رفته و پذیرش بیمه کشاورزی به سرعت توسعه پیدا کرده است که در واقع بخشی از دستاوردهای مثبت و منفی بیمه محصولات کشاورزی است که باید مرزبندی برای آن وجود داشته باشد. بنابراین اگر قرار باشد از جمع کثیری حق بیمه ها دریافت و در مقابل به جمع کثیری پرداخت شود این مساله باعث انحراف در بیمه کشاورزی می شود. در

تکمیل این بحث با این پرسش مواجه می‌شویم که بیمه ابزار پرداخت‌های انتقالی دولت است یا ابزاری برای حمایت‌های مالی است؟ که این ۲ موضوع کاملاً متفاوت از یکدیگرند، اما دارای مسیری مشترک به نام میزان خسارت هستند. در کشور ما به لحاظ ساختاری ۲ نوع صندوق در بخش کشاورزی وجود دارد. یکی صندوق کمک به خسارت دیدگان و دیگری صندوق بیمه محصولات کشاورزی است. صندوق کمک به خسارت دیدگان خسارت را به طور صددرصد و بلاعوض پرداخت می‌کند، اما صندوق بیمه محصولات کشاورزی قراردادی دو طرفه است. مهم‌ترین تفاوت این ۲ صندوق، در مشارکت و عدم مشارکت خود کشاورزان است. بنابراین، زمانی که گفته می‌شود بیمه ابزاری برای پرداخت‌های انتقالی یا ابزاری برای حمایت‌های مالی محض دولت است منظور این است که آیا صندوق بیمه صرفاً برای جبران خسارت است یا صندوقی برای پوشش خسارت‌ها می‌باشد چالشی که در این زمینه وجود دارد این است که آیا باید به دنبال توسعه صندوق بیمه محصولات کشاورزی رفت یا این که به دنبال گسترش صندوق کمک به خسارت دیدگان باشیم. اکثر دولتمردان و بیمه‌گذاران میان این دو صندوق واقعا تفاوتی قایل نمی‌شوند. البته در کشور ما، به لحاظ ساختاری هر دو صندوق در درون بانک کشاورزی قرار دارند. بررسی‌هایی انجام شده نشان می‌دهد که این دو صندوق بازوی مکمل یکدیگرند، اما نکته قابل توجه این است که این دو صندوق با یکدیگر ترکیب نشوند. به بیان دیگر صندوق کمک به خسارت دیدگان به عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل با کارکرد خود تعریف و انتظارات آن برآورده شود و از سوی دیگر تعریف و کارکرد صندوق بیمه نیز با توجه به جایگاه صندوق به عنوان یک شخصیت حقوقی دیگر تعریف شود. قوانین موجود در ماده ۱۰، اساسنامه صندوق بیمه درباره چگونگی پرداخت غرامت به حوادث قهری عنوان کرده است که جهت‌گیری صندوق بیمه باید به سوی توسعه بیمه باشد تا به تدریج نقش صندوق کمک به خسارت دیدگان کم رنگ تر شود، در واقع نقش این صندوق تنها برای بخشی از خسارت‌ها و ریسک‌های خاص باشد. امید است که در قالب اصلاح شیوه‌های کار و اصلاح ساز و کارها بتوان این دو نگرش را به طور کامل از یکدیگر تفکیک کند. متأسفانه از جمله اشتباهاتی که همواره با آن مواجه هستیم این است که تمام مشکلات را می‌توان با استفاده از بیمه برطرف کرد. تبدیل مدیریت ریسک به مدیریت بحران امری نسبی است و بنابراین نمی‌توان تمام بحران‌ها را به وسیله بیمه حل کرد. نکته مهم این است که ما باید این نگرش را داشته باشیم که چه بخش‌هایی از مشکلات را می‌توان به وسیله بیمه و چه بخشی از آن را باید با استفاده از راهکارهای دیگر برطرف کرد. آن چه امروزه به عنوان تعریف بیمه مطرح می‌شود، دریافت حق بیمه از گروهی کثیر و پرداخت آن به گروه قلیلی از خسارت دیدگان است. باید به این نکته توجه شود که تعهد صندوق، تنها پرداخت خسارت به ریسک‌های خریداری شده است بنابراین اگر قرار باشد به ریسک‌هایی خریداری نشده نیز خسارت پرداخت شود، این مساله به عنوان یک چالش برای صندوق بیمه کشاورزی مطرح می‌شود. اگر هدف بیمه، مدیریت بحران باشد، باید روابط میان صندوق بیمه و دولت چگونه تعیین شود؟ از جمله مهم‌ترین نقش‌های دولت در این بخش، اتکاگری در صنعت بیمه است، بیمه‌اتکایی در بیمه‌های بازرگانی و تجاری نیز وجود دارد. شرکت‌های بیمه‌ای برای آن که بتوانند ریسک‌های بسیار بالا را جبران کرده و دچار ورشکستگی نشوند، قراردادی را با تعدادی از شرکت‌های بیمه‌ای دسته دوم منعقد می‌کنند تا به عنوان اتکاگر شرکت‌های بیمه‌گر اصلی باشند، بنابراین بیمه‌اتکایی قراردادی است که براساس آن بیمه‌گر اصلی بخشی از تعهدات خود را به بیمه‌گر اتکایی واگذار می‌کند و بیمه‌گر اتکایی در صورت تحقق خسارت سهم خود را از خسارت پرداخت می‌کند در بخش کشاورزی سیستم بیمه‌اتکایی برعهده دولت‌ها است. در حال حاضر سازوکار بیمه کشاورزی در کشور ما نیز تقریباً این گونه است، به طوری که براساس ماده ۳۳ اساسنامه صندوق بیمه کشاورزی اگر در هر سال مالی، میزان خسارت‌های پرداختی از حق بیمه دریافتی بیشتر شد دولت باید مازاد غرامت پرداختی را به صندوق بیمه پرداخت کند. بیمه‌های اتکایی از شیوه‌هایی است که، صنعت بیمه کشاورزی در دنیا برای ورود به مدیریت بحران از آن استفاده می‌کند. برای بخش‌های خصوصی امکان تأمین بیمه‌های اتکایی وجود ندارد، چرا که به طور قطع با پدیده‌ای به نام مازاد غرامت پرداختی روبه‌رو می‌شود.

شوند، بنابراین به طور حتم دولت‌ها نقش اتکاگری را برعهده می‌گیرند. رویکرد دیگر می‌تواند تبدیل بیمه کشاورزی به یک بیمه آزاد باشد این موضوع در برخی از کشورها از جمله پاکستان بررسی شد، در این کشور بیمه اتکایی برای مدت ۸ تا ۱۰ سال مورد بررسی قرار گرفت، نتایج نشان می‌دهند که در واقع دولت پاکستان قادر به اتکاگری بیمه کشاورزی نبود، به طوری که اعلام کردند که بیمه کشاورزی خصوصی است، بنابراین ریسک واقعی بیمه را تعریف کردند، تا هر کسی که مایل بود بدون کمک دولت ریسک را خریداری نماید. موضوع دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، این است که بیمه قراردادی ۲ طرفه است، به طوری که صندوق بیمه به عنوان بیمه گر، مجموعه ای از ریسک‌ها را به خود انتقال داده و تعهد صندوق نیز تنها در برابر این نوع از ریسک‌ها مشخص شده است برای نمونه صندوق، حق بیمه ای را به دلیل خسارت سرمازدگی دریافت می‌کند، اما الزامی ندارد خسارت آفات و بیماری‌ها را نیز پرداخت کند. چالش دیگری که می‌توان در بحث نگرش بیمه گذاران نسبت به بیمه کشاورزی به آن اشاره کرد، این است که آیا بیمه‌ابزاری برای پیش برد برخی سیاست‌های توسعه‌ای، دولت‌ها است یا این که سیاستی برای ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی است، اگر سیاست دولت ایجاد اشتغال باشد، ممکن است منطقه ای را به این منظور انتخاب کند که ضریب ریسک در آن بالاست. از سوی دیگر ممکن است سیاست دولت دستیابی به خودکفایی در محصولی باشد و برای رسیدن به این هدف تصمیمات اشتباهی همانند کشت این محصول در مناطق پرریسک بگیرد. آیا در این جا نیز مشکلاتی مانند تعریف بیمه به مثابه مدیریت ریسک و مدیریت بحران، در روابط صندوق بیمه و دولت مطرح است؟ به بیان دیگر، در واقع تقاضای صندوق بیمه این است که اگر دولت سیاست‌های توسعه‌ای خاصی از جمله ایجاد اشتغال در یک منطقه یا حمایت از یک محصول استراتژیک را دنبال می‌کند تعهداتی را نیز باید در قبال صندوق بیمه داشته باشد؟ همان طور که پیش از این نیز عنوان شد برای نمونه می‌توان به سایت پرورش میگوی آبادان اشاره کرد که دولت هزینه‌های هنگفتی را برای طراحی و اجرای این سایت متحمل شد، به طوری که صندوق بیمه در سال اول ۷۰۰ هکتار از این سایت را بیمه کرد اما ۳۵۰ هکتار از آن در آبان ماه همان سال به دلیل کاهش دما میگوها دچار سرمازدگی شدند، زیرا این موجودات آبی قادر به تحمل دمای پایین تر از ۱۰ درجه نیستند. در همان سال، در منطقه آبادان، در یک مقطع زمانی دما به ۷ درجه بالای صفر رسید که ۳ درجه، از حداقل دمایی که میگو می‌توانست تحمل کند، پایین تر بود. در نتیجه خسارت هنگفتی به این سایت وارد شد. هم چنین از مشکلات مناطق دیگر می‌توان به میگوهای وارداتی آلوده به بیماری لکه سفید اشاره کرد، صندوق بیمه نیز از موضوع آلودگی منطقه آگاهی دارد، اما از آن جایی که پرورش میگو، باعث اشتغال افراد بسیاری می‌شود، در صورتی که بیمه نخواهد خسارت تولیدکنندگان را پردازد موقعیت شغلی افراد زیادی در معرض خطر قرار می‌گیرد. بنابراین سیاست دولت این است که با توجه به مشکلات پدید آمده تحت هر شرایطی این سایت، در هر سال مورد بهره برداری قرار گیرد. در نتیجه به صندوق بیمه اعلام می‌کند که این سایت را بیمه کند در حالی که این موضوع برای صندوق بیمه محرز است که اگر این سایت بیمه شود حداقل ۵۰ درصد از تولیدات آن از بین می‌رود. چنین مشکلی در مورد باغات میوه نیز مطرح است، بهره‌وری از محصولات باغی نیازمند یک سرمایه‌گذاری چندین ساله است، اما این امکان وجود دارد که مکان انتخاب شده برای احداث باغ مناسب نبوده و یا از ارقامی ناسازگار با منطقه مورد نظر استفاده شود. در این جا از صندوق بیمه درخواست می‌شود که محصولات باغی را بیمه کند، در حالی که به دلیل تصمیمات نادرست گرفته شده در ارتباط با مکان و رقم محصول باغی هر ساله این محصولات دچار خسارات هنگفتی شوند. در پس تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها مجموعه ای از واقعیت‌ها وجود دارند که به عنوان یک چالش و مشکل بر بیمه کشاورزی تاثیر می‌گذارند. هنگامی که در یک سال زراعی، بیمه به ۴۰ درصد بیمه گذاران خسارت پرداخت می‌کند، این مساله می‌تواند هشدار جدی برای دولت باشد، زیرا بیان گر این موضوع است که صندوق بیمه کشاورزی تنها در راستای تامین انتظارات دولت و بخش کشاورزی قرار دارد و نقش آفرینی خوبی را در این باره ایفا می‌کند، این در حالی است که باید حدود وظایف بیمه تعریف، و از کارکردهای تولید شده در سیاست گذاری‌ها و اصلاح

سیاست‌ها استفاده کرد، اما اگر قرار باشد صندوق بیمه هر ساله با بیمه کردن تولیدکنندگان متحمل پرداخت خسارات سنگین شود، نتیجه‌ای به غیر از بدهی ۶۷۱ میلیارد تومانی دولت به صندوق بیمه نخواهد داشت، به طوری که ممکن است در سال‌های آینده این مبلغ به ۱۰۰۰ میلیارد تومان افزایش یابد، در صورتی که اعلام کند که توانایی پرداخت بدهی خود را به صندوق بیمه کشاورزی ندارد، نتیجه آن تعطیل شدن صندوق بیمه خواهد بود

http://www.bazyab.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=۱۲۶۲۸&Itemid=۴۸*

مدیریت ریسک

Risk Management ... مدیریت ریسک

مدیریت ریسک کاربرد سیستماتیک سیاست‌های مدیریتی، رویه‌ها و فرآیندهای مربوط به فعالیت‌های تحلیل، ارزیابی و کنترل ریسک می‌باشد. مدیریت ریسک عبارت از فرآیند مستندسازی تصمیمات نهائی اتخاذ شده و شناسایی و بکارگیری معیارهایی است که میتوان از آنها جهت رساندن ریسک تا سطحی قابل قبول استفاده کرد. Risk Management Risk Management is an essential part of good management practice and is featuring increasingly prominently on the agendas of senior managers and the education funding bodies. Whilst risk management applies to all areas of institutional activity its relevance is particularly clear in relation to projects, particularly projects with an IT or systems component

مدیریت ریسک در فناوری نانو

... risk management مدیریت ریسک، چارچوب، ارزیابی، مخاطره مترجم ابراهیم عنایتی

خلاصه‌دهنده دنیای کنونی به علت نبود اطمینان، فرایند تصمیم‌گیری بسیار دشوار است. در این مسیر ابزارهای مختلفی برای کمک به تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان به وجود آمده است؛ مدیریت ریسک با ارائه راهکارها و راهبردهای بدیع توانسته است روش‌های نظام‌مندی برای شرکت‌های تجاری، تولیدی و خدماتی و بانک‌های تجاری خلق کند. برای در نظر گرفتن جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و علمی تمام ذی‌نفعان مرتبط با تجزیه و تحلیل ریسک و مخاطره، وجود یک چارچوب منسجم ضروری است. کمیته اداره بین‌المللی ریسک (IRGC) مبنایی را برای چنین چارچوبی فراهم آورده است؛ این چارچوب دارای چهار مرحله پیش‌ارزیابی، ارزیابی، سنجش و تعیین مشخصات و مدیریت است. این مقاله ضمن پرداختن به برخی مفاهیم ریسک، اجزای چارچوب مورد نظر را تشریح می‌کند. چکیده‌دهنده دنیای کنونی به علت نبود اطمینان، فرایند تصمیم‌گیری بسیار دشوار است. در این مسیر ابزارهای مختلفی برای کمک به تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان به وجود آمده است مدیریت ریسک با ارائه راهکارها و راهبردهای بدیع توانسته است روش‌های نظام‌مندی برای شرکت‌های تجاری، تولیدی و خدماتی و بانک‌های تجاری خلق کند. برای در نظر گرفتن جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و علمی تمام ذی‌نفعان مرتبط با تجزیه و تحلیل ریسک و مخاطره، وجود یک چارچوب منسجم ضروری است. کمیته اداره بین‌المللی ریسک (IRGC) مبنایی را برای چنین چارچوبی فراهم آورده است این چارچوب دارای چهار مرحله پیش‌ارزیابی، ارزیابی، سنجش و تعیین مشخصات و مدیریت است. این مقاله ضمن پرداختن به برخی مفاهیم ریسک، اجزای چارچوب مورد نظر را تشریح می‌کند. کلمات کلیدی: مدیریت ریسک، چارچوب، ارزیابی، مخاطره مقدمه‌ای بر مدیریت ریسک در زبان عرف عبارت است از تهدیدی که به علت اطمینان نداشتن به وقوع حادثه‌ای در آینده، پیش می‌آید و هر چقدر این نبود اطمینان بیشتر باشد اصطلاحاً گفته می‌شود ریسک زیادتر است. مدیریت ریسک نقش مهمی در عملکرد بهتر

شرکت‌ها در ملل توسعه یافته ایفا می‌کنند. یک چارچوب مناسب برای ارزیابی ریسک، چارچوبی است که از نظر قانونی، سیاسی، مالی و اجتماعی پایدار باشد و بستر قدرتمندی برای یک جامعه قانونمند فراهم سازد به طوری که محیط مناسبی برای شهروندان فراهم آید. این چارچوب فعالیت سازمانی دولت کسب و کارها، مؤسسات آموزشی و جامعه مدنی بزرگتر را پوشش می‌دهد. دامنه مدیریت ریسک را ریسک‌های مختلفی که به جامعه تحمیل می‌شود تعریف می‌کند. ریسک دو جزء دارد: احتمال پیامدهای بالقوه شدت پیامدها. تجزیه و تحلیل ریسک نه تنها پیامدهای فیزیکی را پوشش می‌دهد، بلکه دربرگیرنده اثرات مالی سرمایه گذاری اقتصادی، نهادها، فرهنگ و اثرات روانشناختی هم هست. با توجه به ویژگی‌های ریسک چهار گروه ریسک وجود دارد: * ساده * پیچیده * نامشخص * مبهماید توجه داشت که ریسک متفاوت از مخاطره است؛ ویژگی ذاتی عامل ریسک فرایندهای مرتبط را مخاطره گویند، در حالی که ریسک، اثر بالقوه مخاطره است که ممکن است ناشی از عوامل خاصی همانند عوامل محیطی، سلامتی انسان‌ها و... باشد. ممکن است ریسک براساس منشأ آن مانند عوامل فیزیکی، شیمیایی، زیست‌شناسی، نیروهای طبیعی، ارتباطی- اجتماعی و مخاطرات پیچیده، طبقه‌بندی گردد. برای در نظر گرفتن جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و علمی تمام ذی‌نفعان مرتبط با تجزیه و تحلیل ریسک و مخاطره، وجود یک چارچوب منسجم ضروری است. کمیته اداره بین‌المللی ریسک (IRGC)، که یک بنیاد مستقل است، مبنایی را برای چنین چارچوبی فراهم آورده که نه تنها ابعاد اجتماعی- فرهنگی و واقعی ریسک را پوشش می‌دهد، بلکه مشارکت، که منجر به مدیریت مناسب می‌گردد را نیز تشویق می‌نماید. مدیریت ریسک چهار مرحله دارد که عبارتند از: * پیش ارزیابی (pre-assessment) * ارزیابی (Appraisal) * سنجش و تعیین مشخصات (Evaluation & charactrisation) * مدیریت لازم به ذکر است که ارتباطات، هسته مرکزی این فرایند چرخشی را تشکیل می‌دهد. با افزایش علاقه نسبت به فناوری‌نانو و توسعه کاربردهای آن در جامعه، نیازمند چارچوبی برای پوشش دادن به موارد مختلف تأثیرگذار بر حوزه‌های مختلف این فناوری هستیم. کمیته اداره بین‌المللی ریسک (IRGC) یک چارچوب مفهومی برای فناوری‌نانو ارائه کرده است که توجه آن به سمت سناریوهای مقرراتی فعلی، وضعیت بین‌المللی و تعامل علم و سیاست است؛ این چارچوب با توجه به چهار نسل محصولات فناوری‌نانو و ویژگی‌های بالقوه آنها توسعه یافته است. پیش ارزیابی: نسل‌های چهارگانه محصولات فناوری‌نانو نسل اول محصولات فناوری‌نانو دربرگیرنده نانو ساختارهای غیرفعال (عامل ثابت)، همانند پوشش‌های نانو ساختار ضدخش برای رنگ کاری است، نسل دوم، نانو ساختارهای فعال هستند، برای مثال حسگرهایی که می‌توانند به تغییر در شرایط محیطی پاسخ دهند. نسل سوم نانو سیستم‌های منسجم خواهند بود که زیر سیستم‌های فعال را ترکیب خواهند کرد، برای مثال اعضای مصنوعی از عناصر نامقیاس ساخته خواهند شد. انتظار می‌رود که نسل چهارم مبتنی بر سیستم‌های مولکولی ناهمگن متکی بر رویکرد پایین به بالا باشد. جهت ساده‌سازی اثر بالقوه رشد فزاینده این فناوری میان‌رشته‌ای برای توسعه راهبردهای ریسک و مدیریت ریسک، چهار نسل محصولات فناوری‌نانو در دو گروه طبقه‌بندی می‌شوند؛ طبقه اول شامل نسل اول محصولات فناوری‌نانو و طبقه دوم شامل سه نسل باقی مانده محصولات فناوری‌نانو می‌باشند. این طبقه‌بندی چارچوب مناسبی را برای تصمیم‌گیران ارائه می‌کند تا از طریق آن بتوانند هر نوع ریسکی را ارزیابی و مدیریت نمایند. ارزیابی ریسک ارزیابی ریسک برای چارچوب اول شامل ارزیابی مخاطرات، و ریسکها با توجه به توسعه محصول است. در حال حاضر اطلاعات ما از ریسکهای ایمنی، سلامت و ریسکهای زیست محیطی که به جامعه مربوط می‌شوند، محدود به نانو مواد است. مخاطرات به حوزه‌هایی مانند میزان سمی بودن، سرطان‌زایی، فرّار بودن، آتش گیر بودن، نفوذپذیری و تجمع در سلول‌ها مربوط می‌شود. ریسک‌ها به ریسک‌های سلامت انسان، انفجار و زیست محیطی تقسیم می‌شود. ریسکهای سیاسی و اجتماعی با توجه به جهت و سطح توسعه تحقیقات فناوری‌نانو به وجود می‌آیند. ریسک دیگری نیز وجود دارد و آن وجود شکاف آموزشی بین ذی‌نفعان مختلف است که می‌تواند منجر به از دست رفتن فرصت‌های نوآورانه گردد. ارزیابی ریسک برای چارچوب دوم به دلیل نداشتن درک کامل از اثرات زیست محیطی،

شیمیایی و فیزیکی نانوساختارها مشکل‌تر است. ارزیابی ریسک و تعیین مشخصات آن مرحله سوم، تعیین مشخصات و ارزیابی ریسک فناوری نانو در رابطه با چارچوب‌های دوگانه است. به طور کلی ریسک به ساده، پیچیده، نامعین (مبهم) طبقه‌بندی می‌شود. ریسک ساده دارای روابط علی- معلولی مشخصی برای عناصر و اثرات آنهاست. ریسک پیچیده ریسکی است که در آن شناسایی روابط علی و اثرات آنها دشوار است. در این ریسک اطلاعات کافی درباره روابط علی و معلولی و اثرات آنها در توسعه فناوری وجود ندارد. ریسک مبهم نیز به کامل نبودن دانش مربوط می‌شود؛ یعنی با دانش موجود، به مفروضات و پیش‌بینی‌های مبهم اتکا نماییم. ریسک مبهم تعابیر مختلفی دارد، زیرا بر فقدان درک صحیح از پدیده و اثرات آنها دلالت دارد. دانش چارچوبیک، برای نانوساختارهای غیرفعال که اثرات کمی بر مسائل اجتماعی دارند، پیچیده در نظر گرفته می‌شود. در چارچوب دوم، دانش مربوط به نانوساختارهای فعال به خاطر فقدان ریسک مربوط به دانش فنی، مبهم در نظر گرفته می‌شود. دانش مربوط به نانوسیستم‌های منسجم و سیستم‌های مولکولی نیز به دلیل فقدان شفافیت در توسعه علمی و فناوری و اثرشان بر جامعه، مبهم در نظر گرفته می‌شوند. مدیریت ریسکهدف راهبردهای مدیریت ریسک که در ادامه ارائه می‌گردند، سازمان‌دهی مخاطرات مربوط به جامعه از طریق تدوین مقیاس‌هایی برای اجتناب، جلوگیری، کاهش و انتقال ریسک است؛ با توجه به میان‌رشته‌ای بودن فناوری نانو و کاربردهایش در بخش‌های مختلف، این امر مستلزمیک رویکرد تکاملی است. برای نانوساختارهای غیرفعال، راهبردهای مدیریت ریسک شامل توسعه روش‌های آزمایش و شناسایی بهترین روش‌های اندازه‌گیری میزان سمیت است. راهبردهای دیگر شامل توسعه فرایندها و محصولات جدید است که می‌توانند فرایند توسعه فناوری را استاندارد سازند. محصولات فناوری نانو نیازمند آزمایش پیش‌بازاریابی برای بررسی اثرات محیطی و سلامت، ارزیابی چرخه حیات و ملاحظات مربوط به ریسک‌های ثانویه می‌باشند. برای مدیریت ریسک‌های معارضه محصولات، توسعه روش‌های تجزیه و تحلیل نانومواد به همراه روش‌هایی برای کاهش معارضه توسعه الزامی است. راهبرد مدیریت ریسک نهادی، داشتن ارتباط نظام‌مند بین صنعت و دولت را مورد تأکید قرار می‌دهد و نیاز به وجود شفافیت در تصمیم‌گیری برای R&D و سرمایه‌گذاری را ضروری می‌داند. راهبردهایی که در بالا به آنها اشاره شد برای محصولات چارچوب دوم نیز قابل کاربرد است. شکاف دانش مربوط به محصولات چارچوب دوم نیازمند رویکرد مشارکتی و فعال جهت پاسخ به توسعه‌های جدید است. نسل‌های مختلف محصولات فناوری نانو ویژگی‌های محصولات چارچوب یک اول نانوساختارهای غیرفعال چارچوب دو دوم نانوساختارهای فعال سوم نانوسیستم‌های منسجم چهارم سیستم‌های مولکولی ارتباطات ریسک‌ویکرد عملیاتی مناسب برای ارتباطات ریسک بین تمام ذی‌نفعان مرتبط، می‌تواند در برگیرنده اطلاعات عینی درباره منافع و اثرات جانبی ناخواسته فناوری نانو باشد. جهانی بودن ماهیت توسعه فناوری ممکن است نیازمند مشارکت همه ملل، تشویق مشارکت بخش خصوصی و دولتی و توسعه استانداردها و شیوه‌های مناسب باشد. نتیجه‌گیری چالش‌های مربوط به مدیریت ریسک در فناوری نانو با فناوری‌هایی همانند انرژی هسته‌ای و ژنتیک تفاوت ندارد. به گفته آقای روکو، مشاور ارشد بنیاد ملی علوم آمریکا (NSF)، علی‌رغم این که فناوری نانو دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است، ولی بسیاری از پیشنهادها و سیاست‌گذاری‌های مطرح شده در حوزه‌های دیگر می‌توانند برای اداره ریسک در فناوری نانو استفاده شوند. "چالش‌های زیادی در زمینه اداره ریسک در حوزه فناوری نانو برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران در سازمان‌ها و ملل مختلف وجود دارد. بررسی و تعدیل مقررات موجود، همکاری و هماهنگی بین ذی‌نفعان مختلف و مشارکت بخش‌های دولتی از راهکارهای مواجهه با این چالش‌هاست.

* <http://www.nano.ir/paper.php?PaperCode=۴۶۰>

مدیریت ریسک عبارت است از تشخیص، اندازه گیری، و ارزیابی خطرات احتمالی و ایجاد تدابیری به منظور مدیریت آنها با در نظر گرفتن حداکثر میزان موفقیت. این امر به طور اخص ارتباط تنگاتنگی با استفاده بهینه از تکنیک های تجاری، الگوبرداری های متعارف اقتصادی، و بررسی های مالی برقرار می کند. روشن است سودی که از هر سرمایه گذاری بدست می آید معمولاً به میزان ریسکی که سرمایه گذار در ابتدای کار پذیرای آن می شود، بستگی دارد. سرمایه گذاران در صورتی حاضر به پذیرفتن ریسک های بزرگ خواهند بود که در نهایت کار به سودهای کلان دست پیدا کنند؛ و این همان پاداش خطر پذیری و حق ریسک کننده است.

اما نکته ای که بیش از پیش باید به آن توجه داشت، نوع ریسک است. باید توجه داشت که ریسک های غیرقابل قبول یکی از بزرگترین دشمنان بزرگ تجارت های کوچک محسوب می شوند. مشکل اساسی بسیاری از تجار و سرمایه گذاران این است که نمی توانند تشخیص صحیحی از ماهیت ریسک هایی که با آنها روبرو هستند، داشته باشند و به همین دلیل قادر نخواهند بود خطری که ممکن است یک موقعیت ریسکزا برای بقای تجارت آنها در بر داشته باشد را دریابند. در نتیجه آنها معمولاً پذیرای ریسک هایی می شوند که قابل حل و فصل نبوده و به جای اینکه قبول ریسک مورد نظر به سود آنها باشد، ضربه ی مهلکی به کسب و کار آنها وارد می کند. مدیریت بهینه ی ریسک نه تنها به خودی خود از کسب و کار شما محافظت می نماید بلکه نظر بسیاری از مشتری ها را نیز به سوی شما جلب می نماید.

در حالیکه افراد همه روزه با ریسک های متفاوتی در اطراف خود روبرو هستند، می توان اظهار داشت که از جمله مهمترین ریسک های موجود، ریسک تجاری است که از پرمخاطره ترین انواع خود محسوب شده و مدیریت و کنترل آن بسیار دشوار می باشد. صاحبان تجارت برای هرچه کمتر کردن ریسک های موجود تلاش کرده و سعی می کنند از طریق بیمه ی عمر، بیمه خدمات درمانی، بیمه بیکاری، بیمه مسئولیت و غیره خطرات احتمالی که ممکن است در حیطه ی شغلی آنها بوجود آید را بپوشانند. این افراد حاضرند تا با خرید بیمه های مشابه سایر خطرات موجود در زمینه ی دارایی های مادی را از میان بردارند. اما متأسفانه هیچ گونه بیمه ای در مقابل تصمیمات نادرست تجاری وجود ندارد! صاحب تجارت موظف است به منظور هرچه کوچکتر کردن تاثیرات منفی تصمیمات نادرست و نامتعارف، یک شیوه ی سازمان یافته را بکار بگیرد تا به واسطه ی آن تصمیمات خوب را افزایش داده و خود را به سود های بیشتر برساند. او همچنین باید به این نکته توجه داشته باشد که در کار هم سود وجود دارد و هم ضرر بنابراین نباید اساس زندگی شغلی خود را به غبطه خوردن بر روی تصمیمات بدی که می توانسته از آنها خودداری کند، بگذراند.

همانطور که در بالا- به آن اشاره شد، در سیستم ها و ارگانهای موفق همیشه یک برنامه مدون برای مدیریت موقعیت های خطرزا وجود دارد. این رویکرد سازمان یافته تنها مسئول شناسایی و اداره ی ریسک ها نیست. یک چنین رویکردی شانس اتخاذ تصمیمات متعارف را نیز افزایش می دهد و در عین حال کیفیت و سوددهی امور را نیز در تمام موارد تحت بررسی قرار می دهد. منظور از رویکرد سازمان یافته این است که کلیه ی تصمیم گیری های تجاری به طور جداگانه مورد تحلیل و موشکافی قرار بگیرند و ساختار آنها به صورت ریشه ای تشریح گردد. کارفرما باید به درستی بداند که یک تصمیم خاص دقیقاً پیرامون چه مطلبی گرفته شده است و تلویحات عینی آن چه حوزه هایی را پوشش می دهند.

یک مثال رایج در این زمینه که مسئله ی جذب مشتری است. یکی از چالش برانگیزترین مراحل کار متقاعد کردن مشتری برای همکاری و کشاندن او پای میز قرارداد می باشد. اشتباهی که بسیاری از صاحبان مشاغل دچار آن می شوند این است که برای جذب مشتری یکسری قراردادهایی را تنظیم می کنند که نمی توانند از عهده ی آن برآیند. این افراد تمام تمرکز خود را به مشتری معطوف می نمایند و سایر جوانب کار را در نظر نمی گیرند. از آنجاییکه نمی خواهند موقعیت حاضر را از دست بدهند، پیشنهاد

هایی می‌کنند که چندان به نفعشان نیست و به تصور خویش طرف مقابل را مجاب به پذیرفتن می‌نمایند. نهایتاً زمان تحویل پروژه فرا می‌رسد و آنها نمی‌توانند طبق قرارداد کار خود را تحویل دهند و رضایت مشتری را جلب نمایند به همین دلیل ملزم به پرداخت قرامت‌های سنگین‌تر با احتساب به اتلاف وقت و انرژی بیشتر می‌شوند.

از سوی دیگر با ارائه‌ی یک رویکرد سازمان‌یافته در همان ابتدای کار و پیش از عقد قرارداد، کلیه مواضع موجود مورد بررسی قرار گرفته و تمام زوایای آن سنجیده می‌شود. با بکارگیری این رویکرد، آمار و ارقام تحلیلی بدست آمده و همه چیز به عهده‌ی شانس و اقبال گذاشته نمی‌شود. با اتکا به شیوه‌ی فوق‌بهترین / بدترین نتیجه ممکن نیز محاسبه شده و در اختیار کارفرما قرار می‌گیرد و او با دانش کامل از موفقیت / شکست و آگاهی به عواقب کار پذیرای ریسک مورد نظر می‌شود. این امر به او کمک می‌کند تا در دام قراردادهایی که غیر قابل مدیریت هستند گرفتار نشود.

البته در مثال فوق همانطور که اشاره شد بهترین نتیجه‌ای که می‌توان از قرارداد گرفت هم تحلیل می‌شود اما هر یک از این ارزیابی‌ها دلایل خاص خود را دارد. "بدترین" نتیجه برای محافظت از اساس شرکت مورد بررسی قرار می‌گیرد و "بهترین" نتیجه هم از این نقطه نظر که آیا سودهای احتمالی آنقدر زیاد هستند که ارزش پذیرفتن ریسک را داشته باشند مورد بازبینی قرار می‌گیرد. اگر نتیجه‌ی کار تنها یک قرارداد نادرست با سود کم باشد، صاحب سرمایه متوجه شده و ریسک نامتعارف را نمی‌پذیرد. نگاه انداختن به سناریوی بهترین / بدترین نتیجه به منظور ارزیابی میزان ریسک برای بررسی مقابله‌ای نیز سودمند است. مسئله‌ای که صاحب تجارت به دنبال آن می‌باشد این است که متوجه شود کدامیک از "بهترین‌ها" سود زیادی را عاید شرکت می‌کند و کدامیک از "بدترین‌ها" باز هم اجازه‌ی محافظت از شرکت را می‌دهند. معمولاً در هر زمان چندین گزینه انتخابی و فرایند عملیاتی متفاوت پیشروی کارفرما وجود دارد و آنالیز کردن ساختاری و هسته‌ای احتمالات مختلف خوب / بد به او این اجازه را می‌دهد که ریسک‌ها را تعدیل ساخته و بهترین کارهایی را که می‌تواند انجام دهد در جدول اولویت‌های شغلی طبقه‌بندی نماید. با توجه به یک چنین تجزیه و تحلیلی و با احتساب به این امر که شرکتش در حفاظت کامل به سر می‌برد می‌تواند کار خود را جلو پیش ببرد و تمام تلاش خود را بر روی بدست آوردن بهترین نتایج ممکن متمرکز نماید.

*<http://www.mardoman.net/success/riskman>

راهبری و مدیریت ریسک بنگاه

محمد آزاد راهبری بنگاهی، مفهوم نوظهوری است که چارچوبی جامع و در برگیرنده هر دو جنبه راهبری شرکتی و راهبری تجاری یک سازمان را ارائه می‌کند.

دستیابی به اکسیر راهبری شرکتی مطلوب که به صورت استراتژیک با مدیریت عملکرد پیوند خورده باشد، شرکت‌ها را قادر خواهد کرد بر عوامل کلیدی حرکت به سوی آینده تجاری خود تمرکز کنند. این امر می‌تواند هم به عنوان یک چالش و هم فرصتی مناسب محسوب شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد اکثراً بر راهبری شرکتی تاکید شده و جنبه‌های عملکردی راهبری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. راهبری بنگاهی تصویری جامعی را ارائه می‌کند که اطمینان می‌دهد اهداف استراتژیک در یک سطح قرار گرفته‌اند و با مدیریت خوب تحقق می‌یابند.

راهبری بنگاهی چیست؟

تحقیقات، تعاریف زیادی در رابطه با راهبری بنگاهی ارائه کرده‌اند. در این نوشتار راهبری بنگاهی را به صورت «مجموعه مسوولیت‌ها و روش‌هایی که توسط هیات‌مدیره و مدیرعامل به مرحله انجام می‌رسد تا همسو با هدف دستیابی به برنامه استراتژیک، اطمینان حاصل کنند اهداف تحقق می‌یابند، مشخص شود ریسک‌ها به نحو مناسب مدیریت می‌شوند و اثبات گردد منابع سازمان به

نحو مسوولانه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد»، تعریف می‌کنیم. این تعریف کلی چندین مزیت در بر دارد.

• نشان دهنده نقش دوگانه هیات‌مدیره هم در خصوص پایش و هم تعیین استراتژی است، و مشتمل بر مباحث کوتاه‌مدت و بلندمدت موجود بین راهبری و ایجاد ارزش می‌باشد.

• بر نقش تیم مدیریت اجرایی تاکید دارد.

• امور درون سازمانی را همچون جوانب برون سازمانی شامل می‌شود.

• می‌تواند به روشن شدن اهمیت نقش رییس هیات‌مدیره و مدیرعامل کمک کند و اینکه چرا آنها باید از یکدیگر مستقل باشند.

• به بیان نقش چندگانه حسابداران کمک می‌کند.

• می‌تواند مفاهیم اصلی را در یک قالب مشخص ارائه نماید.

• مدل‌های مختلف راهبری در سطح بین‌المللی را می‌تواند ارائه دهد. چارچوب راهبری بنگاهی در نمایه مقابل نشان داده می‌شود.

نمایه ارائه شده، بیانگر حوزه و گستره راهبری بنگاهی است که چارچوب پاسخگویی یکپارچه یک سازمان را نشان می‌دهد. به

طور کلی، بعد متابعت همراه با یک دیدگاه گذشته‌نگر همراه است در حالی که بعد عملکردی دیدگاه آتی‌نگر دارد. این امر نشان

می‌دهد که راهبری شرکتی همه داستان نیست، بلکه استراتژی هم از اهمیت بسزایی برخوردار است. به عبارت دیگر، حوزه عملکرد

مالی مسوولیت‌های راهبری شرکتی را در هم آمیخته و در جریان ایجاد ارزش و موفقیت تجاری نیز همکاری دارد. بردارهای

کمرنگ‌تر نشان می‌دهند اگرچه متابعت، مستقیماً به پاسخگویی و عملکرد، مستقیماً به ایجاد ارزش متصل نمی‌شوند، ولی متابعت

هم می‌تواند به ایجاد ارزش و در عین حال عملکرد به تضمین منتهی شوند.

بعد متابعت

این بعد از راهبری بنگاهی به طور قابل ملاحظه‌ای در سال‌های اخیر و به‌ویژه در دو سال اخیر به دنبال رسوایی‌های متعدد پوشش

داده شده است.

این بعد که به طور عمومی، راهبری شرکتی نامیده می‌شود، موارد زیر را شامل می‌شود.

• وظایف رییس هیات‌مدیره و مدیرعامل

• هیات‌مدیره، ترکیب، اعضای غیرموظف، آموزش

• کمیته‌های هیات‌مدیره، از جمله حسابرسی، پاداش و تعیین و انتصاب

• کنترل‌های داخلی در یک سازمان

• مدیریت ریسک و حسابرسی داخلی

• پاداش عملکرد این مقوله به خوبی در ادبیات موضوع پوشش داده می‌شود و پیشرفت‌های زیادی در این زمینه وجود خواهد

داشت. مقررات یا برخی استانداردها می‌توانند این بعد را به‌طور کلی در سرفصل حسابرسی یا بازرسی قرار دهند. در بعد متابعت،

نقش حسابداران حرفه‌ای در کسب و کار، کنترل جهت تضمین پاسخگویی و نقش حسابرس داخلی اطمینان از موثر بودن این

کنترل‌ها است. نقش اصلی حساب‌رسان مستقل، ارائه اظهارنظر مستقل در رابطه با صحت و منصفانه بودن صورت‌های مالی سازمان

است. با توجه به محیط قانونی حاکم بر یک سازمان، ممکن است علاوه بر این، الزامی باشد که حساب‌رسان مستقل، اظهارنظر مستقلی

در رابطه با رعایت الزامات و قوانین خاص توسط آن سازمان نیز ارائه کنند. حساب‌رسان مستقل با دستمزدی که در چارچوب نظام

راهبری هر سازمان تعیین خواهد شد و یا در مواردی که وجود داشته باشد به طور خاص توسط کمیته حسابرسی، کار خود را

تکمیل خواهند کرد. مکانیسم‌های نظارتی مناسبی وجود دارند تا هیات را از موثر بودن فرآیندهای مناسب راهبری شرکتی مطمئن

سازند - کمیته‌هایی که اساساً متشکل از مدیران غیرموظف می‌باشند - کمیته‌های حسابرسی از این جمله مکانیسم‌ها هستند. البته

مکانیسم‌های مشابهی وجود دارند که در آنها یک کمیته حسابرسی جداگانه وجود ندارد.

بعد عملکردی

این بعد به خودی خود و به آسانی به مجموعه‌ای از استانداردها و حسابرسی منوط نیست. بلکه به دامنه‌ای از ابزارها و فنون مرتبط می‌شود که به طور هوشمندانه متناسب با انواع مختلف سازمان‌ها به کار می‌روند، این ابزارها و فنون، مهم‌ترین بعد حسابداری حرفه‌ای در تجارت می‌باشند. تأکیدی که در این بعد وجود دارد هیات‌مدیره را قادر می‌سازد موارد زیر را اجرایی کند:

• اتخاذ تصمیمات استراتژیک (راهبردگذاری)

• درک اشتباهی ریسک سازمان و عوامل کلیدی عملکردی

• شناسایی نکات سرنوشت‌سازی که نیاز به تصمیم‌گیری در مورد آنها وجود دارد.

اجرای استراتژی همراه با مربوط بودن مستمر و موفقیت آن باید بر مبنای منظمی ارزیابی شود. بدیهی است مسوولیت کامل استراتژی با هیات‌مدیره است. اگرچه در برخی شرکت‌ها کمیته استراتژی وجود دارد که پیشرفت و فرآیند اجرا و پیاده‌سازی استراتژی را بررسی می‌کنند، ولی اطلاعات تهیه شده و ارزیابی عوامل فعالیت‌های کلیدی چالش‌زا می‌باشند. دامنه‌ای از ابزارها و فنون، از قبیل کارنامه متوازن، بهبود مستمر، سیستم‌های سازمان استراتژیک و کمیته‌های سرمایه‌گذاری وجود دارند که می‌توانند هیات‌ها را برای تمرکز در راستای استراتژی کمک نموده و اجرای آن را در همه ابعاد تجاری محقق سازند، اما اغلب موضوعی تحت عنوان «شکاف نظارتی» می‌تواند وجود داشته باشد.

رابطه بین بعد متابعت و عملکردی

اخیرا مباحث زیادی در رابطه با نقش هیات‌مدیره در مدیریت ریسک وجود دارد. اصطلاحاتی از قبیل «تعیین اشتباهی ریسک» و «تعیین استراتژی مدیریت ریسک» مرتبا برای بیان نقشی که می‌تواند در بر داشته باشد، تکرار می‌شود. اما به واقع، معنی این اصطلاحات چیست؟ و هیات‌مدیره چه نقشی در این زمینه دارد؟ نمایه زیر خلاصه‌ای از گام‌های اساسی جهت پیشرفت یک عملکرد مناسب با تأکید بر رویکرد مدیریت ریسک در سطح هیات‌مدیره و مدیرعامل ارائه می‌کند.

در گذشته این نقش بر جلوگیری از زیان‌های فیزیکی و مالی در سطح یک سازمان تأکید داشت و توجه بهظ ریسک به طور رسمی فاصله دوری از تصمیم‌گیری‌های کلیدی داشت. به هر حال، بحران‌های اخیر در شرکت‌ها نشان داده است کوتاهی در شناسایی و مدیریت مناسب ریسک در سطح استراتژیک اثرات بالقوه بسیار بزرگتری نسبت به کنترل ریسک عملیاتی بر سرنوشت سازمانی دارد.

مسئله‌ای که در رابطه با این نتیجه‌گیری وجود دارد این حقیقت است که همواره به صورت سنتی اشتباهی ریسک در سطوح هیات‌مدیره و مدیرعامل پایین بوده است. البته این بدان معنی نیست که در گذشته برای اتخاذ تصمیمات استراتژیک هیچ توجهی به ریسک وجود نداشته است، بلکه وجود داشته، ولی به صورت غیررسمی و اغلب در قالب تصمیم‌گیری‌های ناخودآگاه بوده است. پیشرفت‌های بین‌المللی در مقررات راهبری شرکتی در اوایل دهه ۹۰ تلاش کرد مدیریت را تشویق کند تا فرآیندی را طراحی کند که در جریان اهداف سازمانی، ریسک‌ها را نیز ارزیابی نمایند. این امر به حفظ و افزایش ارزش ثروت سهامداران از طریق ملاحظات رسمی به ریسک کمک می‌کرد.

حال چگونه ما می‌توانیم وارد مرحله عملکرد و متابعت شویم در حالی که این دو بعد را رقیب یکدیگر و ناسازگار با هم تلقی نماییم؟

با توجه به مطالب ارائه شده کاملاً مشخص است که تلاش‌های کادوبوری، ترن‌بال و ... چیزی فراتر از راهبری شرکتی است که توسط بسیاری از شرکت‌ها پذیرفته شده است.

شناسایی و ارزیابی ریسک استراتژیک، یا ریسک «تجاری» یا به هر عنوانی که شناخته می‌شود، خود به یک فرآیند جداگانه تبدیل شده است؛ به طوری که در گزارش‌های سالانه گزارش می‌شود اما در امر تشویق مدیریت و تاثیر رسمی بر فرآیند تصمیم‌گیری‌های کلیدی، توفیقی نداشته است

<http://www.donya-e-eqtasad.com>

چند پرسش اساسی در مدیریت ریسک

مباحثی مانند مدیریت ریسک و مدیریت بحران و غیره از اون دست مباحث مدیریتی هستند که همیشه در کتاب‌ها و در دانشگاه به ما یاد می‌دهند ولی ما در غالب مدیران شرکت‌ها اغلب در آخر به روش‌های سلیقه‌ای و شخصی (گاهی هم هیأتی و عشقی!) به اونها عمل می‌کنیم!

البته دلایلی هم خود من برای این مساله قائلم، مثل سایز عمده شرکت‌های ایرانی که در حد کوچک (Small Business) هست و روابط و قواعد آکادمیک به سختی قابل تعمیم به اونها هستند، نوع مشکلات ما شرکت‌های ایرانی که بعضا غیر استاندارد و باز هم غیر قابل تعمیم است، و ۱۰۰٪ در نهایت نوع آموزشی که مدیران ایرانی در دانشگاه‌های می‌بینند که فقط میتونه شبها کینز و فریدمن رو به خوابشون بیاره نه آموزه هاشون رو! راستی، اصلا مدیران ایرانی آیا مباحث مدیریتی رو در دانشگاه خونده اند یا ...؟! اینم حتما دلیل بعدیه. به هر حال من که حق دارم راجع به این مباحث در وبلاگم بنویسم، حتی اگر خودم در بیزینسم اجراشون نکنم! در تعریف مدیریت ریسک فرایند سنجش یا ارزیابی ریسک و بعد ارایه راهکار و استراتژی‌هایی برای اداره و کنترل ریسک است. به نظر من ریسک هم مثل سایر استراتژی‌های یک بنگاه به کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت تقسیم میشه. ریسک‌های کوتاه مدت و میان مدت در لایه‌های اجرایی و کارشناسی صورت می‌گیرند و ریسک‌های بلند مدت در لایه رهبری شرکت‌ها. افزایش رقابت، پیچیدگی‌های محیطی، پیشرفت و پیدایش تکنولوژی‌های نو، روش‌های جدید عرضه محصول و مواردی از این دست، عواملی هستند که سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی را در دوران فعالیت خود با ریسک‌های بسیاری مواجه می‌سازند. یعنی در هنگام بروز این تغییرات در اقتصاد و تکنولوژی، بنگاه‌ها با چالش‌های ریسک‌زا برای تغییر بسترهای موجود، هزینه برای به دست آوردن این دست‌آورد‌های جدید و غیره مواجه می‌شوند که تمامی اینها خطراتی را دارند. ریسک کلا به عقیده من یعنی "عدم توانایی در پیش بینی نتیجه راه جدیدی که می‌خواهید در آن قدم بگذارید" ریسک‌های استراتژیک به این علت بلند مدت نامیده می‌شوند که دوره زمانی طولانی پس از ظهور نخستین آثار این نوع ریسک تا بروز خسارت و زیان وارده نیاز به سپری شدن است. مثلا بالا رفتن قدرت فناوری در دوربین‌های گوشی‌های موبایل دایما باعث می‌شود شرکت‌های سازنده دوربین‌های قدرتمندتری را بتوانند بر روی گوشی‌های تولیدی خود بگذارند. سرمایه‌گذاری برای استفاده از این فناوری‌های نوین کم ریسک می‌باشند چراکه ثابت شده مردم از آن استقبال می‌کنند. ولی برخی امکانات مانند گذاشتن امکان ویدیو پروژکشن بر روی موبایل هنوز بر ریسک محسوب می‌شود. به همین دلیل اولین بار در موبایل شوی بارسلونا سال ۲۰۰۸ نمونه‌هایی از این نوع گوشی‌ها توسط موتورولا به نمایش گذاشته شد و توسط هیچ شرکتی تولید انبوه نگشت. مدیریت ریسک زمانی معنا و مفهوم می‌یابد که شرایط با احتمال بروز زیان و عدم اطمینان مواجه شود. این نوع مدیریت شامل حوزه‌های گسترده‌ای است که مسایل مالی، عملیاتی، تجاری (مثل مثال بالا)، استراتژیک و حوزه وسیع‌تری به نام حوادث خطرآفرین را در بر می‌گیرد. ناتوانی عوامل تجاری در مدیریت مناسب این گونه ریسک‌ها، سبب زیان‌های وارده ناشی از آن در سطح جامعه می‌شود و این مسئله اثر ناامیدکننده‌ای را در پیشرفت‌های آتی علم و تکنولوژی و استفاده مدیران از آن‌ها خواهد گذاشت. تجارت ارز Forex چیست؟ تجارت CFD چیست؟ چگونه می‌توان به تجارت ارز، طلا، شاخصهای مهم جهانی و غیره پرداخت؟ چه امکاناتی را می‌توانم از LBACO دریافت

کنم؟ آیا بازار تجارت ارز دارای یک محل مرکزی است؟ چه کسانی در بازار ارز مشارکت دارند؟ بازار ارز چه زمانی برای تجارت دایر است؟ اعتبار معاملاتی چیست؟ نحوه قیمت گذاری ارزها به چه صورت است؟ چگونه می توان ریسک را اداره کرد؟ یک موقعیت چه مدت باید حفظ شود؟ تجارت ارزفارکس چیست؟ (forex) مبادله ارز یعنی خرید همزمان یک ارز و فروش ارزی دیگر. ارزها همیشه به صورت جفت معامله می شوند. ارزها بین المللی بر طبق نرخهای شناور خرید و فروش می شوند. بازارهای تجارت ارز از گردش متوسط روزانه حدود ۲.۵ تریلیون دلار برخوردار دارند، این بازار اصطلاحاً به Forex معروف است و بزرگترین بازار مالی جهان می باشد. تجارت سی_اف_دی چیست؟ (CFD) مخفف Contract for difference می باشد که به معنی سود جستن از تفاوت قیمت شاخصها بدون در نظر گرفتن حق مالکیت است. که شامل خرید و فروش دامنه گسترده ای نظیر کالا، فلزات ارزشمند، نفت و شاخصهای مهم جهانی می باشد. از امتیازات معامله به طریق سی_اف_دی توانائی انجام اعتباری معاملات یا Leverage است. این امر شما را قادر می سازد که با سرمایه کمتر و اخذ وام معاملات بزرگتری را انجام دهید. چگونه می توان به تجارت ارز، طلا، شاخصهای مهم جهانی و غیره پرداخت؟ شما با افتتاح یک حساب معاملاتی از طریق پاینکس در گروه فیو و دریافت نرم افزار مربوطه قادر به انجام خرید و فروش در کلیه بازارهای جهان می باشید. همچنین جهت توضیحات بیشتر می توانید با تماس بگیرید. چه امکاناتی را می توانم از LBACO دریافت کنم؟ شما از طریق سایت ما به کلیه خدمات بازار نظیر پیشبینی قیمت آتی ارزها، کالا، طلا و غیره به همراه دریافت مشاوره سرمایه گذاری و سیگنالهای خرید و فروش دسترسی خواهید یافت. کادر مجرب ما آمادگی هر گونه کمک و همیاری در کلیه مقاطع تجاری را دارند. همچنین جهت اطلاع از نحوه آموزش و یا دریافت اطلاعات بیشتر در باره خدمات ما به بخش سرویسهای سایت مراجعه نمایید. آیا بازار تجارت ارز دارای یک محل مرکزی است؟ تجارت Forex از طریق یک ارز انجام نمی شود و از آنجا که معاملات بین دو طرف صورت میگیرد بازار تجارت ارزیک بازار یا روی پیشخوان است. چه کسانی در بازار ارز مشارکت دارند؟ بانکهای مرکزی، بازرگانی و سرمایه گذاری به صورت سنتی بر بازار ارز تسلط دارند، مشارکت نهادهای دیگر نیز به سرعت روبه افزایش است و اکنون مدیران و کارگزاران بین المللی پول، شرکتهای چند ملیتی، دلالان مجاز؛ معامله گران قراردادی اختیار و آینده و سرمایه گذاران خصوصی را شامل می شود. بازار ارز چه زمانی برای تجارت دایر است؟ بازار ارز به معنای واقعی یک بازار جهانی ۲۴ ساعته است. روز تجاری در سیدنی آغاز شده و به دور کره زمین می چرخد تا هر مرکز مالی شروع به فعالیت کند. پس از سیدنی، توکیو، سپس لندن و در انتها نیویورک فعال می شود. سرمایه گذاران قادر خواهند بود در هر لحظه نسبت به نوسانی که ناشی از رویدادهای جاری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است، واکنش نشان دهند اعتبار معاملاتی چیست؟ اعتبار معاملاتی یک محدوده اجرایی است که در مقابل زینهای خرید و فروش، آنها راییمه می کند. پیش پرداخت اعتباری در بازار ارز این امکان را می دهد که معاملات به مراتب بزرگتر از ارزش موجودی حساب خود را جهت معامله اتخاذ کنیم. تجارت در بازار مستلزم کنترل داشتن اعتبار کافی است و معامله فقط در صورتی انجام می شود که مبلغ اعتبار حساب شما کافی باشد. سیستم تجارت ارز مبلغ نقد لازم جهت پوشش دادن موقعیتهای حال حاضر را محاسبه کرده و این اطلاعات را بی وقفه در اختیار شما می گذارد. اگر موجودی حساب شما کمتر از پیش پرداخت لازم باشد، سیستم همه موقعیتهای مفتوح را می بندد. این کار مانع از آن می شود که موجودی حساب شما از سرمایه خالص شما کمتر شود و در این بازار ناپایدار با حرکات سریع، از موقعیت شما حفاظت می کند. نحوه قیمت گذاری ارزها به چه صورت است؟ کل مجموعه شرایط اقتصادی و سیاسی بر قیمت ارز تاثیر دارد. نرخ های بهره، نرخ های تورم و ثبات سیاسی به طور کلی مهمترین عوامل هستند. بعضی مواقع دولتها در بازار ارز مشارکت می کنند تا بر ارزش ارز معامله شده خود اثر بگذارند. این موضوع و دیگر عوامل بازار از جمله سفارشات بسیار بزرگ می تواند باعث ناپایداری مفرط در قیمتها ی ارز شود. بزرگی بازار ارز به تنهایی مانع از آن می شود که یک عامل واحد بتواند برای هر مدت زمان بر بازار سلطه یابد. چگونه می توان ریسک را اداره

کرد؟ بهترین ابزارهای مدیریت ریسک در تجارت ارز عبارتند از سفارشات توقف زیان و سفارش محدود. سفارش توقف زیان، دستور می دهد که یک موقعیت در یک قیمت مشخص به طور اتوماتیک منحل شود تا مانع از عملکرد تغییرات عمده به ضرر موقعیت گردد. سفارش محدود، حداکثر قیمتی که یک سرمایه گذار مایل است در یک معامله بپردازد، و همچنین حداقل قیمتی که در مقابل در یافت کند، تعیین مس کند. بازار معاملات ارز به قدری روان است که اجرای سفارشات توقف زیان و محدود در آن آسان می باشد. یک موقعیت چه مدت باید حفظ شود؟ معامله گران در بازار ارز عموماً "تا وقتی یکی از ضوابط زیر بر آورده شود، موقعیتها را حفظ می کنند: 2 سود کافی از موقعیت عاید شده باشد. 2 سفارش از پیش تعیین شده توقف زیان انجام شود. 2 یک موقعیت بهتر بالقوه ایجاد شده و معامله گر بخواهد وجوه را نقد کند تا از آن بهره ببرد.

* <http://www.forexiran.net/faq.htm>

مدیریت ریسک اصول بانکداری الکترونیک

مدیریت ریسک اصول بانکداری الکترونیک

نوآوری تکنولوژیک و رقابت میان سازمانهای بانکداری که قصد ورود به این حرفه را دارند این امکان را به وجود آورده تا طیف گسترده‌ای از انواع تولیدات و خدمات بانکی، قابل دسترسی و ارائه به مشتریان کوچک و بزرگ باشد. امکانی که از طریق کانال توزیع الکترونیک فراهم می شود و روی هم رفته به آن "بانکداری الکترونیک" می گویند. "کمیته بازل" اصولی مربوط به مدیریت ریسک در بانکداری الکترونیک را شناسایی کرده که می تواند برای نهادهای بانکی در گسترش بینش آنها نسبت به سیاستها و فرآیندهای بانکداری الکترونیک سودمند باشد. از آنجا که وضعیت هر بانک با بانک دیگر متفاوت است، از همین رو هر بانک شیوه خاص مناسب با مقیاس عملیات بانکداری الکترونیک خودش را لازم دارد. این گزارش دربرگیرنده ضمائم است که در آن برخی مثالها در مورد رویه های مربوط به کاهش ریسک در قلمرو بانکداری الکترونیک به عنوان پشتیبانی کننده اصول مدیریت ریسک می آید. امید است این رویه ها منطبق با نیازهای خاص ملی و وضعیت ریسک هر مورد، در جائیکه لازم باشد، به مورد اجرا گذاشته شود و راه حل های فنی توسط موسسات و نهادهای تعیین کننده استاندارد، همگام با تکامل تکنولوژی ارائه شون

مدیریت خطر (ریسک)، اصول بانکداری الکترونیک □ خلاصه اجرایی: ویرایش ژوئیه ۲۰۰۳ ادامه نوآوری تکنولوژیک و رقابت میان سازمانهای بانکداری موجود و سازمانهایی که قصد ورود به این حرفه را دارند، این امکان را به وجود آورده تا طیف گسترده‌ای از انواع تولیدات و خدمات بانکی، قابل دسترس و ارائه به مشتریان کوچک و بزرگ باشد. امکانی که از طریق کانال توزیع الکترونیک فراهم می شود و روی هم رفته به آن بانکداری الکترونیک می گویند. در این میان، البته، توسعه سریع قابلیت های بانکداری الکترونیک هم مخاطرات و هم سودمندیهایی را همراه دارد. کمیته بازل در مورد نظارت بانکی انتظار دارد، چنین مخاطراتی به طور مستمر از طریق نهادهای بانکی طبق مشخصات پایه و چالشهای مربوط به ارائه خدمات بانکداری الکترونیک تشخیص، بیان و در مورد آنها چاره‌جویی شود. این مشخصات، سرعت غیرمنتظره تغییرات مربوط به ابداعات تکنولوژیک در زمینه ارائه خدمات به مشتری، ماهیت جهانی شبکه های الکترونیک باز، یکپارچه شدن کاربردهای بانکداری الکترونیک با سیستم های کامپیوتری و وابستگی رو به افزایش بانکها به طرفهای ثالث که تکنولوژی اطلاعات لازم را فراهم می کنند، را دربرمی گیرد. در حالیکه عوامل بالا ذاتاً مخاطرات جدیدی به وجود نمی آورند، کمیته خاطر نشان می کند که این ویژگیها، باعث افزایش و بهینه سازی برخی از ریسک های سنتی مرتبط با فعالیتهای بانکداری، به ویژه عملیات استراتژیک، قانونی و به لحاظ شهرت شده است و از همین رو، روی وضعیت کلی ریسک های مربوط به بانکداری تأثیر می گذارد. بر اساس این نتایج، کمیته این نکته را در نظر می گیرد که گرچه اصول مدیریت ریسک موجود می تواند قابلیت کاربرد در فعالیتهای

بانکداری الکترونیک داشته باشد، با اینحال بهتر است چنین اصولی را به وجود آورد، تطبیق و در برخی موارد گسترش داد تا بتوان برچالش‌های مدیریت ریسک ویژه ناشی از فعالیت‌های بانکداری الکترونیک فائق آمد. از همین رو کمیته اعتقاد دارد که بر هیأت مدیره و مدیریت ارشد بانکها واجب است تا گام‌هایی را به منظور اطمینان از این موضوع بردارند که مؤسسات متبوع آنها، در جاهائیکه لازم است، سیاست‌های مدیریت ریسک موجود را بازنگری و بهینه‌سازی کنند تا فعالیت‌های بانکداری الکترونیک برنامهریزی شده یا جاری را هم دربرگیرد. کمیته همچنین اعتقاد دارد که باید کاربردهای بانکداری الکترونیک با سیستم‌های قدیمی درهما می‌مختهو بدینوسیله مدیریت ریسکی که پارچه ایطراحی‌شود. به منظور تسهیل این فرآیند، کمیته چهارده اصول مربوط به مدیریت ریسک در بانکداری الکترونیک را شناسایی کرده است که می‌تواند برای نهادهای بانکی در گسترش بینش آنها نسبت به سیاستها و فرآیندهای بانکداری الکترونیک، سودمند باشد. این اصول مربوط به مدیریت ریسک به عنوان نیازهای مطلق یا حتی بهترین رویه‌ها مطرح نمی‌شوند. کمیته بر این باور است که تعیین جزئیات نیازهای مربوط به مدیریت ریسک در زمینه بانکداری الکترونیک می‌تواند ضد تولید باشد، زیرا خیلی زود مطالب به واسطه سرعت تغییرات مربوط به ابداعات تکنولوژیک، در عرصه ارائه خدمات به مشتری، کهنه می‌شوند. از همین رو کمیته ترجیح می‌دهد تا انتظارات نظارتی و راهنمایی را در قالب اصول مدیریت ریسک به منظور ارتقاء سطح ایمنی و سلامت فعالیت‌های بانکداری الکترونیک مطرح و قابلیت انعطاف لازم در اجرا را نیز در نظر گیرد. علاوه بر این، کمیته این موضوع را مورد توجه قرار داده که وضعیت هر بانک با بانک دیگر متفاوت است و از همین رو، هر بانک شیوه خاص مناسب با مقیاس عملیات بانکداری الکترونیک خودش را لازم دارد. به همین دلیل، اصول مدیریت ریسک منتشر شده از سوی کمیته تلاش نمی‌کند تا راه حل‌های فنی مشخص یا استانداردهایی مربوط به بانکداری الکترونیک ارائه کند. راه حل‌های فنی باید توسط مؤسسات و نهادهای تعیین‌کننده استاندارد، همگام با تکامل تکنولوژی ارائه شوند. با اینحال، این گزارش در برگیرنده ضمائم است که در آن برخی مثالها در مورد رویه‌های مربوط به کاهش ریسک در قلمرو بانکداری الکترونیک به عنوان پشتیبانی‌کننده اصول مدیریت ریسک می‌آید. در نهایت انتظار می‌رود اصول مدیریت ریسک و رویه‌های دقیق مشخص شده در گزارش به عنوان ابزارهایی مورد استفاده سرپرستان ملی قرار گیرد و منطبق با نیازهای خاص ملی و وضعیت ریسک هر مورد، در جائیکه لازم باشد، به مورد اجرا گذاشته شود. در برخی موارد، به اصولی اشاره شده که در راهنما و دستورالعمل‌های قبلی مربوط به سرپرستی بانک نیز مورد توجه قرار داشته‌اند. هرچند برخی مسایل مانند مدیریت با منابع بیرونی، کنترل‌های ایمنی و مدیریت ریسک قانونی و مبتنی بر شهرت، به دلیل ویژگی‌های منحصر بفرد کانال توزیع اینترنت، نیاز به تشریح بیشتری دارند. اصول مدیریت ریسک به منظور شفافیت روی سه محور موضوعی گسترده ولی در عین حال هم پوشانی، به شرح زیر، قرار می‌گیرند: مراقبت مدیریت و هیأت مدیره کنترل‌های ایمنی مدیریت ریسک شهری و حقوقی

مراقبت مدیریت و هیأت مدیره: از آنجاکه هیأت مدیره و مدیران ارشد مسئول تدوین استراتژی تجاری مؤسسه متبوع خود و ایجاد یک نقش مدیریتی موثر روی ریسک‌ها هستند، از آنها انتظار می‌رود یک تصمیم استراتژیک شفاف، مستند و از روی آگاهی درباره این موضوع اتخاذ کنند که بانک چگونه می‌خواهد خدمات بانکداری الکترونیک ارائه دهد. تصمیم اولیه باید بر مبنای قابلیت‌های حسابرسی معین، سیاست‌ها و کنترل‌ها به منظور فائق آمدن بر این ریسک‌ها باشد و مواردی را هم که در جریان عملیات فرامرزی رخ می‌دهد نیز دربرگیرد. انتظار می‌رود، مراقبت مدیریتی موثر، شامل مرور و تصویب جنبه‌های کلیدی فرآیند کنترل ایمنی بانک از قبیل توسعه و نگهداری زیرساخت کنترل ایمنی باشد که به نحو مطلوبی سیستم‌های بانکداری الکترونیک و داده‌های مربوط به هر دو تهدید درونی و بیرونی را محافظت می‌کنند. این مراقبت همچنین باید فرآیند جامع فائق آمدن بر ریسک‌های مرتبط با پیچیدگی رو به افزایش و اتکا روزافزون به روابط با منابع بیرونی و تکیه به شخص ثالث، به منظور اجرای اعمال بانکداری الکترونیک دچار بحران را در برگیرد.

کنترل‌های ایمنی: درحالی‌که هیأت مدیره مسئولیت دارد تا نسبت به وجود فرآیندهای کنترل ایمنی مناسب برای بانکداری الکترونیک اطمینان حاصل کند، ماهیت این عملیات نیاز مدیریتی ویژه‌ای را در رابطه با چالش‌های امنیتی تشدید شده ناشی از بانکداری الکترونیک بوجود می‌آورد. این امر از طریق اعمال روش‌های مناسبی برای اعطای مجوزهای مربوط به احراز هویت و کنترل‌های فیزیکی و منطقی دستیابی انجام می‌گیرد. همچنین باید امنیت کافی برای زیرساختها به منظور حفظ قلمروهای مناسب و محدودیت‌های ناشی از فعالیت‌های کاربران بیرونی و درونی و نیز یکپارچگی اطلاعات و سوابق معاملات، مورد توجه باشد. علاوه بر آن باید از وجود سرخ‌های حسابرسی روشن برای همه معاملات مربوط به بانکداری الکترونیک اطمینان حاصل کرد و نسبت به اتخاذ تدابیری برای نگهداری محرمانه اطلاعات کلیدی این نوع بانکداری متناسب با حساسیت چنین اطلاعاتی همت گماشت. گرچه حفاظت از مشتری و قوانین حفظ حریم خصوصی افراد در مراجع قضایی گوناگون با یکدیگر فرق می‌کند با اینحال بانکها به طور کلی یک مسئولیت روشن دارند که تا حد ممکن، سطح معینی از آرامش و راحتی را برای مشتریان خود در زمینه افساء و حفاظت از اطلاعات مشتری فراهم آورند. این راحتی باید به همان میزانی باشد که آنها هنگام فعالیت از طریق کانالهای توزیع سنتی بانکداری، احساس می‌کنند. برای کاهش ریسک شهرتی و قانونی مرتبط با فعالیت‌های بانکداری الکترونیک که هم در سطح داخلی و هم در سطح فرامرزی انجام می‌شود، بانکها باید اطلاعات آشکار کافی در وب سایت خود قرار دهند و تدابیر لازم را به منظور اطمینان نسبت به رعایت حریم خصوصی مشتری در مراجع قضایی که بانک در آنها، خدمات بانکداری الکترونیک، ارائه می‌دهد، فراهم کنند.

مدیریت ریسک شهرتی و قانونی: به منظور حفاظت از بانکها در قبال ریسک شهرتی، قانونی و تجاری، خدمات بانکداری الکترونیک باید برپایه زمان بندی دقیق و ثابتی در رابطه با انتظارات بالای مشتری استوار باشد تا بتوان به سرعت در صورت تقاضا، نیازهای مربوط به دسترسی به معاملات بالقوه زیاد را تأمین کرد. بانک باید توانایی ارائه خدمات بانکداری الکترونیک به همه کاربرهای نهایی را داشته باشد و باید بتواند چنین توانایی را در همه شرایط، حفظ کند. در نظر گرفتن مکانیزم‌های پاسخ موثر به حوادث نیز به منظور کاهش ریسک‌های شهرتی، قانونی و عملیاتی ناشی از رویدادهای غیرمنتظره از قبیل حملات درونی و بیرونی که ممکن است روی ارائه سیستم‌ها و خدمات بانکداری الکترونیک، تأثیر بگذارد، کاملاً حیاتی است. از همین رو به منظور تأمین نیازهای مشتریها، بانکها باید ظرفیت، تداوم کار و برنامه ریزی اضطراری موثری را داشته باشند. بانکها همچنین باید برنامه ریزی‌های مناسبی را برای پاسخ به حوادث به عمل آورده و از جمله استراتژیهای ارتباطی معینی را تدوین کرده باشند. استراتژیهایی که بر مبنای آنها تداوم کار، کنترل ریسک شهرتی و محدود کردن مسئولیت‌های ناشی از بروز اختلال در خدمات بانکداری الکترونیک، کاملاً در نظر گرفته می‌شود.

اصول مدیریت ریسک برای بانکداری الکترونیک:

سالم‌است که بانکها به ارائه خدمات بانکی به مشتریان خود از راه دور مشغول هستند. انتقال الکترونیکی وجوه، از جمله پرداخت‌های کوچک و نظامهای مدیریت نقدی شرکتی و نیز ماشینهای خودکار قابل دسترسی توسط عامه مردم برای برداشت پول و مدیریت خرده حسابها جزو ساختارهای متعارف نظام بانکی جهانی است. با اینهمه، پذیرش روبه افزایش اینترنت در سطح جهان به عنوان یک کانال تحویل تولیدات و خدمات بانکی، امکانات بازرگانی جدیدی را برای بانکها و امتیازات خدماتی برای مشتریان آنها به وجود می‌آورد. این تولیدات و خدمات ضمن آنکه فعالیت‌های سنتی از قبیل دسترسی به اطلاعات مالی، دریافت وام و گشایش حسابهای سپرده را شامل می‌شوند، فعالیت‌های نسبتاً جدیدی از قبیل ارائه خدمات پرداخت الکترونیکی صورت حسابها، تأمین پایانه‌های شخصی مالی، تجمع حسابها و ایجاد بازار الکترونیکی تبادل اطلاعات تجاری را هم در برمی‌گیرند. با اینحال امتیازات مهم ابداعات تکنولوژیک و توسعه سریع تواناییهای بانکداری الکترونیک در برگیرنده هم ریسک‌ها و هم امتیازاتی است.

از همین رو لازم است که بانکها با احتیاط این ریسکها را شناسایی و اداره کنند. این پیشرفتهای کمیته نظارت بر بانکداری "بازل" را برآن داشت تا در سال ۱۹۹۸ یک مطالعه مقدماتی روی معضلات مدیریت ریسک بانکداری الکترونیک و پول الکترونیک، انجام دهد. مطالعه فوق نشان داد که نیاز روشنی به کاربیشتر در قلمرو مدیریت ریسک بانکداری الکترونیک وجود دارد و از همین رو این مأموریت به یک گروه کاری متشکل از سرپرستان بانکها و بانکهای مرکزی سپرده و بدین ترتیب "گروه بانکداری الکترونیک"، در نوامبر ۱۹۹۹ تشکیل شد. کمیته بازل در اکتبر ۲۰۰۰، گزارش "گروه بانکداری الکترونیک" خود را در مورد مدیریت ریسک مسایل نظارتی ناشی از توسعه بانکداری الکترونیک انتشار داد. این گزارش ریسکهای اصلی مرتبط با فعالیتهای بانکداری الکترونیک را در قالب ریسک استراتژیک، ریسک شهرت، ریسک عملیاتی (شامل ریسک امنیتی و ریسک حقوقی) و ریسکهای اعتباری، بازاری و نقدینگی، طبقه بندی می کند. "گروه بانکداری الکترونیک" از گزارش خود نتیجه می گیرد که فعالیت های بانکداری الکترونیک مخاطراتی (ریسکهایی) را شناسایی نکرد که بیش از آن در کارهای کمیته بازل مطرح نشده باشد. با اینحال، این گزارش تأکید می کند که بانکداری الکترونیک برخی از این ریسکهای سنتی را افزایش و بهینه می کند. از همین رو روی نظام بانکی، بویژه در ابعاد ریسک استراتژیک، ریسک عملیاتی و ریسک شهرتی، تأثیر می گذارد؛ به گونه ای که قطعاً گسترش سریع و پیچیده تر شدن تکنولوژی مربوط به بانکداری الکترونیک، این امر را برجسته می کند.

الف - چالشهای مدیریت ریسک: گروه بانکداری الکترونیک در بررسی ویژگیهای پایه بانکداری الکترونیک (و به عبارتی کلی تر تجارت الکترونیک)، شماری از چالش های مدیریت ریسک را به شرح زیر برمی شمرد: سرعت تغییرات مربوط به ابداعات تکنولوژیک در ارائه خدمات به مشتری در بانکداری الکترونیک غیر مترقبه است. از لحاظ تاریخی، کاربردهای جدید بانکداری در مدت زمان نسبتاً طولانی و پس از آزمایشهای عمیقی که روی آنها به وجود آمد، به مورد اجرا گذاشته شد. اما امروز، بانکها تحت فشار رقابتی برای ارائه کاربردهای تجاری جدید در چارچوب مدت زمانی بسیار فشرده قرار دارند. مدت زمانی که اغلب از ایده تا تولید، چند ماه بیشتر به طول نمی انجامد. این رقابت چالشهای مدیریت را به منظور اطمینان از این نکته که آیا به اندازه کافی ارزیابی استراتژیک، تجزیه و تحلیل ریسک و مطالعات ایمنی، قبل از اجرای موارد جدید از کاربری های مربوط به بانکداری الکترونیک به عمل آمده یا خیر، را تشدید می کند. در این میان طبعاً وب سایت های معاملاتی بانکداری الکترونیک و روابط با کاربری های کلان و جزء، تا حد ممکن با سیستم های کامپیوتری قدیمی یکپارچه می شود تا اجازه دهد پردازش الکترونیک عملیات به صورت مستقیم تری صورت گیرد. چنین پردازش خودکار و مستقیمی به نوبه خود باعث کاهش خطاهای انسانی و سوء استفاده ناشی از پردازش های دستی می شود ولی در عین حال وابستگی به طراحی سیستم هایی که بتوانند به راحتی با یکدیگر عمل کنند، را افزایش می دهد. بانکداری الکترونیک وابستگی بانکها را به تکنولوژی اطلاعات اضافه می کند و از همین رو بر پیچیدگی فنی بسیاری از مسایل عملیاتی و امنیتی می افزاید و روند مربوط به مشارکت، اتحاد و استفاده از منابع بیرونی و طرفهای ثالث را گسترش می دهد. اقداماتی که بسیاری از آنها فاقد نظم و قانون معینی هستند. این پیشرفت باعث ایجاد مدل های جدیدی شده که بانکها و موسسات غیربانکی از قبیل ارائه دهندگان خدمات اینترنت، شرکتهای مخابرات و سایر شرکتهای تکنولوژی را در برمی گیرد.

اینترنت به نوبه خود ماهیت جهانی دارد و یک شبکه باز قابل دستیابی از هر کجای دنیا به وسیله طرفهای ناشناس است که پیامها را از طریق مکانهای نامشخص بوسیله وسایل بی سیم به سرعت رو به تکامل، انتقال می دهد. از همین رو تاحدزیادی اهمیت کنترل های ایمنی، تکنیک های احراز هویت مشتری، حفاظت داده ها، روش های تهیه سرخ های حسابرسی و استانداردهای حفظ حریم خصوصی مشتری را بیشتر می کند.

ب- اصول مدیریت ریسک: بر اساس کارهای اولیه گروه بانکداری الکترونیک، کمیته نتیجه گیری میکند، هرچند اصول مدیریت ریسک بانکداری سنتی قابلیت کاربرد در فعالیتهای بانکداری الکترونیک را دارد ولی خصوصیاتی پیچیده کانال تحویل اینترنت ایجاد میکند تا این کاربردها متناسب با بسیاری از فعالیتهای بانکداری "ON-LINE" و چالشهای مربوط به مدیریت ریسک آنها، طراحی شوند. از همین رو کمیته اعتقاد دارد که این برعهده هیأت مدیره و مدیریت ارشد بانکهاست تا اطمینان پیداکنند که نهادهای متبوع آنها درجایی که لازم بوده، سیاستهای مدیریتی و فرآیندهای بانکداری الکترونیک برنامه ریزی شده یا جاری را مورد بررسی مجدد قرار داده و بهبود بخشیده اند. علاوه بر آن، از آنجا که کمیته اعتقاد دارد که بانکها باید روش مدیریت ریسک یکپارچه ای را برای همه فعالیت‌های بانکداری الکترونیک خود اعمال کنند، به همین دلیل، حیاتی است که نظارت مدیریت ریسک مربوط به فعالیت‌های بانکداری الکترونیک در حد توان بانک، به عنوان جزو لاینفک مدیریت کلی ریسک بانک قرار گیرد. برای تسهیل این پیشرفتهای، کمیته از گروه بانکداری الکترونیک تقاضا کرد تا اصول کلیدی مدیریت ریسک را شناسایی کنند. اصولی که می تواند به بانکها برای گسترش سیاستهای نظارتی موجود آنها و فرآیندهای لازم برای پوشش فعالیت‌های بانکداری الکترونیک و به نوبه خود تحویل ایمن و بدون نقص تولیدات و خدمات بانکداری کمک کند. اصول مدیریت ریسک برای بانکداری الکترونیک که در این گزارش شناسایی شده اند، به عنوان نیازهای مطلق یا حتی بهترین رویه ها مطرح نمی شوند، بلکه صرفاً به عنوان راهنمایی و به منظور ارتقاء سطح فعالیت‌های ایمن و بدون نقص بانکداری الکترونیک به میان می آیند. کمیته بر این باور است که تعیین جزئیات نیازهای مدیریت ریسک در حوزه بانکداری الکترونیک، ممکن است ضد تولید باشد، زیرا این احتمال می رود این جزئیات به واسطه سرعت تغییرات مربوط به ابداعات تکنولوژیک و تولیدات، کهنه شود. از همین رو اصولی که در این گزارش گنجانیده شده فقط به بیان انتظارات نظارتی مربوط به کل فعالیت های نظارتی بانک به منظور اطمینان از ایمنی و عدم وجود نقص در نظام مالی می پردازد، تا اینکه بخواهد مقررات دقیقی را مطرح کند. کمیته این نظر را دارد که چنین انتظارات نظارتی باید متناسب با کانال توزیع بانکداری الکترونیک طراحی و تطبیق داده شود، گرچه نباید در اصول، با آنچه که در سایر کانالهای توزیع مربوط به فعالیتهای بانکداری انجام می شود، متفاوت باشد. بنابراین اصولی که در زیرآمده تا حد زیادی برگرفته و در انطباق با اصول نظارتی قرار دارد که پیش از این، طی سالها از سوی کمیته یا سرپرستان ملی تجربه شده است. در برخی زمینه ها، از قبیل مدیریت روابط با منابع بیرونی، کنترل های ایمنی و مدیریت ریسک شهرتی و حقوقی، مشخصات و ویژگیهای کانال توزیع اینترنت نیاز به اصول مشروح تری را نسبت به آنچه که تاکنون مطرح شده، به میان می آورد. کمیته تشخیص می دهد که بانکها نیاز دارند تا فرآیندهای مربوط به مدیریت ریسک را متناسب با وضعیت ریسک مربوط به خود، ساختار عملیاتی و فرهنگ حاکم بر بنگاه و نیز طبق نیازمندیهای مدیریت ریسک ویژه و سیاستهای تعیین شده از سوی ناظران بانک در مراجع قضایی خاص، توسعه دهند. علاوه بر این رویه های متعدد مدیریت ریسک بانکداری الکترونیک مشخص شده در این گزارش، در عین حال که نمایانگر رویه های مطلوب صنایع امروز است، نباید به عنوان رویه هایی از هر جهت کامل و قطعی، تلقی شوند، زیرا بسیاری از کنترل های ایمنی و سایر تکنیک های مدیریت ریسک به سرعت و همگام با تکنولوژیها و کاربردهای تجاری جدید دچار تکامل می شوند. مسائل فنی نیاز به آن دارند تا به تدریج و همزمان با تکامل تکنولوژی هم توسط بانکها و هم نهادهای تعیین استاندارد، حل و فصل شوند. علاوه بر آن، از آنجا که صنعت، به حل مسایل فنی بانکداری الکترونیک از جمله چالش های ایمنی آن اهتمام می ورزد، احتمالاً ابداعات و راه حل های متنوع موثر و مقرون به صرفه ای مربوط به مدیریت ریسک ظهور پیدا خواهند کرد. این راه حل ها، احتمالاً مسایل مربوط به این حقیقت را شامل می شوند که بانکها در اندازه، پیچیدگی و فرهنگ مدیریت ریسک با یکدیگر فرق می کنند و اینکه مراجع قضایی چارچوبهای قانونی و مقرراتی متفاوتی با یکدیگر دارند. به همین دلیل، کمیته اعتقاد ندارد که یک روش یکسان و تک اندازه

مدیریت ریسک بانکداری الکترونیک مناسب است. از همین رو توصیه می‌کند تا رویه‌ها و استانداردهای خوب به منظور فائق آمدن بر ابعاد ریسکی اضافه ناشی از کانال تحویل بانکداری الکترونیک، با یکدیگر مبادله شوند. انتظار می‌رود، همگام با این نسخه نظارتی، اصول مدیریت ریسک و رویه‌های مناسبی که در این گزارش به آنها اشاره رفته، بتوانند به عنوان ابزارهایی در خدمت ناظران ملی، مورد استفاده قرار گرفته تا به مورد اجرا گذاشته شوند و مطابق با نیازهای ملی ویژه در جائیکه لازم باشد، انعکاس یابند تا بدینوسیله به انجام فعالیت‌ها و عملیات بانکداری الکترونیک امن و بی‌عیب و نقص کمک کند. کمیته تشخیص می‌دهد که وضعیت ریسک هر بانک با دیگری متفاوت است و از همین رو نیاز به یک روش کاهش ریسک متناسب با مقیاس عملیات بانکداری الکترونیک همان بانک دارد، ضمن آنکه مادیت ریسک‌های موجود و علاقمندی و توانایی آن نهاد در مدیریت این ریسک‌ها هم اهمیت پیدا می‌کند. اختلافات فوق، نشان از این نکته دارد که قصد آن بوده تا اصول مدیریت ریسک ارائه شده در این گزارش از قابلیت انعطاف کافی برای اجرا بوسیله تمام نهادهای مربوط، در همه مراجع قضایی، را دارا باشد. ناظران ملی، مادیت ریسک‌های مرتبط با فعالیت‌های بانکداری الکترونیک را در یک بانک خاص مورد ارزیابی قرار می‌دهند تا در یابند آیا به اندازه کافی اصول مدیریت ریسک مربوط به بانکداری الکترونیک در چارچوب مدیریت ریسک رعایت شده است.

اصول مدیریت ریسک برای بانکداری الکترونیک: اصول مدیریت ریسک مربوط به بانکداری الکترونیک شناسایی شده در این گزارش در سه زمینه موضوعی وسیع قرار می‌گیرد که اغلب با یکدیگر هم پوشانی دارند. البته این اصول بوسیله نظم ترجیحی یا اهمیت، وزن داده نمی‌شوند، زیرا چنین وزنی به مرور زمان تغییر پیدا می‌کند. از همین رو ترجیح داده می‌شود تا بی‌طرف ماند و از چنین الویت بندی اجتناب کرد.

الف - مراقبت مدیریت و هیأت مدیره (اصول ۳ تا ۱۰): ۱- مراقبت موثر مدیریت در فعالیت‌های مربوط به بانکداری الکترونیک ۲- ایجاد یک فرآیند جامع کنترل ایمنی ۳- برخورداری از یک نظارت مدیریت و پشتکار دقیق و جامع در روابط با منابع بیرونی و سایر وابستگی‌ها به شخص ثالث

ب - کنترل‌های ایمنی (اصول ۱۰ تا ۱۰): ۴- احراز هویت مشتریان بانکهای الکترونیک ۵- پذیرش مسئولیت حسابدهی برای معاملات بانکداری الکترونیک ۶- تدابیر مناسب برای اطمینان از تفکیک وظایف ۷- ایجاد کنترل‌های مناسب برای صدور مجوز درون نظامهای بانکداری الکترونیک، پایگاههای داده‌ها و کاربری‌ها ۸- یکپارچگی داده‌ها در معاملات، سوابق و اطلاعات بانکداری الکترونیک ۹- انجام حسابرسی‌های روشن از معاملات در بانکداری الکترونیک ۱۰- محرمانه بودن اطلاعات کلیدی بانک.

ج - مدیریت ریسک شهری و قانونی (اصول ۱۱ تا ۱۴): ۱۱- افشای مناسب خدمات بانکداری الکترونیک ۱۲- حفظ حریم خصوصی اطلاعات مشتریان ۱۳- ظرفیت سازی، تداوم سبک و کار و نیز برنامه ریزی اضطراری برای اطمینان از در دسترس بودن سیستم‌ها و خدمات بانکداری الکترونیک ۱۴- برنامه ریزی پاسخ به حوادث

الف - مراقبت مدیریت و هیأت مدیره (اصول ۳ تا ۱۰)

هیأت مدیره و مدیران ارشد مسئول تدوین استراتژی تجاری بانکداری هستند، یک تصمیم استراتژیک روشن در این زمینه لازم است به این منظور اتخاذ شود که آیا هیأت مدیره تمایل دارد تا بانک خدمات معاملات بانکداری الکترونیک را قبل از شروع، ارائه دهد یا خیر؟ به طور خاص هیأت مدیره باید اطمینان حاصل کند که آیا برنامه‌های بانکداری الکترونیک به روشنی با اهداف استراتژیک بنگاه درهم آمیخته است؟ و آیا یک تحلیل ریسک از فعالیت‌های بانکداری الکترونیک به عمل آمده و نیز آیا فرآیندهای مناسبی برای کاهش ریسک‌های مشخص در نظر گرفته شده است؟ همچنین هیأت مدیره و مدیران ارشد باید مطالعات مستمری به منظور ارزیابی نتایج فعالیت‌های بانکداری الکترونیک در برابر برنامه‌ها و اهداف تجاری مؤسسه متبوع خود، داشته

باشند. علاوه بر این، آنها باید اطمینان حاصل کنند که ابعاد ریسک ایمنی و عملیاتی استراتژیهای تجاری بانکداری الکترونیک آن نهاد، به نحو مناسبی مورد ملاحظه و توجه قرار گرفته‌اند. در اختیار نهادن خدمات مالی از طریق اینترنت به نحو چشمگیری ریسک های بانکداری سنتی را اصلاح یا حتی افزایش میدهد (به عنوان مثال از لحاظ ریسکهای استراتژیک، شهرت، عملیات، اعتبار و نقدینگی) از همین رو لازم است گامهایی به منظور اطمینان از این امر برداشته شود که فرآیندهای موجود مدیریت ریسک از قبیل فرآیندهای کنترل امنیت، پشت کار جدی و فرآیندهای مراقبتی برای روابط با منابع بیرونی به نحو درستی مورد ارزیابی قرار بگیرند و به منظور جای دادن خدمات بانکداری الکترونیک بهینه شوند.

اصل یک - هیأت مدیره و مدیریت ارشد بایستی مراقبت مدیریتی موثری روی ریسک های مرتبط با فعالیت های بانکداری الکترونیک از قبیل تعیبه سیاستهای حساسی و کنترلی ویژه‌ای به منظور فائق آمدن بر این ریسک‌ها داشته‌باشد. مراقبت مدیریتی دقیق برای در نظر گرفتن کنترل های داخلی موثر روی فعالیت های مربوط به بانکداری الکترونیک ضروری است. علاوه بر ویژگیهای خاص کانال توزیع اینترنت که در مقدمه روی آن بحث شد، جنبه های زیر از بانکداری ممکن است چالش های قابل توجه ای را نسبت به فرآیندهای مدیریت ریسک سنتی ایجاد کند.

□ عناصر اصلی کانال تحویل (اینترنت و تکنولوژیهای مرتبط با آن) خارج از کنترل مستقیم بانک هستند. □ اینترنت ارائه خدمات را در چند مرجع قضایی ملی از جمله آنهایی را که در محدوده های فیزیکی خدمت رسانی بانک قرار ندارند، تسهیل می کند. □ پیچیدگی موضوعات مرتبط با بانکداری الکترونیک زبان و مفاهیم بسیار فنی را شامل می شوند که در بسیاری لوقات خارج از تجربه سنتی هیأت مدیره و مدیریت ارشد است. □ به لحاظ ویژگی منحصر بفرد بانکداری الکترونیک، پروژه های جدید این رشته که ممکن است تأثیر مهمی روی وضعیت و استراتژی ریسک بانک داشته باشد، باید بوسیله هیأت مدیره و مدیریت ارشد مورد بررسی قرار گرفته و یک استراتژی مناسب بر مبنای تحلیل هزینه - فایده در نظر گرفته شود. □ بدون یک مطالعه استراتژیک به منظور ارزیابی مستمر کار، بانکها در معرض ریسک برآورد پائین هزینه و یا تخمین بیش از اندازه بازگشت پول ناشی از ابتکارات بانکداری الکترونیک قرار دارند. □ علاوه بر آن، هیأت مدیره و مدیریت ارشد باید اطمینان حاصل کنند که بانک مادامیکه دانش و تجربه فنی لازم را برای مراقبت موثر و کارآمد از مدیریت ریسک پیدا نکرده وارد فعالیت های بانکداری الکترونیک جدید نشود و یا تکنولوژی های جدید را در اختیار نگیرد. □ تجربه فنی مدیریت و پرسنل بایستی با ماهیت فنی و پیچیدگی کار برای بانکداری الکترونیک و تکنولوژیهای دربرگیرنده آن، متناسب باشد. □ در این زمینه، تجربه فنی کافی بدون توجه به آنکه سیستم ها و خدمات بانکداری الکترونیک در درون بانک مدیریت می شود یا اینکه مدیریت آن با منابع بیرونی و اشخاص ثالث است، ضرورت دارد. □ فرآیندهای مراقبت مدیریت ارشد باید پویا عمل کند تا اینکه بتواند به نحو موثری هنگام بروز مشکلات در سیستم های بانکداری الکترونیک یا نقض امنیتی از خود واکنش نشان دهند. □ ریسک شهری روبرو با ازدیاد مرتبط با الزامات بانکداری الکترونیک، لزوم کنترل دقیق قابلیت عمل متقابل سیستم ها و رضایت مشتری همراه با گزارش مطلوب حوادث به هیأت مدیره و مدیریت ارشد را مطرح می کند. □ سرانجام هیأت مدیره و مدیریت ارشد باید اطمینان پیدا کنند که فرآیندهای مدیریت ریسک برای فعالیت های بانکداری الکترونیک در چارچوب مدیریت ریسک کلی بانک قرار دارد. □ سیاستها و فرآیندهای موجود مدیریت ریسک باید مورد ارزیابی قرار گیرد تا اطمینان حاصل شود که آیا آنها به اندازه کافی نیرومند هستند تا بتوانند ریسک های جدید ناشی از فعالیت های بانکداری الکترونیک برنامه ریزی شده یا جاری را پوشش دهند. □ در زمینه مدیریت ریسک باید گام های بیشتری به شرح زیر توسط هیأت مدیره و مدیریت ارشد برداشته شود: □ تعریف روشنی از اشتیاق ریسک سازمان در رابطه با بانکداری الکترونیک به عمل آید. □ تعیین نمایندگان کلیدی و مکانیزم های گزارشگری از جمله روش های بالا- بردن ایمنی برای حوادثی که ایمنی، عملکرد بدون عیب و نقص یا شهرت بانک را تحت تأثیر قرار می دهد (مسایلی از قبیل

نفوذ به شبکه، نقض امنیت کارکنان و هرگونه سوءاستفاده از تسهیلات کامپیوتری) □ باید هرگونه فاکتورهای منحصر بفرد ریسک مرتبط، به منظور اطمینان از اینکه امنیت، یکپارچگی و دسترسی به تولیدات و خدمات بانکداری الکترونیک حفظ می‌شود، مورد توجه قرار گیرد در این زمینه برای طرفهای ثالث که به عنوان منابع بیرونی، سیستم‌ها و کاربری‌های کلیدی را در اختیار دارند نیز باید اقدام مشابهی انجام شود. □ قبل از آنکه بانک فعالیت‌های بانکداری الکترونیک فرامرزی خود را انجام دهد، باید از اینکه پشتکار لازم برای آن کار وجود دارد و تحلیل ریسک نیز به عمل آمده، اطمینان حاصل شود. اینترنت تا حد زیادی توانایی بانک را برای توزیع تولیدات و خدمات در تقریباً یک قلمرو جغرافیایی نامحدود و رای مرزها تسهیل می‌کند. چنین فعالیت‌های بانکداری الکترونیک فرامرزی، بویژه چنانچه بدون حضور فیزیکی با مجوز در کشور میزبان باشد، به طور بالقوه ای بانک را در معرض تهدید ناشی از ریسک‌های حقوقی، مقرراتی و کشوری قرار می‌دهد، زیرا تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بین حوزه‌های قضایی گوناگون در این رابطه وجود دارد. بستگی به دامنه و پیچیدگی فعالیت‌های مربوط به بانکداری الکترونیک، دامنه و ساختار برنامه‌های ریسک مدیریتی در سازمانهای بانکی گوناگون با یکدیگر متفاوت است. منابعی که به این منظور به کار می‌آید تا بر خدمات بانکداری الکترونیک نظارت کند، بایستی با عملکرد حیاتی و عملیاتی سیستم‌ها، قابلیت آسیب پذیری شبکه‌ها و حساسیت اطلاعات ارسالی، سازگار باشد.

اصل ۲- هیأت مدیره و مدیریت ارشد بایستی جنبه‌های کلیدی فرآیند کنترل ایمنی بانک را مورد بررسی قرار دهند و آنها را تصویب کنند. هیأت مدیره و مدیریت ارشد بایستی بر توسعه و حفظ تداوم یک زیرساخت کنترل ایمنی که به نحو مناسبی سیستم‌های بانکداری الکترونیک و اطلاعات ناشی از خطرات درونی و بیرونی را حفاظت می‌کند، نظارت داشته باشد. این امر باید ایجاد کنترل‌های مناسب برای مجوز دسترسی فیزیکی و منطقی و امنیت کافی زیر ساختی به منظور حفظ مناسب مرزها و محدودیت‌ها در حوزه فعالیت‌های داخلی و بیرونی کاربر را شامل شود. حفاظت از سرمایه‌های بانک یکی از وظایف مربوط به امانت داری هیأت مدیره و یکی از مسئولیت‌های اساسی مدیریت ارشد است. با اینحال، این امر بخاطر ریسک‌های پیچیده امنیتی مرتبط با عملیات درون شبکه عمومی اینترنت و به کارگیری تکنولوژیهای ابداعی، یک وظیفه چالش برانگیز در محیط به سرعت روبه تکامل بانکداری الکترونیک به شمار می‌رود. به منظور اطمینان از کنترل‌های امنیتی مناسب برای فعالیت‌های مربوط به بانکداری الکترونیک، هیأت مدیره و مدیریت ارشد نیاز دارد تا اطمینان حاصل کند که آیا بانک از یک فرآیند امنیتی جامع برخوردار است؟ این فرآیند شامل سیاستها و روشهایی می‌شود که کلیه امنیت بالقوه موارد مربوط به خارجی و درونی را از لحاظ جلوگیری از وقوع و پاسخ به حادثه، در برمی‌گیرد. عناصر اصلی یک فرآیند موثر ایمنی در بانکداری الکترونیک عبارتند از: □ مشخص کردن مسئولیت روشن برای مدیریت و پرسنل در نظارت بر تعیین و حفظ سیاستهای امنیتی شرکت □ برقراری کنترل‌های فیزیکی کافی به منظور اجتناب از دسترسی غیرمجاز به محیط کامپیوتری □ در نظر گرفتن کنترل‌های منطقی کافی به منظور اجتناب از دسترسی غیرمجاز داخلی و خارجی به کاربری‌ها و پایگاههای اطلاعات بانکداری الکترونیک □ بررسی منظم و آزمایش کنترل‌های ایمنی از جمله ردگیری مداوم پیشرفتهای ایمنی این صنعت و ارتقاء سطح نرم افزارهای مناسب، بسته‌های ارائه خدمات و نیز سایر تدابیر لازم. □ ضمیمه یک دربرگیرنده شماری تدابیر مناسب اضافی به منظور اطمینان از امنیت بانکداری الکترونیک است.

اصل ۳- هیأت مدیره و مدیریت ارشد باید یک فرآیند نظارتی و پشت کار منظم و مداوم برای مدیریت روابط با منابع بیرونی بانک و یا سایر وابستگی‌ها به اشخاص ثالث که بانکداری الکترونیک را پشتیبانی می‌کنند، داشته باشند. اتکا روبه افزون به شرکا و ارائه دهندگان ثالث خدمات برای انجام کارهای حیاتی بانکداری الکترونیک کنترل مستقیم مدیریت بانک را کاهش می‌دهد. از همین رو اتخاذ فرآیند جامعی برای مدیریت ریسک‌های مرتبط با منابع بیرونی و سایر وابستگی‌ها به اشخاص ثالث ضرورت دارد. این فرآیند باید فعالیت‌های طرفهای ثالث از جمله شرکا و ارائه دهندگان بیرونی خدمات و حتی پیمانکاران فرعی را که

ممکن است تأثیرمادی روی بانک داشته باشد، در برگیرد. از لحاظ تاریخی، منابع بیرونی اکثراً محدود به یک ارائه دهنده واحد خدمات برای یک کار معین می‌شود ولی در سالهای اخیر روابط منابع بیرونی بانکها از لحاظ مقیاس و پیچیدگی بخاطر پیشرفتهای تکنولوژی اطلاعات و ظهور بانکداری الکترونیک، زیاد شده است. به این پیچیدگی باید این حقیقت را نیز افزود که ارائه دهندگان منابع بیرونی خدمات بانکداری الکترونیک، ممکن است به صورت پیمانکاری انجام برخی از کارها را به پیمانکاران فرعی دیگری واگذار کنند یا اینکه این فعالیت ها در یک کشور خارجی انجام شود. علاوه بر آن کاربری ها و خدمات بانکداری الکترونیک از لحاظ تکنولوژیک بسیار پیشرفته، به لحاظ اهمیت استراتژیک، رشد کرده است. برخی زمینه های ثابت بانکداری الکترونیک به شمار اندکی فروشندگان متخصص به عنوان اشخاص و ارائه دهندگان ثالث خدمات، متکی است. این پیشرفتهای تمرکز بیشتری روی ریسک هایی به وجود می آورد که هم از نقطه نظر یک صنعت و هم به لحاظ سیستمیک، باعث جلب توجه می شود. همه این فاکتورها نیاز به یک ارزیابی جامع و مداوم را از روابط با منابع بیرونی و سایر نقاط اتکاء، از جمله آنهاییکه مرتبط با معضلات وضعیت ریسک بانک هستند و نیز توانائیهای نظارتی مدیریت ریسک، مطرح می کند. نظارت هیأت مدیره و مدیریت ارشد بر روابط با منابع بیرونی و اشخاص ثالث به طور خاص باید روی اطمینان از موارد زیر باشد: □ مطالعه و پیگیری مناسبی برای بررسی توانمندی و قدرت زیست مالی هرگونه ارائه کننده ثالث خدمات یا شریک قبل از آنکه وارد مرحله عقد قرارداد برای ارائه خدمات بانکداری الکترونیک شود، انجام گیرد. □ در قرار داد، قابلیت حسابدهی همه طرفهای منابع بیرونی یا شراکتی بایستی به روشنی تعریف شود. به عنوان مثال باید تعریف روشنی از مسئولیت های مربوط به ارائه اطلاعات و دریافت اطلاعات از ارائه کننده خدمات به عمل آید. □ تمام سیستم های عمل بانکداری الکترونیک مرتبط با منابع بیرونی تابع مدیریت ریسک و سیاستهای امنیتی و نیز حفظ حریم خصوصی افراد، طبق استانداردهای خود بانک هستند. □ بایستی از عملیات منابع بیرونی، حسابرسی های مقطعی داخلی یا خارجی انجام گیرد. این حسابرسی دست کم باید در همان محدوده و اندازه ای باشد که گویی انجام عملیات توسط خود بانک صورت می گرفت. □ طرحهای مناسب برای هر نوع حادثه محتمل الوقوع برای فعالیت های بانکداری الکترونیک مرتبط با منابع بیرونی باید وجود داشته باشد. ضمیمه ۲ شماری از رویه های مناسب دیگر برای مدیریت سیستم های بانکداری الکترونیک مرتبط با منابع بیرونی و وابستگی به اشخاص ثالث را فهرست می کند. □ ب- کنترل های ایمنی (اصول ۴ تا ۱۰) درحالیکه هیأت مدیره مسئولیت دارد تا اطمینان حاصل کند که فرآیندهای کنترل ایمنی مناسب برای بانکداری الکترونیک وجود دارد، ماهیت این فرآیندها به توجه مدیریتی ویژه ای نیاز دارد، زیرا چالش های ایمنی پیشرفته ای را در بانکداری الکترونیک به وجود می آورند. مسایل زیر به ویژه در این زمینه حائز اهمیت هستند: □ احراز □ عدم پذیرش □ یکپارچگی داده ها و معاملات □ جداسازی وظایف □ کنترل های مجوز □ نگهداری سرنخ حسابرسی □ محرمانه نگه داشتن اطلاعات کلیدی بانک

اصل ۴- بانک ها باید تدابیر مناسب را به منظور احراز هویت و تأیید مشتریهایی که با آنها در اینترنت کار می کنند، اتخاذ کنند. در بانکداری ضروری است که درخواست یک ارتباط یا دسترسی به معاملات از لحاظ قانونی بودن تأیید شود. بنابراین بانکها باید شیوه های قابل اطمینانی را برای تأیید هویت و مجوز دهی به مشتریان جدید و نیز تصدیق هویت و تأیید مشتریان قبلی که قصد شروع عملیات الکترونیک را دارند، مورد استفاده قرار دهند. احراز هویت مشتریان هنگام ریشه یابی حساب در کاهش ریسک سرقت هویت و به کارگیری حساب جعلی و پول شویی مهم است. کوتاهی بانک به لحاظ عدم توجه کافی به احراز هویت مشتریان منجر به آن می شود تا اشخاص غیرمجاز به حسابهای بانکهای الکترونیک دسترسی پیدا کنند و بدین ترتیب خسارت مالی و تخریب شهرت بانک را به وجود آورد. البته این امر می تواند از طریق تقلب و افشای اطلاعات محرمانه یا سهواً در قالب یک فعالیت مجرمانه صورت گرفته باشد. احراز هویت و صدور مجوز برای دسترسی به سیستم های بانکی در یک محیط شبکه ای کاملاً باز و

الکترونیک کار مشکلی است. اعطای مجوز قانونی به کاربر می‌تواند از طریق تکنیک‌های گوناگونی که اصطلاحاً "SPOOFING" نام دارد، تحریف شود. نفوذگران نیز می‌توانند از طریق استفاده از دستگاههای "SNIFFER" روی ارتباط های قانونی تأثیر گذاشته تا فعالیت های مجرمانه یا مودیانه انجام دهند. فرآیندهای کنترل احراز هویت علاوه بر این می‌توانند از طریق ایجاد تغییر در پایگاههای اطلاعاتی احراز هویت، دچار آسیب شوند. بنابراین حیاتی است که بانکها برای شناسایی مناسب و اطمینان از اینکه احراز هویت و مجوزها به هرفرد، عامل یا سیستم به درستی و از طریق به کارگیری روشهای منحصر بفردی صورت می‌گیرد که عملی هستند و سیستم‌ها یا افراد غیرمجاز را در برنمی‌گیرند، سیاست‌ها و رویه‌های رسمی اتخاذ کنند. بانکها می‌توانند روشهای متفاوتی را از جمله PIN (شماره شناسایی شخصی)، رمزواژه، کارتهای هوشمند، سیستم‌های زیست‌سنجی (BIOMETRICS) و گواهینامه‌های دیجیتال، برای احراز هویت، در نظر بگیرند. این روش‌ها می‌توانند یا یک عامل مجرد و یا چند عامل باشند (هم استفاده از رمزواژه و هم تکنولوژی زیست‌سنجی برای احراز هویت). در کل استفاده از روش احراز چندعاملی، اطمینان قویتری به وجود می‌آورد. بانک باید تعیین کند کدام روش احراز را برپایه ارزیابی مدیریت از خطری که در کل یا بوسیله عناصر فرعی متوجه نظام بانکداری الکترونیک است، مورد استفاده قرار دهد. تحلیل خطر باید تواناییهای عملیاتی نظام بانکداری الکترونیک را (از قبیل انتقال وجه، پرداخت صورت حساب، ریشه یابی وام، تجمع حساب و غیره) از لحاظ حساسیت و ارزش اطلاعات ذخیره شده، همراه با راحتی مشتریان و استفاده از روش احراز هویت، مورد ارزیابی قرار دهد. فرآیندهای قوی احراز و شناسایی مشتری، به ویژه در مورد بانکداری الکترونیک فرامرزی اهمیت دارد و این اهمیت ناشی از مشکلات اضافی است که می‌تواند هنگام انجام تجارت الکترونیک با مشتریان فرامرزی رخ دهد، ضمن آنکه در این زمینه، خطر بیشتر تجسم سازی هویت و مشکل بیشتر در انجام بررسی های اعتباری موثر روی مشتریان بالقوه هم اهمیت دارد. توصیه می‌شود به همان نحو که شیوه‌های احراز هویت تکامل پیدا می‌کنند بانکها نیز به بررسی و اتخاذ رویه درست صنعتی در این زمینه بپردازند تا مطمئن شوند که: □ پایگاههای اطلاعات مربوط به احراز هویت که به حسابهای مشتری بانکداری الکترونیک دسترسی پیدا می‌کنند یا سیستم‌های حساس، از لحاظ آسیب‌پذیری و فساد محافظت می‌شوند. □ هرگونه آسیب‌پذیری در این زمینه، باید قابل کشف باشد و سرخ‌های حسابرسی بایستی به عنوان مستندات چنین تلاشهایی وجود داشته باشند. □ هرگونه اضافه، حذف یا تغییر در پایگاه اطلاعات احراز هویت فرد، عامل یا سیستم بایستی کاملاً با مجوز مراجع صلاحیت دار باشد. □ باید تدابیر لازم به منظور کنترل روابط در سیستم بانکداری الکترونیک وجود داشته باشد. این کنترل باید به گونه ای باشد تا اشخاص ثالث ناشناخته نتوانند مشتریان شناخته شده را جایجا کنند. □ نشست‌های مربوط به احراز هویت بانکداری الکترونیک بایستی در تمام مدت برگزاری جلسه کاملاً محرمانه باشد. در صورت وقوع هرگونه رخه امنیتی، نشست‌ها باید احراز هویت مجدد کنند. اصل هـ-۶ بانکها باید روش‌هایی را برای احراز هویت معاملات مورد استفاده قرار دهند که باعث ارتقاء پذیرش (NON-REPUDIATION) می‌شود و قابلیت حسابرسی برای معاملات بانکداری الکترونیک به وجود می‌آورد.

پذیرش در برگیرنده اثبات بیشتر منشأ یا تحویل اطلاعات الکترونیک به منظور حفاظت ارسال کننده در برابر تکذیب کاذب گیرنده اطلاعات برای دریافت آن اطلاعات است یا برای حفاظت از گیرنده در برابر تکذیب دروغین ارسال کننده، مبنی بر آن است که اطلاعات ارسال شده است. ریسک مربوط به عدم پذیرش معاملات هم اکنون به عنوان یک معضل در معاملات متعارف از قبیل کارتهای اعتباری یا معاملات اوراق بهادار مطرح است. هرچند بانکداری الکترونیک، این ریسک را به واسطه مشکلات مربوط به احراز مثبت هویت‌ها و صلاحیت‌های طرفهایی که عملیات را شروع می‌کنند، عوامل بالقوه ای که سعی در تغییر یا ربایش معاملات الکترونیک دارند و نیز کاربران بالقوه بانکداری الکترونیک که ادعا می‌کنند، عملیات به شیوه تقلب آمیزی تغییر داده شده است، افزایش می‌دهد. به منظور غلبه بر این نگرانیهای افزایش یافته، بانکها نیاز دارند تا تلاشهای معقولی را متناسب با مادیت و نوع

معاملات بانکداری الکترونیک به منظور اطمینان از موارد زیر به عمل آورند: سیستم بانکداری الکترونیک به گونه‌ای طراحی شود تا هرگونه احتمالی مبنی بر آنکه کاربران مجاز معاملات ناخواسته‌ای را شروع کنند، کاهش و یا اینکه مشتریان را کاملاً متوجه خطرات مرتبط با هرگونه عملیاتی کنید که آنها انجام می‌دهند. تمامی طرح‌های مرتبط با این عملیات باید از لحاظ مثبت بودن، احراز هویت شوند و کنترل روی کانال احراز هویت شده به عمل آید. اطلاعات عملیات مالی از لحاظ تغییر محافظت و هرگونه تغییری قابل کشف باشد. بانکها تکنیک‌های گوناگونی را به کار می‌گیرند تا به ایجاد پذیرش کمک و اطمینان به وجود آورد که محرمانه بودن و یکپارچگی عملیات بانکداری الکترونیک با استفاده از گواهینامه‌های دیجیتالی در زیر ساخت‌های کلیدی عمومی صورت می‌گیرد. بانک ممکن است گواهینامه دیجیتالی برای یک مشتری یا طرف مقابل به منظور شناسایی و احراز هویت منحصر بفرد آنها صادر کند و به این وسیله باعث کاهش عدم پذیرش عملیات شود. گرچه در برخی کشورها حقوق مشتری برای رد یک ادعا در مورد معاملات، تحت چارچوب قانونی خاصی قرار می‌گیرد ولی قوانینی در محاکم ملی معین تصویب شده تا امضاءهای دیجیتالی از لحاظ قانونی، لازم الاجرا شوند. احتمال می‌رود، پذیرش قانونی گسترده تر این تکنیک‌ها در سطح جهان با تکامل تکنولوژی روبه افزایش رود. اصل ۶- بانکها باید اطمینان حاصل کنند که تدابیر مناسب برای ارتقاء جداسازی کافی وظایف نظام‌های بانکداری الکترونیک، پایگاه‌های داده‌ها و کاربری‌ها وجود دارد. جداسازی وظایف یک تدبیر پایه کنترل داخلی است که به منظور کاهش ریسک تقلب در سیستم‌ها و فرآیندهای عملیاتی و اطمینان نسبت به آنکه دارایی‌های شرکت و معاملات به درستی مجوز داده، ثبت و حفاظت می‌شوند، طراحی شده است. جداسازی وظایف، امری حیاتی برای اطمینان از صحت و یکپارچگی داده‌هاست و به منظور جلوگیری از اعمال جعل و تقلب بوسیله یک شخص صورت می‌گیرد. چنانچه وظایف به اندازه کافی از یکدیگر تفکیک شده باشند، ارتکاب جعل فقط از طریق تبانی امکان پذیر خواهد بود. خدمات بانکداری الکترونیک نیاز به بهینه‌سازی راه‌هایی دارد که در آنها جداسازی وظایف انجام و حفظ شده باشد، زیرا عملیات در سیستم‌های الکترونیک در جایی صورت می‌گیرد که هویت‌ها می‌توانند نقابدار و جعل شوند. علاوه بر این، در کاربری‌های بانکداری الکترونیک، کارهای عملیاتی و معاملاتی در بسیاری اوقات بیشتر فرسوده و یکپارچه می‌شوند. از همین رو کنترل‌هایی که در شیوه سنتی برای جداسازی وظایف به کار می‌رود، به منظور اطمینان از اعمال سطح مناسبی از کنترل، باید مورد بررسی مجدد قرار گیرد. از آنجا که دسترسی به پایگاه‌های داده‌هایی که از لحاظ امنیتی ضعیف باشند به راحتی از طریق شبکه‌های داخلی یا خارجی امکان پذیر است، از همین رو روش‌های مجوز دهی و شناسایی بسیار دقیق، ایمن و بی‌عیب همراه با حفظ سرنخ‌های حسابرسی باید مورد تأکید باشد. رویه‌های متداول برای انجام و حفظ جداسازی وظایف در محیط بانکداری الکترونیک شامل موارد زیر است: □ طراحی فرآیندهای عملیات، معاملات و سیستم‌ها باید به گونه‌ای باشد تا اطمینان حاصل شود که هیچ کارمند یا ارائه دهنده بیرونی خدمات نتواند به تنهایی داخل شود، کسب مجوز کند و یک معامله را به انجام برساند. □ جداسازی باید برای داده‌هایی شروع شود که استاتیک باشند. (از جمله محتوای صفحه (WEB) و آنهاییکه مسئولیت تأیید یکپارچگی را دارند. □ سیستم‌های بانکداری الکترونیک باید از لحاظ آنکه وظایف جداسازی نمیتواند میان بر (BYPASS) شود، مورد آزمایش قرار گیرند. □ جداسازی وظایف باید، هم برای آنهایی که سیستم‌های بانکداری الکترونیک را اعمال و هم آنهایی که این سیستم‌ها را مدیریت می‌کنند، برقرار شود.

اصل ۷- بانکها باید اطمینان پیدا کنند که کنترل‌های مناسب مجوز دهی و امتیازات دسترسی برای سیستم‌ها، پایگاه‌های داده‌ها و کاربری‌های بانکداری الکترونیک وجود دارند.

به منظور انجام وظایف جداسازی، بانکها احتیاج به آن دارند تا دسترسی به مجوز دهی را کاملاً به‌طور دقیق کنترل کنند. عدم اعمال کنترل‌های کافی مجوز دهی می‌تواند شرایطی فراهم آورد تا افراد به تغییر مجوز خود بپردازند و با نفوذ به فرآیند جداسازی سیستم

ها، به پایگاه‌داده‌ها و کاربریهایی که مجوز آنها را ندارند، دسترسی پیدا کنند. در سیستم‌های بانکداری الکترونیک، حقوق دسترسی و مجوز دهی می‌تواند یا به صورت تمرکز یافته و یا به روش توزیعی در درون پایگاه داده‌های بانک ذخیره شود، از همین رو حفاظت از این پایگاه‌ها به لحاظ رخنه یا فساد در راستای کنترل دقیق مجوز دهی ضروری است. ضمیمه ۳، شماری رویه‌های مناسب را به منظور کمک به اعمال کنترل مناسب روی مجوز دهی و حقوق دسترسی به سیستم‌ها و نیز کاربری‌های بانکداری الکترونیک، مشخص می‌کند. اصل ۸-بانک‌ها باید اطمینان پیدا کنند که تدابیر مناسب برای حفاظت از یکپارچگی داده‌ها در معاملات، سوابق و اطلاعات بانکداری الکترونیک وجود دارد. یکپارچگی اطلاعات به این امر اطلاق می‌شود که اطلاعات در حال عبور یا به صورت ذخیره، بدون مجوز تغییری پیدا نکنند. عدم حفظ یکپارچگی اطلاعات معاملات و سوابق می‌تواند بانک را در معرض خسارت‌های مالی و نیز ریسک‌های قابل توجه حقوقی و شهرتی قرار دهد. ماهیت اینترنت از لحاظ فرآیندهایی که در بانکداری الکترونیک مستقیماً عمل می‌کنند به گونه‌ای است که برنامه ریزی برای تشخیص اشتباهات یا فعالیت‌های اخلاص گرانه را از لحاظ کشف در مراحل اولیه کار مشکل می‌کند. بنابراین مهم است که بانک‌ها فرآیندهای مستقیم را به گونه‌ای به مرحله اجرا بگذارند که از یکپارچگی و بی‌عیب و نقص بودن داده‌ها، اطمینان حاصل شود. چون بانکداری الکترونیک از طریق شبکه‌های عمومی انتقال پیدا می‌کند، از همین رو عملیات در معرض تهدید مضاعفی از فساد اطلاعاتی، سوء استفاده و نیز ایجاد اختلال در سوابق قرار می‌گیرد. بنابراین بانک‌ها باید اطمینان حاصل کنند که تدابیر کافی به منظور اطمینان از درستی کار آنها، کامل بودن قابلیت اطمینان عملیات بانکداری الکترونیک، سوابق و اطلاعات، در نظر گرفته شده است. در مورد اطلاعات، این حصول اطمینان باید نسبت به اطلاعاتی باشد که خواه روی اینترنت ارسال شده است، خواه در پایگاه داده‌های داخل بانک وجود دارد و یا از سوی یک ارائه‌کننده ثالث خدمات به نمایندگی از سوی بانک مخابره یا ذخیره شده است. رویه‌های معمول مورد استفاده برای حفظ یکپارچگی اطلاعات در محیط بانکداری الکترونیک، شامل موارد زیر هستند: □ معاملات بانکداری الکترونیک باید به گونه‌ای انجام شوند که کاملاً آنها را در برابر آسیب پذیری در سراسر و کل فرآیند، مقاوم کند. □ سوابق بانکداری الکترونیک باید به گونه‌ای ذخیره و قابلیت دسترسی به آنها ایجاد و بهینه شود که آنها را در برابر آسیب‌پذیری کاملاً مقاوم کند. □ عملیات بانکداری الکترونیک و فرآیندهای کنترل سوابق باید به گونه‌ای طراحی شوند که آنها را از لحاظ ایجاد مانع بر سر راه کشف تغییرات غیر مجاز، غیر ممکن کند. تغییر کافی در سیاست‌های کنترل از جمله روش‌های بررسی و آزمایش باید در محل وجود داشته باشد تا بتواند بانکداری الکترونیک را در برابر هر گونه تغییرات که ممکن است به اشتباه یا غیر عمد در کنترل‌ها یا قابلیت اطمینان داده‌ها رخ دهد، محافظت کند. □ هر گونه رخنه در سوابق بانکداری الکترونیک باید بوسیله فرآیندهای عملیاتی، رسیدگی و حفظ سوابق کشف شود.

اصل ۹- بانک‌ها باید اطمینان پیدا کنند که سرخ‌های حسابرسی شفاف برای همه عملیات بانکداری الکترونیک، وجود دارد. در ارائه خدمات مالی روی اینترنت برای بانک‌ها مشکل است تا کنترل‌های داخلی را اعمال و سرخ‌های حسابرسی روشنی را حفظ کنند، چنانچه این تدابیر با محیط بانکداری الکترونیک تطبیق داده نشود. بانک‌ها نه تنها برای اطمینان از کنترل مؤثر داخلی در محیط‌های کاملاً خودکار با چالش مواجه هستند، بلکه این کنترل‌ها می‌تواند به ویژه برای تمام وقایع و کاربریهای حیاتی بانکداری الکترونیک، حسابرسی شوند. محیط کنترل داخلی برای یک بانک چنانچه نتواند سرخ‌های حسابرسی روشنی را برای فعالیت‌های بانکداری الکترونیک حفظ کند، ممکن است ضعیف شود. این امر از آن روست که بیشتر اگر نه همه، سوابق و شواهد مربوط به پشتیبانی از معاملات بانکداری الکترونیک به صورت الکترونیک هستند. در تصمیم‌گیری روی این نکته که تا کجا این سرخ‌های حسابرسی را باید حفظ کرد، انواع معاملات زیر در بانکداری الکترونیک، باید ملاحظه شوند: □ گشایش، بهبود و مسدود کردن حساب مشتری □ هر گونه معامله‌ای که نتایج مالی داشته باشد. □ هر گونه اعطای مجوزی که به مشتری اجازه می‌دهد

دهد تا از محدوده خاصی بالاتر رود. □ هر گونه اعطای مجوز، بهبود یا لغو حقوق و امتیازات دسترسی به سیستم‌ها ضمیمه ۴-چند رویه مناسب را برای کمک به اطمینان از اینکه سرخ‌های حسابرسی روشنی برای عملیات بانکداری الکترونیک وجود داشته باشند، مشخص می‌کند.

اصل ۱۰- بانک‌ها باید تدابیر مناسب را به منظور حفظ محرمانه بودن اطلاعات کلیدی بانکداری الکترونیک اتخاذ کنند. این تدابیر باید با حساسیت اطلاعاتی که مخبره یا در پایگاه‌های اطلاعات ذخیره می‌شود، متناسب باشد.

محرمانه بودن به منظور اطمینان از این نکته است که اطلاعات کلیدی فقط برای بانک نگهداری می‌شوند و قابل ملاحظه یا استفاده توسط مراجع غیر مجاز نیست. سوء استفاده یا افشای غیر مجاز اطلاعات، بانک را در معرض هم ریسک حقوقی و هم ریسک شهرتی قرار می‌دهد. ظهور بانکداری الکترونیک، چالش‌های امنیتی اضافی را برای بانک‌ها به میان می‌آورد، زیرا این بحث را تقویت می‌کند که اطلاعات مخبره شده روی شبکه عمومی یا ذخیره شده در پایگاه اطلاعات ممکن است بوسیله اشخاص غیر مجاز قابل دسترسی باشد، یا اینکه به طریقی که مشتری در ارائه اطلاعات قصد نداشت تا همه بدانند، مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر آن، استفاده روزافزون ارائه‌کنندگان خدمات ممکن است اطلاعات کلیدی بانکی را در دسترس دیگران قرار دهد. برای رفع چالش‌های مربوط به حفظ محرمانه بودن اطلاعات کلیدی، بانک‌ها نیاز به آن دارند تا اطمینان حاصل کنند که: □ تمام اطلاعات و سوابق محرمانه فقط توسط افراد، عوامل یا سیستم‌هایی که صلاحیت و مجوز لازم را دارند، قابل دستیابی است. □ تمام اطلاعات محرمانه بانکی در وضع ایمنی نگهداری و در برابر رویت غیر مجاز یا دستکاری هنگام ارسال در شبکه‌های عمومی، خصوصی یا داخلی، حفاظت می‌شوند. □ استاندارد و کنترل‌های بانک‌ها برای استفاده از اطلاعات و حفاظت، بایستی هنگامی که اشخاص ثالث امکان دستیابی به داده‌ها از طریق روابط یا منابع بیرونی را دارند، کاملاً رعایت شود. □ تمام دستیابی‌ها به اطلاعات محرمانه قفل شوند و تلاش‌های مناسبی برای اطمینان از اینکه قفل‌های دستیابی در برابر رخنه مقاوم هستند، به عمل آید.

بیج-مدیریت ریسک حقوقی و شهرتی (اصول ۱۱ تا ۱۴) حفاظت خاص مشتری و مقررات و قوانین مربوط به حریم آنها در یک مرجع قضایی با مرجع قضایی دیگر فرق می‌کند. با این حال بانک‌ها در کل مسئولیت روشنی دارند تا راحتی لازم را در مورد افشای اطلاعات، حفاظت از اطلاعات خصوصی مشتری و ارائه اطلاعات بازرگانی، برای مشتریان خود فراهم آورند. این راحتی باید متناسب با سطحی باشد که آنها می‌داشتند، چنانچه داد و ستد معاملاتی آنها از طریق کانال‌های توزیع بانکی سنتی انجام می‌شد.

اصل ۱۱- بانک‌ها باید اطمینان حاصل کنند که اطلاعات کافی در وب سایت آنها وجود دارد تا به مشتریان بالقوه اجازه دهد تا یک نتیجه‌گیری آگاهانه درباره وضعیت شناسایی و مقررات بانک قبل از آنکه وارد مراحل بانکداری الکترونیک شوند، بدست آورند. به منظور کاهش ریسک‌های قانونی و شهرت مرتبط با فعالیت‌های بانکداری الکترونیک که هم در داخل و هم در ورای مرزها صورت می‌گیرد، بانک‌ها باید اطمینان حاصل کنند که اطلاعات کافی در وب سایت آنها وجود دارد تا به مشتریان اجازه دهد قبل از وارد شدن به عملیات بانکداری الکترونیک به نتیجه‌گیری آگاهانه‌تر برسند. مثالهایی از این اطلاعات که در کل، وضعیت شناسایی و هویت بانک را در بر می‌گیرد، از این قرار است: □ نام بانک و محل اداره مرکزی آن (ادارات محلی در صورتی که نیاز باشد) □ شناسه مرجع یا مراجع نظارتی اصلی بانک، مسئول نظارت در اداره مرکزی بانک □ چطور مشتریان می‌توانند با مرکز خدمات مشتری بانک در مورد مشکلات مربوط به ارائه خدمات، شکایات و سوء استفاده‌های مشکوک از حساب‌ها و غیره تماس بگیرند. □ چطور مشتریها می‌توانند به برنامه طرح شکایت مشتری (OMBUDSMAN) دسترسی داشته و آن را مورد استفاده قرار دهند. □ چطور مشتریان می‌توانند به اطلاعات مربوط به درخواست غرامت ملی، پوشش بیمه ودیعه در سطح حفاظتی که آنها توان آنرا دارند یا پیوند به وب سایت‌هایی که اینگونه اطلاعات را در اختیار آنها می‌گذارد، دسترسی داشته باشند. □ سایر اطلاعاتی که

مناسب است و می تواند مورد نیاز مراجع قضایی باشد.

اصل ۱۲- بانک ها باید تدابیر مناسب را به منظور اطمینان از تبعیت با نیازهای خصوصی مشتری مرتبط با مراجع قضایی که در آن بانک تولیدات و خدمات بانکداری الکترونیک را ارائه می دهد، اتخاذ کنند. حفظ اطلاعات مربوط به حریم خصوصی مشتری یک مسئولیت کلیدی برای بانک به شمار می آید. سوء استفاده یا افشای غیر مجاز اطلاعات محرمانه مشتری، بانک را در معرض ریسک حقوقی و شهرتی قرار می دهد. برای رفع این چالش ها، در مورد حفظ حریم خصوصی اطلاعات مشتری، بانک ها باید تلاش های معقولی را به منظور اطمینان از اتخاذ تدابیر زیر به عمل آورند: □ سیاستهای حریم خصوصی مشتری بانک و استانداردهایی که در این زمینه رعایت می شود باید کاملاً مطابق با همه مقررات حفظ حریم و قوانین مربوط به آن در مراجع قضایی باشد که در آن تولیدات و خدمات بانکداری الکترونیک، ارائه می شود. □ مشتریها باید در مورد سیاستهای مربوط به حفظ اطلاعات خصوصی بانک و مسایل مرتبط با آن در استفاده از خدمات و تولیدات بانکداری الکترونیک، اطلاع پیدا کنند. □ مشتریها ممکن است تمایلی نداشته باشند تا اجازه دهند که بانک ها اطلاعات شخصی مربوط به آنها را در زمینه هایی از قبیل نیازهای شخصی، علائق، وضعیت مالی یا فعالیت بانکی، به منظور بازاریابی متقابل در اختیار شخص ثالث قرار دهند. □ اطلاعات مشتری نباید برای مقاصدی و برای آنچه به طور مشخص مجاز شمرده شده یا برای مقاصدی و برای آنچه مشتری مجاز می داند، مورد استفاده قرار گیرد. □ استانداردهای بانک برای استفاده از اطلاعات مشتری باید زمانی که شخص ثالث به اطلاعات مشتری از طریق روابط با منابع بیرونی دسترسی پیدا می کند، رعایت شود. ضمیمه پنج، چند سیاست کاری مناسب را به منظور حفظ حریم اطلاعات خصوصی مشتری در بانکداری الکترونیک، معرفی می کند.

اصل ۱۳- بانک ها باید ظرفیت مؤثر، تداوم داد و ستد و برنامه ریزی وضعیت اضطراری داشته باشند تا بدینوسیله بتوانند از عملکرد مناسب سیستم ها و خدمات بانکداری الکترونیک اطمینان حاصل کنند. به منظور حفاظت بانک ها در قبال ریسک های شهرت، قانونی و تجاری، خدمات بانکداری الکترونیک باید طبق انتظارات مشتری، به صورت مستمر و به موقع انجام شود. برای نیل به این هدف، بانک باید این قابلیت را داشته باشد تا خدمات بانکداری الکترونیک را به مصرف کنندگان نهایی از طریق دست اول مانند سیستم ها و کاربری های داخلی خود (بانک) یا از طریق منابع دست دوم (مانند سیستم ها و کاربری های ارائه دهندگان خدمات) برساند. در همین حال باید سیستم های یدک اضطراری از لحاظ تعمیر و نگهداری، همواره در وضعیت آماده باشند تا هنگامی که مشکلی برای سیستم اصلی به وجود می آید یا موقعی که بحرانی، اختلال در کار را سبب می شود، قطع سیستم رخ ندهد یا به حداقل کاهش پیدا کند. چالش های مربوط به حفظ و دستیابی مداوم به سیستم ها و کاربری های بانکداری الکترونیک، به ویژه هنگام تقاضای زیاد برای استفاده از سیستم در زمان اوج می تواند قابل ملاحظه باشد. علاوه بر آن، انتظارات بالای مشتری در مورد زمان کوتاه پردازش عملیات و دسترسی مداوم ۲۴ ساعته و ۷ روز در هفته، به نوبه خود اهمیت در نظر گرفتن ظرفیت کافی، تداوم تجارت و برنامه ریزی اضطراری را افزایش داده است. برای آنکه تداوم ارائه خدمات بانکداری الکترونیک به مشتریها تا آن حد که آنها انتظار دارند، حفظ شود، بانکها نیاز به آن دارند تا اطمینان حاصل کنند که: □ ظرفیت سیستم بانکداری الکترونیک فعلی و پیش بینی مقدار مورد نیاز برای آن در آینده براساس پویایی کلی بازار تجارت الکترونیک و نرخ جذب مشتری این گونه تولیدات و خدمات مورد تحلیل قرار می گیرد. □ تخمین های مربوط به ظرفیت پردازش معاملات بانکداری الکترونیک باید مرتب انجام و آزمایش های تنش به عمل آید، ضمن آنکه همه این ها هر چند وقت یکبار دوباره ملاحظه شوند. □ تداوم تجارت مناسب و برنامه های اضطراری برای فرآیندهای بانکداری الکترونیک در زمان بحرانی و اینکه سیستم های تحویل باید موجود باشند و مرتب آزمایش شوند. ضمیمه ۶- چند ظرفیت مطلوب مربوط به تداوم تجارت و برنامه ریزی اضطراری را مشخص می کند. اصل ۱۴- بانک ها باید برنامه های مناسبی را برای پاسخ به حوادث داشته باشند تا در صورت وقوع رویداد های غیرمترقبه، (به عنوان مثال

حملات داخلی و خارجی که ممکن است مانع ارائه سیستم ها و خدمات بانکداری الکترونیک شود) بتوانند اثرات آنها را کاهش و بر آنها فائق آیند. مکانیزم مؤثر پاسخ به حوادث در کاهش ریسک های حقوقی، شهرت و عملیاتی ناشی از حوادث غیر مترقبه از قبیل حملات داخلی و خارجی که ممکن است بر عملکرد سیستم ها و خدمات بانکداری الکترونیک اثر نامطلوب بگذارد، حیاتی هستند. بانک ها باید نقشه های مناسبی برای پاسخ به حوادث تهیه و از جمله استراتژیهای ارتباطی مؤثری را تدوین کنند. تدوین این استراتژیها برای اطمینان نسبت به تداوم تجارت، کنترل ریسک شهرت و محدود کردن تعهدات مرتبط با اختلال در خدمات بانکداری الکترونیک از جمله زمانی که از سیستم ها و عملیات منابع بیرونی ریشه می گیرد، انجام می شود. برای اطمینان از پاسخ مؤثر به حوادث پیش بینی نشده، بانک ها باید بوجد آورند: □ نقشه های مربوط به پاسخ به حادثه برای بازگرداندن خدمات و سیستم های بانکداری الکترونیک تحت سناریوها، در نقاط جغرافیایی و وضعیت های تجاری گوناگون- تجزیه و تحلیل سناریو باید احتمال ریسکی را که اتفاق می افتد و تأثیر آن بر بانک را هم شامل شود. سیستم های بانکداری الکترونیک که به منابع بیرونی و ارائه دهندگان ثالث خدمات مربوط می شوند، جزء لاینفک این برنامه ها به شمار می روند. □ مکانیزم های شناسایی حادثه یا بحران به محض آنکه روی بدهد، ارزیابی چند و چون آنها. کنترل ریسک شهرت ناشی از اختلال در ارائه خدمات. □ این یک استراتژی ارتباطی باید به اندازه کافی بازار بیرونی و نگرانی رسانه ها را مد نظر داشته باشد. نگرانی که ممکن است ناشی از رخنه امنیتی و حملات مستقیم یا از کار افتادن سیستم های بانکداری الکترونیک باشد. □ یک فرآیند روشن برای خبر کردن سریع مراجع قانون گذاری مربوط در صورت وقوع رخنه امنیتی یا رخ دادن حوادث منجر به اختلال در سیستم ها. □ تیم های پاسخ به حادثه با قدرت و اختیار آنکه در شرایط اضطراری عمل کنند و به اندازه کافی در زمینه تجزیه و تحلیل سیستم های پاسخ کشف و اهمیت بازده مربوطه، آموزش دیده باشند. □ یک زنجیره روشن از فرماندهی که هم عملیات مربوط به منابع بیرونی و هم منابع درونی را کنترل می کند. این کنترل به منظور اطمینان از این امر انجام می شود که اقدام فوری متناسب با اهمیت حادثه به عمل آید. علاوه بر آن، روش های ارتباطی داخلی مناسبی باید به این منظور طراحی کرد که از جمله در صورت لزوم آگاه کردن هیأت مدیره را در برمی گیرد. □ فرآیندهایی که اطمینان می دهد، تمام طرفهای خارجی مربوط، از جمله مشتریان بانک طرفهای متقابل و رسانه ها به نحو مطلوب و در مدت زمان کافی از اختلال در سیستم ها و تحولات ناشی از راه اندازی مجدد سیستم، اطلاع پیدا می کنند. □ فرآیندی برای گردآوری و حفظ شواهد قانونی به منظور تسهیل در بررسی های بعد از حادثه بانکداری الکترونیک و نیز کمک در محاکمه حمله کنندگان • ضمیمه ۱- رویه های کنترل ایمنی مناسب برای بانکداری الکترونیک:

۱- ترتیبات امنیتی باید ایجاد و حفظ شود و در چارچوب آن اعطای مجوزهای لازم به همه کاربران سیستم و کاربریهای بانکداری الکترونیک، شامل همه مشتریان، کاربران داخلی بانک و ارائه دهندگان بیرونی خدمات صورت گیرد. کنترل های منطقی دستیابی به منظور پشتیبانی از جداسازی مناسب وظایف نیز باید اعمال شود. ۲- اطلاعات و سیستم های بانکداری الکترونیک باید طبق حساسیت اهمیت آنها طبقه بندی حفاظتی شود. مکانیزم مناسب از قبیل رمز گذاری، کنترل دسترسی و برنامه های بازیافت داده ها، برای حفاظت از همه سیستم های حساس و پر مخاطره بانکداری الکترونیک از قبیل سرورها، پایگاه داده ها و کاربری ها، در نظر گرفته شود. ۳- ذخیره داده های پر مخاطره یا حساس در کامپیوترهای رومیزی و روپایی (DESKTOP-LAPTOP) باید به حداقل کاهش یافته و به نحو مناسبی از طریق رمز گذاری، کنترل دسترسی برنامه های بازیافت اطلاعات حفاظت شوند. ۴- کنترل های فیزیکی کافی باید به منظور ممانعت از دسترسی غیر مجاز به سیستم های حیاتی بانکداری الکترونیک، سرورها، پایگاه داده ها و کاربری ها وجود داشته باشند. ۵- تکنیک های مناسب باید به منظور کاهش تهدیدهای خارجی بر سیستم های بانکداری الکترونیک، از جمله استفاده از موارد زیر در نظر گرفته شوند: □ نرم افزار جاروب ویروس در همه نقاط حیاتی ورودی (از قبیل سرورهای دسترسی از راه دور- سرورهای PROXY مربوط به پست الکترونیک) روی همه کامپیوترهای رومیزی. □ نرم افزار کشف رخنه، سایر ابزارهای ارزیابی

ایمنی باید به طور متناوب به بررسی شبکه‌ها، سرورها و دیوارهای آتش، برای تشخیص نقاط ضعف یا تجاوز به حریم‌های امنیتی و کنترل‌ها، پردازند. □ آزمایش نفوذ شبکه‌های داخلی و خارجی ۶- فرآیند انجام بررسی‌های شدید امنیتی بایستی برای همه کارکنان و ارائه‌کنندگان خدماتی که پست‌های حساس دارند، اعمال شود.

• ضمیمه ۲- رویه‌های مناسب برای اداره سیستم‌ها و خدمات بانکداری الکترونیک ارائه شده از سوی منابع بیرونی.

۱- بانک‌ها باید تدابیر مناسب برای ارزیابی تصمیمات اتخاذ شده از سوی ارائه‌دهندگان بیرونی خدمات بانکداری الکترونیک را در نظر بگیرند. □ مدیریت بانک باید به روشنی هدفهای استراتژیک، امتیازات و هزینه‌های مربوط به استفاده از منابع بیرونی و طرح‌های ثالث برای بانکداری الکترونیک را شناسایی کند. □ تصمیم مربوط به واگذاری یک کار کلیدی یا انجام خدمات بانکداری الکترونیک به منبع بیرونی باید با استراتژیهای تجاری بانک سازگار و بر اساس یک نیاز تجاری تعریف شده استوار باشد، ضمن آنکه ریسک خاص مربوط به منبع بیرونی را هم در نظر بگیرد.

□ تمامی زمینه‌های متأثر بانک باید دریابند که چگونه ارائه‌دهندگان خدمات از استراتژی بانکداری الکترونیک بانک‌ها حمایت به عمل آورده و با ساختار عملیاتی آن متناسب می‌شوند. □ بانک‌ها باید قبل از انتخاب یک ارائه‌دهنده بیرونی خدمات بانکداری الکترونیک و نیز در فواصل مناسب بعد از آن، تحلیل ریسک داشته باشند. □ بانکها باید فرآیندهایی را برای انتخاب پیشنهادها از میان چند ارائه‌دهنده خدمات بانکداری الکترونیک طراحی و معیار انتخاب از میان پیشنهادها را مورد ملاحظه قرار دهند. □ زمانی که یک ارائه‌دهنده، بالقوه خدمات شناسایی شد، بانک باید یک بررسی جامع، از جمله تحلیل ریسک از قدرت مالی ارائه‌دهنده خدمات، شهرت، سیاست‌ها و کنترل‌های مدیریت ریسک و نیز قابلیت انجام تعهدها داشته باشند. □ پس از آن بانک‌ها باید به طور مرتب و به طریق مناسب بررسی‌های مستمری را انجام دهند و قابلیت ارائه‌کننده خدمات را برای انجام خدمات و تعهدات مدیریت ریسک در طول مدت قرارداد، مدنظر قرار دهند. □ بانک‌ها باید اطمینان حاصل کنند که منابع کافی برای نظارت بر فعالیت منابع بیرونی پشتیبانی‌کننده از بانکداری الکترونیک وجود دارد. □ مسئولیت‌های نظارت بر ترتیبات منابع بیرونی بانکداری الکترونیک باید به روشنی مشخص شود. □ یک استراتژی مناسب خروج از لحاظ مدیریت ریسک باید برای بانک وجود داشته باشد، زمانیکه ضرورت خاتمه دادن به قرارداد روابط با منابع بیرونی مطرح شود.

۲- بانک‌ها باید روش‌های مناسبی را به منظور اطمینان از کیفیت قراردادهای حاکم بر بانکداری الکترونیک اتخاذ کنند. قراردادهای حاکم بر فعالیت‌های بانکداری الکترونیک منابع بیرونی به عنوان مثال باید موارد زیر را در نظر بگیرد: □ تعهدات قراردادی طرفهای درگیر و مسئولیت‌های مربوط به تصمیم‌گیری از جمله تعهد قراردادهای فرعی مادی، باید به روشنی تعریف شده باشند. □ مسئولیت ارائه اطلاعات و دریافت اطلاعات از ارائه‌کنندگان خدمات باید به روشنی تعریف شوند. اطلاعات دریافتی از ارائه‌دهنده خدمات باید به موقع و جامع باشد تا بتواند به بانک این اجازه را بدهد که به اندازه کافی سطوح خدمات و ریسک‌ها را مورد ارزیابی قرار دهد. روش‌های مورد استفاده برای آگاهی‌رسانی در مورد اختلال در ارائه خدمات بانک، نقض امنیتی و سایر اتفاقاتی که می‌تواند یک خطر مادی برای بانک به وجود آورد، باید مشخص شود. □ مقرراتی که به ویژه برای پوشش بیمه‌ای به وجود می‌آید، مالکیت اطلاعات ذخیره شده در سرورها یا پایگاه‌های داده‌های ارائه‌کنندگان خدمات و حق بانک برای بازیافت اطلاعات در پی سپری شدن یا اتمام قرارداد، باید به روشنی تعریف شود. □ انتظارات عملکرد تحت هر دو شرایط عمومی و اضطراری باید تعریف شوند. □ وسایل و ضمانت‌های کافی به عنوان نمونه از طریق اعمال شیوه‌های حسابرسی باید تعریف شوند تا اطمینان به وجود آید که برنامه‌های ارائه‌کننده خدمات با سیاست‌های بانک مطابقت دارد.

□ برای ترتیبات منابع بیرونی فرامرزی، تعیین این نکته که قوانین و مقررات کدام کشور از جمله آنهاییکه مربوط به حریم خصوصی

و سایر حفاظت های مشتری هستند با آنها مطابقت می کند، ضروری است . □ حق بانک برای بررسی مستقل یا حسابرسی امنیتی، کنترل های داخلی ، تداوم تجارت و برنامه های اضطراری به روشنی تعریف شوند.

۳- بانک ها باید اطمینان پیدا کنند که حسابرسی خارجی و داخلی مستقل و متناوب از عملیات منابع بیرونی، حداقل در همان سطحی که مورد نیاز می شود، در صورتیکه چنین عملیاتی در سطح داخلی انجام شود، به عمل آید. □ برای روابط با منابع بیرونی که در برگیرنده خدمات و کاربری های حیاتی و به لحاظ تکنولوژی پیشرفته بانکداری الکترونیک، بانک ها نیاز به آن دارند تا به بررسیهای متناوب دیگری بپردازند که بوسیله اشخاص ثالث مستقل و برخوردار از دانش فنی کافی ، انجام می شود.

۴- بانک ها باید طرحهای اضطراری مناسب برای فعالیت های بیرونی بانکداری الکترونیک داشته باشند. □ بانک ها نیاز به آن دارند تا برای همه سیستم ها و خدمات بانکداری الکترونیک خود که به منابع بیرونی و طرفهای ثالث واگذار می شود، برنامه های اضطراری داشته و آنها را به طور متناوب آزمایش کنند. □ طرحهای اضطراری باید بدترین سناریو ها را در نظر گیرد تا بتواند در هر شرایطی تداوم خدمات بانکداری الکترونیک را در صورت وقوع هر گونه اختلالی که تحت تأثیر منابع بیرونی روی دهد، حفظ کند. □ بانک ها باید تیم مستقلی داشته باشند که آن تیم مسئول مدیریت بازیافت و ارزیابی اثر مالی اختلال در خدمات بانکداری الکترونیک منابع بیرونی است .

۵- بانک هایی که خدمات بانکداری الکترونیک را به اشخاص ثالث واگذار میکنند، باید اطمینان داشته باشند که عملیات ، مسئولیت و تعهدات آنها به اندازه کافی روشن است تا نهادهای خدمت رسان بتوانند بررسیهای خود را با پشتکار و به گونه مؤثری انجام دهند و بر روند کار نظارت داشته باشند. □ بانک ها مسئولیت دارند تا اطلاعات لازم در خصوص شناسایی، کنترل و رسیدگی به ریسک های مرتبط با خدمات بانکداری الکترونیک را در اختیار نهادهایی بگذارند که این گونه خدمات در اختیار آنها قرار می گیرد.

• ضمیمه ۳- رویه های مناسب صدور مجوز برای کاربری های بانکداری الکترونیک

۱- صدور مجوز و امکان دسترسی شامل همه اشخاص، عوامل یا سیستم هایی می شود که فعالیت بانکداری الکترونیک انجام می دهند. ۲- همه سیستم های بانکداری الکترونیک باید به گونه ای ساخته شود که آنها با یک پایگاه داده های معتبر دارای مجوز ، در تعامل باشند. ۳- هیچ عامل یا سیستم نباید به تنهایی اختیار تغییر صلاحیت خود را در پایگاه داده های صدور مجوز بانکداری الکترونیک پیدا کند. ۴- هر گونه افزایشی در افراد ، عوامل، سیستم یا تغییر امتیاز دسترسی در مجوزدهی به پایگاه داده های بانکداری الکترونیک باید از سوی یک منبع کاملاً معتبر باشد. منبعی که به قدر کافی دارای اختیار و برخوردار از سرخ های حسابرسی باشد و بتوان فعالیت های وی را به نحو صحیحی و به موقع نظارت کرد.

۵- تدابیر لازم باید وجود داشته باشد تا بتوان مجوز دهی بانکداری الکترونیک را به نحو معقولی در برابر رخنه مقاوم کرد. هر گونه رخنه ای باید از طریق فرآیندهای مداوم کنترل و بررسی قابل کشف باشد. سرخ های حسابرسی کافی، باید وجود داشته باشد تا بتواند هر گونه اختلالی را مستند کرد. ۶- هر گونه پایگاه داده هایی که در آن رخنه شده باشد ، نباید مورد استفاده قرار گیرد تا اینکه با یک پایگاه داده های معتبر تعویض شود. ۷- کنترل هایی باید وجود داشته باشد تا از تغییرات در سطوح مجوزدهی هنگام انجام عملیات بانکداری الکترونیک اجتناب شود. هر گونه تلاشی برای تغییر مجوزدهی بایستی قفل شود و به اطلاع مدیر تیرسد •.

ضمیمه ۴- رویه های مربوط به سرخ های حسابرسی دقیق برای سیستم های بانکداری الکترونیک

۱- باید سوابق کافی برای تمام معاملات بانکداری الکترونیک در نظر گرفته شود تا یک سرخ حسابرسی روشن ایجاد و به حل اختلاف کمک کند. ۲- سیستم های بانکداری الکترونیک باید به گونه ای طراحی و نصب شوند تا بتوانند شواهد قانونی را جذب و نگهداری کنند. این امر باید طوری صورت گیرد تا بتوان شواهد را کنترل ، از رخنه جلوگیری و شواهد کاذب را گردآوری کرد. ۳- در مواقعی که سیستم های پردازش و سرخ های حسابرسی مربوط در مسئولیت یک ارائه کننده ثالث خدمات قرار دارد. □ بانک

باید اطمینان حاصل کند که به اطلاعات مربوط به فعالیت های حسابرسی مربوط که توسط ارائه کننده خدمات نگهداری می شود، دسترسی دارد. □ سرنخ های حسابرسی نگهداری شده توسط ارائه کننده خدمات باید با استانداردهای بانک مطابقت کند.

• ضمیمه ۵- رویه های مناسب برای حفظ خصوصی بودن اطلاعات بانکداری الکترونیک مشتری

۱- بانک ها باید تفکیک های رمز نگاری مناسب، پروتکل های خاص یا سایر کنترل های ایمنی را به منظور اطمینان از محرمانه نگهداشتن اطلاعات بانکداری الکترونیک به کار گیرند.

۲- بانک ها باید روش ها و کنترل های مناسبی را برای ارزیابی گاه به گاه زیر ساخت امنیتی مشتری و پروتکل های بانکداری الکترونیک، مورد توجه قرار دهند.

۳- بانک ها باید اطمینان حاصل کنند که ارائه کنندگان ثالث خدمات سیاست های محرمانه نگه داشتن و حفظ حریم خصوصی را که سازگار با خودشان باشد اعمال می کنند. ۴- بانک ها باید گام مناسب را برای آگاهی رسانی به مشتریان بانکداری الکترونیک درباره محرمانه بودن و حفظ اطلاعات خصوصی افراد بردارند. این گام ها عبارتند از: □ اطلاع رسانی به مشتریان در مورد سیاست حفظ حریم خصوصی افراد از سوی بانک، حتی الامکان از طریق وب سایت بانک. در این زمینه استفاده از زبان روشن و فشرده توصیه می شود تا اطمینان حاصل شود که مشتری کاملاً سیاست مورد بحث را درک می کند. توضیحات بلند حقوقی، هر چقدر هم دقیق باشد بطور معمول توسط اکثر مشتریها خوانده نمی شود. □ آموزش هم مشتریان در مورد لزوم حفاظت از رمزها و رمزها، شمارهها و شناساییها یا سایر دادهها و شناساییها و بانک خودشان □ در اختیار نهادن اطلاعات مربوط به امنیت عمومی کامپیوترهای شخصی مشتریان، از جمله مزایای استفاده از نرم افزار محافظت در قبال ویروس، کنترل های دستیابی فیزیکی و دیوارهای آتش شخصی برای اتصالات ایستایی (STATIC) اینترنت

• ضمیمه ۶- ظرفیت مناسب، تداوم تجارت و رویه های برنامه ریزی اضطراری برای بانکداری الکترونیک ۱- تمام خدمات و کاربری های بانکداری الکترونیک، از جمله آنهایی که توسط ارائه کنندگان ثالث خدمات داده می شود، بایستی به لحاظ حیاتی بودن، شناسایی و تحت آزمایش قرار گیرند. ۲- برای همه خدمات و کاربریهای حیاتی بانکداری الکترونیک، از جمله موارد بالقوه اختلال تجاری در مورد خطرات اعتباری بازاری، نقدینگی، حقوقی، عملیاتی و شهرتی بانک، باید ارزیابی خطر انجام شود. ۳- معیار عملکرد برای همه خدمات و کاربری های بانکداری الکترونیک باید تعریف شود و سطح خدمات در برابر چنین معیاری کنترل شود. تدابیر مناسب باید به منظور اطمینان از این نکته که همه سیستم های بانکداری الکترونیک قادر به انجام معاملات کوچک و بزرگ هستند اتخاذ شود و اینکه عملکرد سیستم ها و ظرفیت ها با انتظارات آتی بانک برای رشد در زمینه بانکداری الکترونیک سازگاری دارد. ۴- ملاحظاتی باید برای توسعه روش های پردازش اطلاعات به صورت جانشین در نظر گرفته شود تا بتوان زمانی که سیستم های بانکداری الکترونیک به نظر می رسند به ظرفیت های تعریف شده خود رسیده اند، آنها را اداره کرد. ۵- برنامه های تداوم تجارت بانکداری الکترونیک باید به گونه ای تدوین شود تا بتوان برنامه های اتکاء به ارائه کنندگان ثالث خدمات و سایر وابستگی های خارجی مورد نیاز را تنظیم کرد. ۶- برنامه های اضطراری بانکداری الکترونیک باید فرآیندهایی را به منظور از سرگیری یا جانشین کردن قابلیت های پردازش عملیات بانکداری الکترونیک، بازسازی اطلاعات معاملاتی پشتیبان در صورت وقوع اختلال تجاری، در برگیرد. این فرآیندها از جمله باید اتخاذ تدابیری به ویژه، برای از سرگیری فعالیت سیستم ها و کار بررسی های حیاتی بانکداری الکترونیک را شامل شود.

* <http://egh.blogfa.com/post-28.aspx>

جوزف دلبو بارت لت

گزارشی از چگونگی عملکرد سرمایه گذاری ریسک پذیر: جوزف دلبو بارت لت مشاور حقوقی دفتر Sonnenschein Nath & Rosenthal LLP در نیویورک است. او به عنوان معاون اسبق وزیر بازرگانی، استاد افتخاری دانشکده بازرگانی جانسون دانشگاه کورنل و استاد مهمان اسبق دانشکده حقوق دانشگاه نیویورک و استنفورد می باشد. بارت لت موسس و رئیس VC Experts Inc و سردبیر دایره المعارف سرمایه گذاری ریسک پذیر و سرمایه خصوصی است. اقتصاد آمریکا بخش اعظم رشد دوران پس از جنگ خود را مدیون فعالیت های تجاری تکنولوژیکی در حال ظهوری میدانند که بسیاری از آنان به سرعت گسترش یافته و کمک شایانی به اشتغال، ثروت و نوآوری، نمادهای رفاه کشور ما در ۵۰ سال گذشته کرده اند. داستان چگونگی جذب سرمایه و یا سرمایه ریسک پذیر مورد نیاز این مشاغل کوچک ابتدا برای باقی ماندن و سپس برای رشد از فرهنگی برداشت می کند که برای خوش بینی، ریسک پذیری، سیاست های دولتی آینده نگرانه و موافق سرمایه و انرژی و انگیزه افراد مشغول در زمینه تجارت ارزش قائل است. از آنجایی که آمریکا حق انحصاری بر این ویژگی ها ندارد، محتمل به نظر می رسد که داستان های به هم مرتبط سرمایه گذاران ریسک پذیر و کارآفرینان فعالیت های های-تک، به پدیده ای جهانی و شراکتی تبدیل شود. آشنایی با واژه هادنیای سرمایه گذاری ریسک پذیر سیستم نام گذاری تخصصی مخصوص به خود را دارد. در این دنیا، فعالیت تجاری جدید فعالیتی " جوانه ای " است. از آنجایی که غول های تکنولوژی همانند هیولت پاکارد و اپل کامپیوتر به معنای واقعی کلمه اصل خود را در کارگاه هایی جستجو می کنند که در گاراژ های اتومبیل بنیانگذارانشان ایجاد شده اند. امروزه فعالیت های جوانه ای در " گاراژ " همان شرکت های موسس ایجاد می شوند. از آنجایی که موسسان به دنبال رشد سریع می باشند، به این فعالیت های موفق " غزال " نیز گفته می شود. یک فعالیت جدید، ابتدا با تلاش سخت کوشانه موسس آن و یا " دارایی شخصی محصول عرق جبین " و تامین بودجه از منابع دیگر مانند " دوستان و یا افراد خانواده " و سپس از طریق " فرشتگان، " یعنی افراد ثروتمندی که سرمایه گذاری آنان حداقل برای موسس نشانه حسن نیت آنان است و به تعهد سرمایه گذاری از سوی صندوق های سرمایه ریسک پذیر که توسط افراد حرفه ای کنترل شده و در انگلیسی با واژه اختصاری " وی سی " شناخته می شوند منجر می گردد، آغاز می شود. یک یا دو دور دیگر از تخصیص بودجه به نام های " سری آ " و " سری ب " و به همین ترتیب می توانند در این موقعیت اتفاق بیفتند. این روند " غزال " که از بودجه اختصاصی به سمت کمپانی های با تجارت عمومی ادامه پیدا می کند " از مرحله جنینی به آی پی او ها (" عرضه اولیه عمومی سهام) نامیده می شود. هر کدام از این عناوین و دیگر عناوینی که در اینجا مطرح نشده اند، تنها صورت کوتاه شده برای موارد و پدیده هایی می باشند که در دنیای واقعی تجارت تفاوت های بسیاری دارند. در اینجا بر شکل گیری موفقیت آمیز غزال ها در آمریکا تاکید می کنم. الزام فرهنگی چگونه یک موسس که فعالیت خود را از گاراژ خود آغاز کرده است، با موفقیت از سوی فرشتگان و سپس وی سی ها تقاضای سرمایه می کند؟ عناصر اصلی این فرآیند کدامند؟ دارایی اولیه فعالیت های جوانه ای تنها، مغزها، انرژی ها و تعهدات موسس آن می باشند. به بیان دیگر ویژگی های شخصیتی کارآفرین، خود شکلی از سرمایه ریسک پذیر می باشند. آمریکا، در این زمینه خوشبختانه دارای افراد بسیاری است که خوش بینی، اعتماد به نفس و گرایش زیاد به ریسک پذیری را در کنار یکدیگر دارند. به هر حال، احتمالات نشاندهنده آن است که آغاز یک فعالیت جدید در پارکینگ شخصی (همانگونه که استیو جابز، اپل کامپیوتر را در پارکینگ خانه والدینش تاسیس کرد) از لحاظ آماری استفاده خردمندانه از زمان و انرژی نمی باشد و میزان شکست آن بسیار زیاد است. این کار نیازمند خوش بینی والا و اعتماد به نفس برای موسس می باشد تا همواره به خود بگوید: "بر خلاف احتمالات"، من "می توانم این کار را به انجام برسانم و در این راه لحظات خوب و رضایت خاطر داشته باشم". هم چنین گرایش سالمی برای خطر پذیری مورد نیاز است. به همین علت، شکوفایی سرمایه گذاری مخاطره آمیز در جوامع دارای هنجارهای فرهنگی، سیاست های دولت و عدم تحرک اداری که باعث تضعیف

ریسک پذیری می شوند، محتمل نمی باشد. در عوض سرمایه گذاری ریسک پذیر نیازمند تعادل مناسبی از ریسک و پاداش می باشد. اگر عواقب شکست نه تنها شامل ورشکستگی حقوقی بلکه تخریب شخصی نیز باشد، مدل سرمایه گذاری ریسک پذیر به مرحله اجرا در نخواهد آمد. در روی دیگر سکه، تمایل موسس برای ریسک پذیری می بایست به وسیله احتمالات تحریک شود، هرچند احتمالات پاداش های محرک بیشتر باشد، این به نوبه خود به معنای فضای مالیاتی کمتر و نبود موانع اداری برای موفقیت کارآفرینان می باشد. همین احتمال زیاد پیروزی و خشنودی روانی و اقتصادی به نتیجه رسیدن این ریسک - نه احتمالات بد است - که کارآفرینان آمریکایی را وسوسه می کند. توانایی یک موسس برای به دست آوردن فرصت، عملکرد با اعتماد به نفس و تحمل ریسک پذیری تنها آغاز ماجراست. یکی دیگر از موارد اصلی، سیستمی از قوانین و هنجارهای اجتماعی است که از حق مالکیت معنوی حمایت، آموزش همگانی جهانی را تضمین کرده، برای کارفرمایان توانایی استخدام و از همه مهم تر اخراج کارمندان به منظور نشان دادن نیاز تجارت به تعیین کردن را ارائه داده و توانایی سرمایه گذار برای سرمایه گذاری در این کار مخاطره آمیز آینده دار را تضمین می کند. به دست آوردن سرمایه ریسک پذیر با فرض این که سرمایه کافی برای سرمایه گذاری وجود داشته باشد، چگونه یک فعالیت تجاری جوانه ای معمولی در آمریکا با شرط پاداش دادن به زحمات موسس و ریسک سرمایه، به سرمایه دسترسی پیدا می کند؟ در طول سال ها، آمریکایی ها ساختارها و فرآیندهایی را طراحی کرده اند که به مبادله میان کارآفرینان و سرمایه گذاران شکل داده و جریان مداومی از سرمایه را برای فعالیت های جوانه ای که به آن احتیاج دارند تضمین می کند. موسسان مجبور به ایجاد ابزار و دانش لازم برای ارائه طرح هایی می باشند که به سرمایه گذاران اجازه ارزیابی مناسب دورنمای موفقیت فعالیت های نوین را می دهد. سرمایه داران به نوبه خود شرایط مالی را ایجاد کرده اند که به آنان فرصت مناسب برای به دست آوردن منافع قابل رقابت با منافعی که ممکن است از طرق دیگر سرمایه گذاری به دست آورند ارائه داده، و آنها را به منظور ریسک پذیری بدون مالیات توقیف شده تعدیل می کند. شرایط مالی که به نفع کارآفرین می باشند خطر ناتوانی در جذب سرمایه را ایجاد می کنند در حالی که معاملات سخت گیرانه از نقطه نظر موسس، کارآفرین را از ایجاد انگیزه برای سرمایه گذاری در فعالیت تجاری نوپای خود محروم می کند. تاریخچه طولانی مذاکرات میان کارآفرین و سرمایه گزار نقشه راه نسبتاً واضح و تعریف شده ای از سرمایه گذاری سرمایه ریسک پذیر ایجاد کرده است. به عنوان فردی که در تکامل این فرآیند در اوایل دهه ۱۹۹۰ حضور داشته ام می توانم شهادت دهم که آزمون و خطا در میان صدها هزار معامله، معیارهای مورد نیاز برای استاندارد سازی و توافق عمومی را شکل داده است. موسس یک فعالیت بنیادی معمولاً از طریق به نهایت رساندن استفاده از کارت های اعتباری خود و گرفتن وام مالکیت خانه، پول سازمان یافته ای را جمع آوری می کند. او پول طلبکاران را به تدریج پرداخت می کند تا زمان کافی برای تست دوباره محصول در پارکینگ خود را داشته باشد. در صورت نتایج امیدوارکننده، او دوستان و آشنایان خود را گرد هم آورده و از هم اتاقی های دانشکده، آشنایان، دوستان قدیمی و همکاران شغل روزانه خود تقاضای سرمایه گذاری می کند. سپس، او به "فرشتگان" روی می آورد، سرمایه گزاران مالی که در فراهم آوردن سرمایه ریسک پذیر برای فعالیت های جوانه ای و کارآفرینان تخصص دارند. این مرحله پیچیده تر است، اما در سراسر آمریکا گروه های سازمان یافته فرشتگان و هم چنین کنفرانس های صنعتی، رقابت های طرح های تجاری، باشگاه های سرمایه ریسک پذیر و دیگر محل های دائمی برای گرد هم آیی فرشتگان و بازمینی طرح ها وجود دارد. فرشتگان با تجربه تر، یعنی کسانی که سرمایه گذاری موفقیت آمیزی در فعالیت های بنیادین داشته اند، بهترین سرمایه گزاران به شمار می روند به خصوص زمانی که بر ارزش تجارت از طریق مواردی مانند مشاوره های تجاری، ارتباطات، راهنمایی در مورد فروش و مانند این ها بیفزایند. تضمین امنیت سرمایه فرشتگان نیازمند تماس های تلفنی مکرر، بازدید های خانگی و شبکه سازی می باشد. عوامل سرمایه گذاری میتوانند به صورت مداوم به پیدا کردن سرمایه گزاران اصلی کمک کنند. زمانی که یک سرمایه گذار اصلی آماده همکاری شود، جذب کردن دیگران بسیار آسان می شود. این

فرآیند، فرآیند آسانی نمی باشد اما شروط خاصی از قوانین آمریکا به آن کمک می کنند. قوانین آمریکا به نفع تقاضای افراد با ارزش خالص بالا- با فرض این که آنان دارای ارزش خالص کافی هستند می باشد. هم چنین رفتار مالیاتی با این گونه سرمایه گزاران جذاب است زیرا دولت فدرال از نیمی از مالیات ها به عنوان تخفیف مالیاتی صرف نظر می کند. تنظیم معاملهدرک نقشه های راه که ترسیم کننده شرایط میان کارآفرین و سرمایه گزار سرمایه ریسک پذیر می باشد نیز آسانتر شده است. مطالعات زیادی نیز برای نشان دادن استاندارد های شرایط معامله صنعت/بازار و مدل هایی نیز از سوی گروه های بازرگانی نظیر مجمع سرمایه گذاری ریسک پذیر ملی و کتابخانه های محافل حقوقی و مشاورانی که به صورت منظم در این منطقه فعالیت می کنند در دسترس می باشند. کارآفرینان می دانند که سرمایه گزاران سرمایه های ریسک پذیر انتظار ۲۰ درصد نرخ بازگشتی داخلی (آی آر آر) بر روی مجموعه اوراق بهادار به صورت کل را دارند. آی آر آر معیار صنعت برای ترکیب میزان افزایش بهای دارایی میان سرمایه و فروش و میزان بازگشتی بیمه شده میزان توزیع در طول این مدت می باشد. به معنای دیگر، میزان بازگشتی سرمایه گزار در طول ۵ تا ۷ سال میان زمان سرمایه گذاری و خروج یعنی زمانی که سرمایه گزار سرمایه خود را می فروشد، می باشد. به همین دلیل، موسس یک فعالیت جوانه ای در زمان همکاری با سرمایه گزاران در زمینه سرمایه ریسک پذیر می بایست قادر به ارائه تصویری واقعی باشد که معمولاً بر اساس درآمد واقعی است و در صورتی که برای ریسک پذیری تعدیل شده باشند نرخ بازگشتی داخلی سرمایه گزار را برآورده می کنند. از آنجایی که ارزشیابی های اولیه تحت تاثیر گرایش های وی سی قرار داشته و گزینه جمع گرایی است، بسیاری از سرمایه گذاران به جای آن بر " ارزشیابی های پیش از سرمایه گذاری " ارائه شده توسط سازمان های نگهدارنده حساب امتیازها نظیر داو جونز و یا دیگر دفاتر حقوقی برتر تکیه می کنند. نقطه حیاتی این است که درس هایی که از تعداد انبوه معاملات برگرفته شده اند، باعث کارآیی و سادگی تنظیم کردن معامله شده اند. بحث غیر ضروری بر سر مسائل نسبتاً حیاتی کمتر و کمتر شده است. سرمایه گزاران و کارآفرینان بر اساس تجربه ای که با تلاش سخت به دست آورده اند می دانند که برای عملی ساختن فرآیند نیاز به دادن و گرفتن چه چیزی دارند. زمانی که طرف فروش و طرف خرید در یک ردیف قرار دارند، معامله با کمترین هزینه اضافی و زمان هدر رفته به پایان می رسد و طرفین می توانند بر متغیرهای اصلی همانند ارزش تکنولوژی فعالیت جدید، قدرت رقابتی آن، کیفیت مدیریتی، مدت زمان مود نیاز تا خروج و حتی قیمت زمان خروج تمرکز کنند. بازیگران به طور کلی به فضایی که ریسک های غیر معمول و اضافی را کاهش می دهد کمک می کنند. دولت های ایالتی و فدرال آمریکا با تسهیل در مقررات محدود کننده، به این فرآیند کمک کرده اند. دادگاه های ایالتی در دلاور محل بسیاری از شرکت های آمریکا، قوانین کنترلی شرکتی کاربردی را توضیح داده و روشن ساخته اند. در عین حال، قانون برتر، حسابداری و شرکت های بانکداری سرمایه گذاری برای استاندارد سازی ساختار معامله و زبان قرارداد کوشیده اند. البته این فرآیند تدریجی، فزاینده و پدیدار آورنده موفقیت پس از موفقیت بوده است. در آخر، بازم به الزام فرهنگی آمریکا در ارتباط با خوش بینی، اعتماد به نفس و تمایل به ریسک پذیری پی می برید. این ارزش ها باعث تحریک سرمایه گزاران سرمایه ریسک پذیر و کارآفرینان برای ایجاد سیستم منسجمی شده است که نیاز های مشترک آنان را برطرف می کند. این نکته تکیه گاه اصلی رشد و رفاه اقتصادی آمریکا بوده است. افقی بازیکی از نتایج خوش بینانه این است که دانش جویان از سراسر جهان در طول چند سال گذشته چه در کلاس من و چه در کلاس های مشابه، فرآیند سرمایه ریسک پذیر را مطالعه کرده و این دانش را به خانه خود برده اند. داستان های موفقیت آمیز در سراسر جهان در حال گسترش است، به خصوص در سه کشور ایرلند، هند و اسرائیل. مدل های رقابتی بر اساس معامله به سود کم هزینه نیروی کار و ثروت نفتی فقط تا حدود معینی به اقتصاد کمک کرده اند. در تجزیه و تحلیل نهایی، نوآوری و تکنولوژی، افقی باز و منسجمی پایمان ناپذیرا ارائه می دهند. -
[http://www.america.gov/st/econ-](http://www.america.gov/st/econ-persian/۲۰۰۸/May/۲۰۰۸۰۶۲۶۰۹۱۹۰۸jmmnamdeirf۰.۲۱۷۷۲۴.html)

بسط فرایند ریسک برای اداره فرصتها

بسط فرایند ریسک برای اداره فرصت هاعلی ابدالی و علیمیراد ناصری

چکیده: دیدگاه رایج و سنتی در مورد ریسک، یک دیدگاه منفی است که تداعی کننده خسارت، تلفات، قمار، زیان و پیامدهای مضر است. ولی بعضی از دستورات عملها و استانداردهای امروزی امکان ریسک فراسوی (UPSIDE) یا فرصت را مطرح می کنند. منظور عدم اطمینانهایی است که می توانند تاثیر سودمندی در جهت نائل شدن به اهداف سازمان داشته باشند. علی رغم این تئوری، بیشترین کاربردهای فرایند ریسک هنوز بر مدیریت تهدیدات متمرکز است و روشهای مدیریت فرصتها هنوز به صورت ناجور و واکنش دار (REACTIVE AND PATCHY) باقی مانده است. به نظر می رسد ابزارها و تکنیکهای قابل دسترس برای کاربران ریسک تنها برجانبه منفی ریسک تاکید دارند. این مقاله حوزه فرایند ریسک را تا جایی بسط می دهد که مدیریت فرصتها را نیز دربر بگیرد. ۱- مقدمهتها تعداد کمی از مدیران این مطلب را انکار می کنند که «در تمام پروژه ها عدم اطمینان وجود دارد». عدم اطمینانی که منسای مختلفی دارد که می توان به مسائل تکنیکی، مدیریتی، بازرگانی و مسائل داخلی و خارجی مرتبط با طرح اشاره کرد. همچنین این مسئله کاملاً به رسمیت شناخته شده و پذیرفته شده است که مدیریت موفق عدم اطمینانها در نهایت با موفقیت پروژه ارتباط دارد، همانند یک مدیریت پویا که دائماً در تلاش برای هدایت پروژه در جهت دستیابی به اهداف مطلوب سازمان است. این مسئله بیانگر این واقعیت است که سیمای مدیریت ریسک به سوی محبوبیت عامه سوق یافته و به نظر می رسد یک روش نظام مندی را برای اداره کردن نامطمئن ها ارائه دهد. همچنین روشن است که اگر زمانی عدم اطمینان تشدید یابد می تواند یک گستره ای از پیامدها را در دستیابی به اهداف پروژه موجب شود، از یک فاجعه اساسی گرفته تا یک نتیجه خوشایند غیرمنتظره. علی رغم این، فرایند سنتی مدیریت ریسک که توسط اکثر مدیران تجربه شده است صریحاً بر اثرات منفی تردیدها (نامطمئن ها) متمرکز است. در نتیجه این نگرش، تلاش قابل توجهی روی تشخیص و اداره تهدیدها صرف شد، در حالی که فرصتها به فراموشی سپرده شدند. این مقاله استدلال می کند که یک روش ترکیبی برای مدیریت تهدیدات و فرصتها، می تواند در آن واحد به حداقل رسیدن نتایج منفی ناخوشایند و همین طور به حداکثر رساندن شانس استفاده از نتایج مثبت خوشایند را تضمین کند. ۲- یک تعریف یا دو تعریف؟ این پیشنهاد که «یک فرایند مشترک می تواند برای اداره فرصتها و تهدیدها به کار برود» از جنبه های مثبت تعاریفات اخیر از ریسک است. این موضوع به نوبه خود بحثهای داغی را میان جامعه کاربران ریسک با گروههای موافق و مخالف با آن به جریان انداخته است. بحث این است که واژه ریسک باید مشتمل بر فرصتها و تهدیدها باشد یا اینکه ریسک صرفاً یک واژه منفی است و با فرصت از لحاظ کیفی تفاوت دارد. دو گزینه وجود دارد: ۱- «ریسک» یک واژه پوششی است، با دو متغیر: - فرصت یک ریسک با نتایج مثبت است. - تهدید یک ریسک با نتایج منفی است. ۲- «عدم اطمینان» یک واژه اساسی است با دو متغیر: - ریسک منحصرأ مربوط به تهدید می شود یعنی عدم اطمینان با اثرات منفی. - فرصت عدم اطمینان است با اثرات مثبت. شکی نیست که منظور مردم از استعمال لغت ریسک فقط به جنبه منفی آن مربوط می گردد. اگر از یک فرد در خیابان سوال کنید آیا او دوست دارد یک واقعه همراه با ریسک داشته باشد، در اغلب موارد یک جواب منفی می شنوید: «ریسک برای شما بد است». این مسئله بازتاب تعاریف سنتی از لغت ریسک هم در لغت نامه های استاندارد و هم در بعضی از لغت نامه های تخصصی است. به هر حال بعضی از صاحب نظران و سازمانها تدریجاً تعریف خود را از ریسک متحول می کنند طوری که تعریف جدید هم «ریسک فراسوی و هم ریسک فرسوی (DOWNSIDE RISK)» را شامل می گردد. در بسیاری از تعاریف ارائه شده توسط صاحب نظران ماهیت اثر ناشناخته است و هر کدام به طور ضمنی تاثیرات مثبت و منفی را در تعریف خود می گنجانند، مابقی در نامیدن فرصتها و تهدیدها در تعاریف خود صریح هستند. آخرین استانداردهای تعریف ریسک که فرصتها و

تهدیدها را شامل شود در آخرین سری از نشریه (THE PROJECT MANAGEMENT BODY OF KNOWLEDGE) توسط «انستیتو مدیریت پروژه» در دسامبر ۲۰۰۰ منتشر شد که قید می‌کند: «ریسک یک رویداد نامعلومی است که اگر رخ دهد یا تاثیر مثبت یا منفی بر اهداف پروژه دارد... ریسک هم تهدیدات اهداف و هم فرصتهای بهبود اهداف را دربرمی‌گیرد. به نظر نگارنده یک تعریف از ریسک که هر دوی فرصتهای و تهدیدها را دربرگیرد، یک بیان روشن برای منظور مورد نظر است. پذیرفتن اینکه این دو به یک اندازه مهم هستند در موفقیت پروژه تاثیر می‌گذارد و هر دو نیاز به اداره کردن پویا دارند. این استدلالی است براینکه فرصتها و تهدیدها در کیفیت، ذاتاً متفاوت نیستند زیرا هر دو شامل عدم قطعیت می‌گردند که پتانسیل بالایی برای تاثیر بر اهداف پروژه دارد. در نتیجه هر دو می‌توانند با فرایندهای مشابهی اداره شوند، اگرچه به خاطر رفتار موثر با فرصتها ممکن است یکسری اصلاحات برای استاندارد ساختن روش مدیریت ریسک لازم باشد. ۳- یک فرایند یا دو فرایند؟ در ادامه بحث در مورد تعریفهای ریسک، گفتمان هم راستا با آن درباره فرایندهاست. کسانی که ریسک را کاملاً منفی معنی می‌کنند و فرصت را یک چیزی ذاتاً متفاوت با ریسک می‌بینند، خواهان جدا کردن مدیریت ریسک و مدیریت فرصت هستند. کسانی که ریسک را یک واژه مشترک شامل هم فرصتها و هم تهدیدها می‌بینند، پذیرفته‌اند که اداره هر دوی آنها با یک روش ترکیبی - از طریق یک فرایند عمومی - امکانپذیر است. به عنوان مثال، نشریه انستیتو مدیریت پروژه، مدیریت ریسک را «فرایند سیستماتیک شناسایی کردن، تجزیه و تحلیل کردن و عکس العمل نشان دادن به ریسک پروژه» تعریف می‌کنند. آن یعنی به حداکثر رسانیدن احتمال وقوع رخدادهای مثبت و پیامدهای حاصله و به حداقل رساندن احتمال وقوع رخدادهای منفی و پیامدهای ناشی از آن در راستای اهداف پروژه است. علی‌رغم این دامنه روشن، فرایند مدیریت ریسک که در نشریه یادشده، شرح داده شده، هنوز متمایل به مدیریت تهدیدات است، که این مسئله بازتاب تجربیات آن دسته از کاربران ریسک است که به جای جستجو برای مزیت‌های پنهان یا فراسوی ریسک (فرصتها)، مشکلات و خطرات بالقوه ریسک را مورد توجه قرار دادند. دیگر فرایندهای مدیریت ریسک که مدعی‌اند هم تهدیدها و هم فرصتها را در فرایندهای خود لحاظ می‌کنند، بیشتر شبیه به نوعی دوگانگی برای مدیریت فرصت به نظر می‌رسند، که این ضعف، در سازگار نشدن تعریف جامع آنها با یک فرایند - که صریحاً هر دو نوع ریسک را شامل شود - آشکار می‌شود. علاوه بر این، از نقطه نظر تئوریک، اینکه فرصت و تهدید دو متغیر از جنس واحد هستند و آنها باید با هم اداره گردند، باعث می‌شود که استفاده از یک فرایند مشترک مزیت‌های عملی فراوانی داشته باشد. اول اینکه احتمالاً از دید مدیران پروژه، ایجاد یک فرایند جداگانه برای مدیریت فرصت، یک بار اضافی تلقی می‌شود و ممکن است ایجاد چنین فرایندی مورد توجه قرار نگیرد. به عبارت دیگر، اگر فرصتها به وسیله یک فرایند مدیریت ریسک که از قبل وجود دارد، مورد استفاده قرار بگیرد هزینه‌های سربار نیز به حداقل می‌رسد. دوم اینکه طرز تفکر در مدیریت ریسک، مدیر را تشویق به تشخیص عدم اطمینان‌هایی می‌کند که ممکن است بر اهداف پروژه تاثیرگذار باشند و وی را به جستجوی پویا برای یافتن راه‌هایی به منظور مورد توجه قرار دادن این فرایند تشخیص سوق دهد. درحالی که نیاز به کم رنگ کردن یا به حداقل رساندن تهدیدات امری روشن است، این غیرطبیعی است که وقت خود را صرف فرصتهای برنامه ریزی نشده کنیم. یک فرایند عمومی می‌تواند به روش یکسانی با عدم اطمینان‌های مثبت ارتباط داشته باشد، همان طور که می‌تواند با عدم اطمینان‌های منفی ارتباط داشته باشد و باعث گسترش دامنه روش مدیریت ریسک گردد. سومین مزیت، زیاد شدن کارایی است. یک فرایند که دو نوع درون مایه دارد (منظور فرایندی است که فرصت و تهدید را توأم در خود دارد) ممکن است خیلی کارآتر از دو فرایند مجزا باشد. به هر حال، اگر فرایند موجود ریسک گسترش داده شود تا فرصتها در کنار تهدیدها اداره گردند، بعضی تغییرات در آن الزامی خواهد بود. مابقی این مقاله به جاهایی که اصلاحات باید انجام گیرند، اشاره می‌کند. ۴- اصلاحات فرایند به خاطر ساختار بحث، استفاده از یک فرایند ویژه مدیریت ریسک که مدیریت فرصت را در خود جای می‌دهد، ضروری است. فرایند مدیریت ریسک در این مقاله از

قول نشریه «انستیتو مدیریت پروژه» توضیح داده شده است، و اصول بیان شده در این مقاله برای هر نوع فرایند ریسک دیگری صادق است. فرایند ریسکی که در این نشریه ذکر گردیده است دارای شش مرحله است: ۱- برنامه ریزی مدیریت ریسک ۲- تشخیص ریسک ۳- تجزیه و تحلیل کیفی ریسک ۴- تجزیه و تحلیل کمی ریسک ۵- برنامه ریزی برای واکنش در برابر ریسک ۶- نظارت و کنترل ریسک. اکنون هر مرحله از این فرایند ریسک مورد بررسی قرار می‌گیرد تا تغییرات لازم برای پوشش دادن فرصتها شناسایی گردند. الف- برنامه ریزی مدیریت ریسک: این مرحله مقدماتی از فرایند ریسک اطمینان می‌دهد که اهداف پروژه به وضوح بیان و درک شده‌اند و توجه فرایند ریسک را بر حول نیازهای روشن یک پروژه خاص معطوف می‌دارد و نتایج را در یک طرح مدیریت ریسک مستند می‌کند. این کاملاً مهم است که قبل از مبادرت کردن به تشخیص ریسک، اهداف فرایند مدیریت ریسک باید مورد توافق قرار گیرد. همچنین نقشها و مسئولیتها، روش بازننگری کردن و گزارش نتیجه کار و... ضروری است. برنامه مدیریت ریسک بخش جدایی ناپذیر از برنامه مدیریت پروژه است که تعیین می‌کند یک پروژه چقدر ریسک خواهد داشت. این مرحله جهت ناسازگاری با مدیریت فرصت، نیازی به تغییرات اساسی ندارد. زیرا آن صرفاً فرایندی که باید سرلوحه کار قرار گیرد را تعیین می‌کند. البته در صورتی که تکنیک‌های خاص فرصت به کار برده شوند یا بعداً طراحی گردند، این مرحله باید همه موارد بالا را دربرگیرد. همچنین ممکن است بیان صریح این مطلب که «روش مدیریت ریسک در این طرح، فرصتها و تهدیدها را توأمان مدیریت می‌کند» سودمند واقع شود زیرا همان طور که جلوتر هم بحث شد، این روش یک رویه رایجی نیست و بنابراین، ممکن است نیاز شود در آغاز پروژه این مورد تأکید گردد که کاربران پروژه بدانند که انتظارات چیست؟ ب- تشخیص ریسک: تکنیک‌های زیادی برای شناسایی ریسک وجود دارد، مانند تکنیک طوفان فکری و کارگاههای فکری (WORKSHOPS)، چک لیست و لیستهای آماده، پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌ها، تکنیک گروههای دلفی یا گروه اسمی، و روشهای نموداری مختلف مانند نمودارهای علت معلولی، پویاییهای سیستمها، نمودارهای نفوذ (INFLUENCE DIAGRAMS) و غیره. اینها شامل تکنیک‌های خلاقیت و آن چیزهایی است که براساس تجربیات قبلی ترسیم شده است و همچنین اینجا روشهای گروهی به اندازه روشهای انفرادی کاربرد دارند. باید متذکر شد که در شناسایی ریسک هرگز «بهترین روش» وجود ندارد و باید ترکیب مناسبی از روشهای مورد استفاده قرار گیرد. هر یک از تکنیک‌های عمومی شناسایی ریسک که در بالا فهرست گردیده است، می‌تواند در تئوری برای تشخیص فرصتها و تهدیدها اثربخش ظاهر گردند، اگرچه تجربه بیشتر تیم‌های پروژه‌ای، به هنگام استفاده از این روشها، بیشتر متمرکز بر تهدیدات پروژه است. زمانی که سهامداران روش معمول خود را برای شناسایی ریسک به کار می‌برند، این نیروی عادت موجب می‌شود که آنها به هیچ روش دیگری - به جزء روشهایی که تنها تهدیدات را دربرمی‌گیرند - فکر نکنند. در نتیجه، ممکن است سودمند باشد که روشهای دیگری برای شناسایی ریسک به کار ببریم که می‌توانند ریسک را روشن تر از تکنیک‌های موجود به ما معرفی کنند. همانند سه روشی که در اینجا به آن اشاره می‌شود: تجزیه و تحلیل SWOT: این روش برای تشخیص نقاط ضعف و قوت سازمانی، فرصتها و تمیدهای خاص پروژه است. تکنیک‌های نرمال خلاقیت مربوط به طوفان فکری نیز می‌توانند قابل استفاده باشند. ولی کارگاههای فکر در چهار مرحله ساختار داده شده است. دو تا از آنها صریحاً جنبه‌های مثبت را معرفی می‌کنند یعنی تواناییهای سازمانی و فرصتهای پروژه، ترتیب شناسایی (منظور، تشخیص تواناییها قبل از ضعفها و تشخیص فرصتها قبل از تهدیدها) به ما کمک می‌کند که بر گرایش طبیعی خود در مورد توجه بیشتر به عوامل منفی موجود غلبه کنیم. این مسئله باید مورد توجه قرار گیرد که استفاده شایسته از این تکنیک‌ها مستلزم انجام یک مرحله تجزیه و تحلیل در رابطه با تواناییها و ضعفها و فرصتها و تهدیدها و اولویت بندی نتایج برای تحقق بخشیدن به مرحله عمل است. ولی با این حال، در بیشتر موارد، گروهها روش شناسایی (SWOT=STRENGTH, WEAKNESS, OPPORTUNITY, THREAT) را بدون مرحله تجزیه و تحلیل انجام می‌دهند. تجزیه و تحلیل مفروضات و بازدارنده‌ها: «مفروضات» نتایج احتمالی یک تصمیم را در یک

فضای عدم اطمینان شرح می دهند، درحالی که «بازدارنده ها» محدودیتهای پروژه ای را که در پروژه باید اعمال گردند، تعیین می کند. خوشبینانه بودن مفروضات امری معمول است. (یعنی بهترین وضعیت را در نظر می گیریم). مفروضات می توانند مانند ریسکهای بالقوه مورد آزمایش قرار گیرند، زیرا یک فرض غلط می تواند یک تهدیدی جدی برای پروژه به وجود بیاورد. این روش می تواند برای سنجش بازدارنده ها نیز توسعه داده شود. در مواردی ممکن است یک فرصت شناسایی شده دستیابی به اهداف پروژه را تسهیل کند یا آنها را بهبود بخشد. تجزیه و تحلیل میدان نیرو: این تکنیک به طور کلی در تصمیم گیریهای استراتژیک برای تشخیص تاثیرات مثبت و منفی تصمیم اتخاذ شده در دستیابی به اهداف پروژه به کار می رود. شاید ساده باشد که این روش را برای تشخیص ریسک های پروژه ای از طریق تعیین فاکتورهایی که ممکن است جلوی موفقیت پروژه را بگیرند (تمدیدات) و همین طور آنهایی که موفقیت پروژه را تسهیل می کنند (فرصتها) - قبول کنیم و خود را با آن وفق دهیم. همچنین ممکن است برخی از تکنیک های مدیریت ارزش برای شناسایی توانائیهای بالقوه و همانطور مشکلات بالقوه در قالب یک روش تعدیل گردند. ج - تجزیه و تحلیل کیفی ریسک: به منظور معین کردن اثر بالقوه و احتمالی ریسکها - ریسکهای شناسایی شده - بر اهداف پروژه همگی این ریسکها از نظر کیفی ارزیابی می شود و به منظور توجه بیشتر اولویت بندی می گردد. تکنیک مهم برای این منظور، «ماتریس احتمال - تاثیر» که احتمال و اثرهای هر ریسک را بر اساس مقیاسهای تعریف شده ارزیابی کرده و روی یک شبکه دوبعدی ترسیم می کند. موقعیت روی ماتریس نشانگر اهمیت نسبی ریسک و بالا، متوسط و پایین بودن درجه ریسک هاست. بدین وسیله ریسکها درجه بندی می گردد. این روش می تواند برای ارزیابی تهدیدها و فرصتها مورداستفاده قرار بگیرد، اگرچه دشوار است که مجسم کنیم چگونه یک ماتریس احتمال - تاثیر می تواند به روشنی وضعیت هر دو (فرصتها و تهدیدها) را به ما نشان دهد. زیرا مقیاس تاثیر نیازمند انعکاس تاثیرات مثبت و منفی ریسک است. بعضی از صاحب نظران استفاده از دو شبکه را توصیه می کنند. یکی برای تهدیدات (تاثیرات منفی) و دیگر برای فرصتها (تاثیرات مثبت). در هر شبکه ریسک های با احتمال بالا و با تاثیر بالا اولویت بندی می گردد زیرا ریسکها یکی از این موارد هستند: تهدیدهای بازدارنده که باید تا سرحد امکان از آن اجتناب و یا فرصتهای طلایی که تا سرحد امکان باید از آنها استفاده کرد. ممکن است یک تغییر جزئی در ماتریس دو گانه «احتمال - تاثیر» مفید باشد یعنی بعد تاثیر ماتریس را به دو بخش فرصتها و تهدیدات تقسیم کنیم که این امر موجب می شود فرصتها و تهدیدات کلیدی به واسطه تمرکز بر پیکان دقت به راحتی درک شوند. - تجزیه و تحلیل کمی ریسک: این مرحله در پی سنجیدن اثرات کمی ریسک بر اهداف پروژه است. برای این منظور از ابزارهایی نظیر تحلیل حساسیت، درختهای تصمیم و تحلیل مونت کارلو استفاده می کنند. این ابزارها مدلی را طراحی می کنند که تمام پروژه یا عوامل کلیدی پروژه را دربر گرفته و عدم اطمینانها را روی اهداف پروژه تحلیل می کند. تمامی تکنیک های کمی می تواند برای محاسبه اثرات مثبت و منفی عدم اطمینان به کار رود زیرا آنها مقدار ارزش متغیرها را مانند زمان، هزینه، منابع و... تخمین می زنند. بهترین حالت تخمین ارزش در دامنه (حداقل یا خوش بینی) باید اثر فرصتها را در کاهش زمان فعالیت و هزینه فعالیت دربرگیرد درحالی که بدترین حالت (حداکثر یا بدبینی) تنها اثرات تهدیدها را تخمین می زند. اگر دامنه ها تهدیدها و فرصتها را کاملاً مشخص کند، آنگاه می توان از تکنیک های تحلیل کمی برای مشخص کردن تاثیر عدم اطمینانها اهداف پروژه استفاده کرده - برنامه ریزی برای واکنش در برابر ریسک: هدف این مرحله بهبود بخشیدن به واکنشها در برابر ریسکها است. ریسک هایی که مناسب و قابل تحمل هستند. سهامداران نیز برای هر پاسخ ریسک یک مسئولی برای اقدام و نظارت بر اثربخشی تعیین می کنند. معمولاً واکنشهای ریسک را بر مبنای اثری که بر رفتار ریسک مورد نظر دارند، گروه بندی می کنند. اصولاً واکنشهای ریسک در این چهار گروه طبقه بندی می گردد. که به آنها استراتژی های ریسک نیز می گویند: ۱ - اجتناب کردن: در اینجا باید عدم اطمینان را از پروژه حذف کرد یعنی باید رخ دادن ریسک در پروژه را غیرممکن ساخت (احتمال اتفاق آن را به صفر رساند). یا می توان طرح را از راه دیگری اجرا کرد که نهایتاً به همان اهداف از پیش تعیین شده

رسید. در نتیجه پروژه از تاثیر ریسک در امان می ماند. (اثر ریسک بر پروژه را به صفر رساند) ۲ - انتقال دادن: یافتن یک شخص خطرپذیر دیگر که توانایی بیشتری در اداره کردن ریسک دارد یعنی کسی که مسئولیت انجام عمل را عهده دار گردد. ۳ - آرام کردن: کاستن از میزان ریسک در راستای قابل قبول کردن آن برای پروژه یا سازمان از طریق کاهش تاثیر یا احتمال ریسک. ۴ - پذیرفتن: این ریسکها را باید پذیرفت و به آن واکنش نشان داد خواه به صورت فعال از طریق تخصیص هزینه مناسب یا به صورت انفعالی بدون انجام دادن هیچ کاری. این چهار نوع استراتژی صرفاً در ارتباط با تهدیدها مناسب هستند و گرنه هیچ مدیری نمی خواهد از یک فرصت اجتناب کند و یا اینکه از تاثیر یا احتمال وقوع فرصت بکاهد. بنابراین، استراتژی های جدیدی برای پاسخ به فرصتها نیاز است. پیشنهاد می گردد این استراتژی ها می تواند از استراتژی های تهدید مشتق گردد. این عمل از طریق کلیت بخشیدن به روش به کار گرفته شده برای تهدیدها می تواند صورت گیرد. چهار استراتژی برای واکنش نشان دادن به فرصتها پیشنهاد می گردد که عبارتند از: ۱ - بهره گیری کردن: این استراتژی موازی با استراتژی اجتناب است که روشی برای حذف عدم قطعیت است. این استراتژی در تلاش است تا فرصتها حتماً رخ دهد. (منظور این است که احتمال وقوع فرصت را تا ۱۰۰ درصد افزایش می دهد). معیارهای به کار گرفته شده در این استراتژی سعی می کنند اطمینان بدهند که مزایای حال از فرصت مورد نظر - در صورت تحقق آن - در پروژه عملی می شود. ۲ - سهیم بودن: استراتژی انتقال دادن، تفویض کردن مسئولیت به شخص سومی است که بهتر می تواند تهدیدات در کمین سازمان را اداره کند. در استراتژی سهیم بودن ما در جستجوی شرایطی هستیم که توانایی بیشتری در اداره کردن فرصتها دارد. یعنی کسی که می تواند شانس وقوع فرصت را به حداکثر برساند و فواید بالقوه آن را افزایش دهد. همان طور که استراتژی انتقال، تهدیدات را منتقل می کند این استراتژی نیز فرصتها را به روشی یکسان تقسیم می کند. ۳ - افزایش دادن: همسنگ استراتژی آرام کردن یک تهدید، استراتژی افزایش دادن فرصت است. آرام کردن، درجه تهدید را از طریق کاهش احتمال یا تاثیر پایین می آورد. در حالی که استراتژی افزایش دادن در پی افزایش احتمال در راستای به حداکثر رساندن مزایای پروژه است. ۴ - نادیده گرفتن: استراتژی پذیرفتن، به جز تهدیداتی که احتمال اثرگذاری نسبی در پروژه دارند برای مابقی تهدیدات هیچ برنامه ای را در نظر نمی گیرد. بنابراین، فرصتهای جزئی نیز می تواند تحت استراتژی نادیده گرفتن قرار گیرند. در این استراتژی یک روش واکنشی بدون انجام یک عملکرد روشن اتخاذ می گردد. برنامه ریزی برای واکنش در برابر ریسک، مرحله بسیار مهمی است زیرا تصمیماتی که در این مرحله گرفته می شود مستقیماً ریسک پروژه را تحت تاثیر قرار می دهد. در نتیجه در این مرحله این مسئله اهمیت زیادی دارد که فرصتها و تهدیدها به طور موثر با هم در ارتباط باشند، اگر مزایای ریسک (فرصت و تهدید) از طرف پروژه و سازمان تضمین گردد. و - نظارت و کنترل ریسک: هدف مرحله نهایی فرایند مدیریت ریسک، نظارت بر وضعیت ریسک های شناسایی شده، ریسک های جدید، اطمینان حاصل کردن از اجرای صحیح واکنشها و بازنگری درخصوص اثربخشی آنها و همچنین نظارت بر تغییرات ریسک در تمام مراحل پیشرفت پروژه است. همایشهای بازنگری ریسک ممکن است برای ارزیابی آخرین وضعیت ریسک های پروژه برگزار گردد و همایشهای بازنگری پروژه نیز باید بر محور گزارشهای تیم پروژه ای که روی ریسک های کلیدی و واکنشهای توافق شده کار می کنند - برگزار گردد. همچنین در اثربخشی فرایند ریسک باید بازنگری صورت گیرد تا اطمینان حاصل شود نیازهای مدیریت ریسک برآورده می شود. روش انتخاب شده در این مرحله باید هم درمورد تهدیدها و هم درمورد فرصتها کاربرد یکسانی داشته باشد و هیچ گونه تغییراتی ولو اندک پیشنهاد نمی گردد. این مرحله نبایستی کم اهمیت تلقی شود زیرا بسیاری از سازمانها به خاطر کم توجهی نسبت به این مرحله از فرایند، عملاً از دستیابی به اهداف ناکام ماندند. نتیجه گیریشکی نیست که سیمای پروژه ها آرایش عظیمی از عدم اطمینانهای است که پتانسیل زیادی برای اثرگذاری بر اهداف نهایی آنها دارند. همچنین واضح است که برخی از عدم اطمینانها ممکن است در صورت به وقوع پیوستن سودآور باشند. همان طور که در بسیاری از موارد می تواند منشا آسیب رساندن به سازمان باشند. کاربران مدیریت ریسک به طور فزاینده ای این

مطلب را پذیرفته اند که تعریف ریسک به عنوان «عدم اطمینانی که می تواند بر اهداف اثر بگذارد» شامل هم فرصتها و هم تهدیدها می گردد. اگرچه یک بحث همیشگی در مورد تعریف این واژه بین صاحب نظران وجود دارد. به هر حال هر تعریفی که استفاده شود، این مسئله غیرقابل انکار است که هم تهدیدها و هم فرصتها باید توسط مدیران پروژه به طور پویا مدیریت گردند. حال این سوال مطرح می شود که آیا یک فرایند به طور اثربخش می تواند بین این دو رابطه برقرار کند. این مقاله تعدادی از مصادیق ساده برای فرایند استاندارد مدیریت ریسک که ثابت می کند تهدیدها و فرصتها می توانند با همدیگر و در یک فرایند مشابه به کار بروند ارائه داد. خصوصاً بعضی از تکنیک های جدید شناسایی ریسک که صریحاً در جستجوی تردیدهای فراسوی (فرصت) هستند، پیشنهاد داد. همچنین یک ماتریس دوبعدی احتمال تاثیر را توصیه می کند که شیوه ای کارا برای نشان دادن اهمیت نسبی فرصتها و تهدیدهاست و نهایتاً استراتژی های جدید واکنش در برابر فرصتها مطرح شد که اساس طراحی این استراتژی ها نیز عمدتاً بر مبنای استراتژی های مورد استفاده شده برای تهدیدات است. بسط فرایند مدیریت ریسک می تواند به طور موثری فرصتها و تهدیدها را اداره کند. و اینکه هیچ نیازی به فرایند جداگانه برای مدیریت فرصتها نیست و با اندکی تعدیل در فرایند، می تواند جزء لاینفک از مدیریت ریسک باشد و همسان با تهدیدها اداره شود. و مدیریت ریسک نیز در راستای دستیابی به مزایای پروژه و سازمان، فرصتها را به صورت پویا اداره کند. منبع: ماهنامه تدبیر-سال چهاردهم-شماره ۱۳۶

مدیریت ریسک، رویکردی نوین برای ارتقای اثربخشی

دکتر محمدعلی بابایی - حمیدرضا وزیرزنجانی

چکیده: عدم اطمینان محیطی و شدت رقابت سازمانها و مدیران، آنها را با چالشهای متعدد مواجه ساخته است. برای مدیر مؤثر این چالشها، رویکردهای نوین مدیریت و شایستگیهای خاص طرح و توصیه شده است. شناسایی و مدیریت ریسک یکی از رویکردهای جدید است که برای تقویت و ارتقای اثربخشی سازمانها مورد استفاده قرار می گیرد. به طور کلی، ریسک با مفهوم احتمال متحمل زیان و یا عدم اطمینان شناخته می شود که انواع مختلف و طبقه بندیهای متنوع دارد. یکی از این طبقه بندیها ریسک سوداگرانه و ریسک خطرناک است. تمامی اشکال ریسک شامل عناصر مشترکی چون محتوا، فعالیت، شرایط و پیامدها هستند. طبقه بندی دیگر ریسک استراتژیک و ریسک عملیاتی است. مدیریت ریسک به مفهوم سنجش ریسک و سپس اتخاذ راهبردهایی برای مدیریت ریسک دلالت دارد. انواع ریسک ها بر حسب احتمال وقوع و تأثیر آنها قابل تقسیم است که نتیجه آن پورتنفوی ریسک و اعمال استراتژیهای مناسب (انتقال، اجتناب، کاهش و پذیرش) است. مقدمات حولات عمده در محیط کسب و کار، مثل جهانی شدن کسب و کار و سرعت بالای تغییرات در فناوری، باعث افزایش رقابت و دشواری مدیریت در سازمانها گردیده است. در محیط کسب و کار امروز، مدیریت و کارکنان می بایست توانایی برخورد با روابط درونی و وابستگیهای مبهم و بغرنج میان فناوری، داده ها، وظایف، فعالیتها، فرایندها و افراد را دارا باشند. در چنین محیطهای پیچیده ای سازمانها نیازمند مدیرانی هستند که این پیچیدگیهای ذاتی را در زمان تصمیم گیریهای مهمشان لحاظ و تفکیک کنند. مدیریت ریسک مؤثر که بر مبنای یک اصول مفهومی معتبر قرار دارد، بخش مهمی از این فرایند تصمیم گیری را تشکیل می دهد. در این مقاله این اصول بوسیله شناسایی عناصر اصلی ریسک و بررسی چگونگی تأثیر بالقو؟ این عناصر در موفقیت سازمانها و چگونگی مقابله و مدیریت ریسک ها مورد بحث قرار می گیرد. تعریف ریسک و انواع آن تعریف ریسک: برای درک طبیعت ریسک، ابتدا باید از تعریف آن آغاز کرد. اگرچه تفاوتیهای فراوانی در چگونگی تعریف ریسک وجود دارد، ولی تعریفی که در ادامه ارائه می شود، به طور مختصر ماهیت آن را نشان می دهد: ریسک یعنی احتمال متحمل شدن زیان (DOROFEE-۹۶). این تعریف شامل دو جنبه اصلی از ریسک است: * مقدار زیان می بایست ممکن باشد؛ * عدم اطمینان در رابطه با آن زیان نیز می بایست وجود داشته باشد. در اکثر تعاریفی که از ریسک شده است،

به صورت روشن به دو جنبه آن، یعنی زیان و عدم اطمینان، اشاره شده است. ولی سومین جنبه؟ آن، یعنی انتخاب، معمولاً به صورت ضمنی مورد اشاره قرار می‌گیرد که منظور از انتخاب، چگونگی توجه نمودن به آن است. این سه شرط، پایه های اساسی ریسک و مبنایی برای بررسی عمیق تر آن هستند. انواع مختلف ریسک: اصطلاح ریسک بصورت گسترده ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، ولی مخاطبان مختلف اغلب تعبیرهای نسبتاً مختلفی از آن دارند (KLOMAN-۹۰). برای مثال، شیوه ارتباط ریسک با فرصت به شرایط تلقی ریسک بستگی دارد. بعضی اوقات، یک وضعیت هم فرصت سودآوری و هم امکان بالقو؟ زیان را فراهم می‌سازد نماید. ولی در موارد دیگر، فرصت سودآوری وجود ندارد، تنها امکان بالقو؟ زیان موجود است. بنابراین ریسک می‌تواند دارای دو نوع تقسیم فرعی دیگر باشد: * ریسک سوداگرانه؛ * ریسک خطرناک. در شکل شماره یک تفاوت میان این دو مقوله به تصویر کشیده شده است. در ریسک سوداگرانه، شما می‌توانید یک سودآوری تحقق یافته یا بهبودی در روال شرایط نسبت به وضع موجودتان داشته باشید. و به طور همزمان نیز امکان بالقوه ای برای تجربه؟ یک زیان یا بدتر شدن شرایط نسبت به وضع موجود را داشته باشید. قمار بازی یک مثال از انجام یک ریسک سوداگرانه است. وقتی شما یک شرط بندی انجام می‌دهید، می‌بایست احتمال به دست آوردن پول بیشتر در مقابل انتظار از دست دادن میزان شرط بندی تان، مورد ارزیابی قرار دهید. در این مثال، هدف کلی افزایش ثروتان است، و تمایل شما به سرمایه گذاری در ریسک، به منظور فراهم ساختن یک فرصت سودآورانه است. در مقابل، ریسک خطرناک فقط یک امکان بالقو؟ زیان به همراه دارد و هیچ فرصتی برای بهبود روال شرایط فراهم نمی‌سازد. برای مثال، به چگونگی در نظر گرفتن امنیت، به عنوان یک ریسک خطرناک توجه کنند. فرض کنید که شما نگران محافظت از اشیاء با ارزشی باشید که در خانه نگهداری می‌شوند. هدف اصلی شما در این مثال، اطمینان از عدم دستبرد به اشیاء موجود در منزل شما بدون اطلاع و اجازه از جانب شماست. بعد از بررسی میزان کیفیت امنیت اشیاء، امکان دارد که شما تصمیم به نصب یک سیستم امنیتی در منزلتان به منظور جلوگیری از ورود دزد و سرقت اشیاء بگیرید. توجه کنید که هدف در این مثال، طبق تعریف، تنها تمرکز ریسک بر روی محدود؟ امکان بالقو؟ زیان است. در اکثر شرایط مناسب، شما تنها آنچه را که هم اکنون مالک آن هستید، محافظت می‌کنید. و هیچ امکان بالقوه ای برای سودآوری وجود ندارد. در این مثال، شما تمایل به کسب آرامش خاطر به واسطه جلوگیری از عواقب ناخوشایند ورود به منزلتان دارید. هدف شما به عنوان احساس امنیت بیشتر، تعیین کننده شرایطی است که ریسک منظور می‌شود. بعد از تجزیه و تحلیل شرایط، شما ممکن است تصمیم به نصب یک سیستم امنیتی در منزلتان به منظور ایجاد موانع برای سارقان بگیرید. ممکن است اینگونه استدلال کنید که افزایش امنیت احتمالاً برای شما احساس امنیت بیشتری به ارمغان خواهد آورد و متعاقباً باعث کسب آرامش خاطر می‌شود که شما به دنبال آن هستید. در این مثال، شما تمایل به سرمایه گذاری مالی در یک سیستم امنیتی به منظور فراهم آوردن یک فرصت احساس امنیت بیشتر برای خود دارید. ریسک امنیتی در این مثال، سوداگرانه است زیرا در این مورد میزان تحمل برای ریسک (به عنوان مثال، مقدار پولی که شما تمایل دارید در یک سیستم امنیتی سرمایه گذاری کنید) با میزان علاقه شما برای تحقق یک فرصت (به عنوان مثال، کسب آرامش خاطر) در توازن است. بنابراین، ریسک به صورت کاملاً مشخص و روشنی قابل طبقه بندی به عنوان سوداگرانه و خطرناک بر مبنای نوع آن نیست، بلکه بر اساس شرایطی که آن ادراک می‌شود، قابل دسته بندی است. عناصر اصلی ریسک تمامی اشکال ریسک، چه آنها به عنوان ریسک سوداگرانه طبقه بندی شده باشند، چه به عنوان ریسک خطرناک، شامل عناصر مشترکی هستند که شامل چهار عنصر ذیل است: ۱- محتوا؛ ۲- فعالیت؛ ۳- شرایط؛ ۴- پیامدها. محتوا یعنی زمینه، وضعیت، یا محیطی که ریسک در آن منظور شده و مشخص کننده فعالیتها و شرایط مرتبط با آن وضعیت است. به عبارت دیگر، محتوا نمایی از تمامی پیامدهای سنجیده شده فراهم می‌سازد. بدون تعیین یک محتوای مناسب، به طور قطع نمی‌توان تعیین نماید، کدامین فعالیتها، شرایط و پیامدها می‌بایست در تجزیه و تحلیل ریسک و فعالیتهای مدیریتی در نظر گرفته شوند. بنابراین، محتوا، مبنایی برای تمامی فعالیتهای بعدی مدیریت ریسک فراهم

می‌کند. بعد از ایجاد یک محتوا، عناصر باقی مانده در ریسک به‌طور مناسبی قابل بررسی هستند. عنصر فعالیت یعنی عمل یا اتفاقی که باعث ریسک می‌شود. فعالیت، عنصر فعال ریسک است و می‌بایست با یک یا چندین شرط ویژه برای ظهور ریسک ترکیب شود. تمامی اشکال ریسک با یک فعالیت به‌وجود می‌آیند؛ بدون فعالیت، امکان ریسک وجود ندارد. در حالی که فعالیت، عنصر فعال ریسک است، شرایط تشکیل دهند؟ عنصر منفعل ریسک است. این شرایط تعیین‌کننده وضعیت جاری یا یک مجموعه از اوضاع و احوال است که می‌تواند به ریسک منجر شود. شرایط، وقتی با یک فعالیت آغازگر خاص ترکیب می‌شود، می‌تواند یک مجموعه از پیامدها یا خروجی‌ها را تولید کند. پیامدها، به‌عنوان آخرین عنصر ریسک، نتایج یا اثرات بالقو؟ یک فعالیت در ترکیب با یک شرط یا شرایط خاص است. ریسک استراتژیک و عملیات‌ریسک استراتژیک، ریسکی است که یک سازمان برای تحقق اهداف تجاری‌اش می‌پذیرد. در مضمون این تعریف امکان بالقو؟ سودآوری و زیاندهی هر دو وجود دارد، که ریسک استراتژیک را طبیعتاً سوداگرانه می‌سازد. توجه کنید که چگونه چهار عنصر ریسک برای ریسک استراتژیک به‌کار برده می‌شود. برای مثال، شرایطی را فرض کنید که مدیریت ارشد در یک مؤسسه مالی در حال بررسی دربار؟ ورود به یک بازار جدید، مثل ایجاد خدمات بانکداری آنلاین است. از آنجایی که این امر به‌واسط؟ فرایند تصمیم‌گیری به اجرا گذاشته می‌شود، مدیریت می‌بایست فرصت‌ها و تهدیدهای بالقو؟ موجود در آن بازار را بررسی کند. محتوا در این مثال خاص، بازار خدمات بانکداری آنلاین است. تمامی فعالیتها، شرایط و پیامدها می‌بایست در داخل این محتوای خاص در نظر گرفته شوند. فعالیتها در این مثال طیفی از انتخابهای استراتژیک سنجیده شده است. مدیریت تعدادی از انتخابهای قابل پیگیری، شامل چهار مورد زیر را پیش روی دارد: ۱ - تصمیم گرفتن برای ورود فوری به بازار؛ ۲ - انجام اقدام احتیاطی از طریق ارائه خدمات آزمایشی اندک؛ ۳ - در حال حاضر عملی انجام ندادن، ولی محفوظ نگهداشتن حقوق برای اقدامات آتی؛ ۴ - تصمیم گرفتن برای عدم ورود به بازار. شرایط در این مثال، شامل روندهای جاری و عدم اطمینان نسبت به خدمات بانکداری آنلاین، از جمله تعداد مشتریان بالقوه، آنچه که رقبا ممکن است انجام بدهند، و شایستگیهای اصلی سازمان در حال حاضر است. ترکیب هر فعالیت استراتژیک با روندهای جاری و عدم اطمینان، یک طیفی از پیامدها، یا مجموعه‌ای از سودآوری و زیاندهی بالقو؟ برای سازمان تولید می‌کند. مدیریت درجه نسبی هر فرصت و ریسک ناشی از هر فعالیت استراتژیک را مورد بررسی قرار می‌دهد. آنها بهترین انتخاب را بر مبنای میزان تحمل ریسک درمقابل میزان تمایل برای به‌دست آوردن مزایایی از فرصتهای آن، انجام می‌دهند. بنابراین، چهار عنصر اصلی ریسک یک ابزار مفید برای تجزیه و درک یک ریسک تجاری استراتژیک فراهم می‌سازد. این عناصر همچنین در زمان بررسی یک ریسک خطرناک، مثل ریسک عملیاتی، مفید واقع می‌شود. ریسک عملیات‌مدیران در تمامی سازمانها با ریسک سروکار دارند. تمرکز مدیریت در سطوح بالای سازمان در اکثر اوقات روی طبیعت سوداگران؟ ریسک است. مدیریت، ریسک سرمایه‌گذاری داراییهای سازمانی را در مقابل بازگشت بالقو؟ آن سرمایه‌گذاری تعدیل می‌کند و با ملاحظات استراتژیک، ریسک را در فعالیتهای پورتفوی سازمان و سرمایه‌گذاریها، مدیریت می‌کند. باوجود این، در سطوح عملیاتی یک سازمان، کارکنان و مدیریت طبق معمول تمرکزشان روی مدیریت یک نوع از ریسک خطرناک به نام ریسک عملیاتی است. همچنان که کارکنان و مدیریت فرایندهای کاری را به‌اجرا در می‌آورند، ریسک‌های عملیاتی شروع به ظهور می‌کنند. نقصان موجود در ذات فرایندها می‌تواند به عدم کارایی و مشکلاتی در خلال عملیات منجر شود که این امر می‌تواند اثر نامطلوبی بر موفقیت سازمان بگذارد. متأسفانه، تعریف جهان‌شمولی دربار؟ اصطلاح ریسک عملیاتی وجود ندارد. کمیته سرپرستی بانکداری بَسِل (Basel) یک چارچوب کاملاً مناسب منتشر کرده است که به‌عنوان Basel II مشهور است و شامل یک تعریف از ریسک عملیاتی به‌شمار می‌رود که به‌طور گسترده‌ای توسط انجمن مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ریسک عملیاتی، طبق تعریف چارچوب Basel II، ریسک زیان ناشی از عدم کفایت یا نقص فرایندهای داخلی، افراد و سیستم‌ها یا از وقایع خارجی تعریف می‌شود. تعریف دیگری از ریسک عملیاتی نیز موجود است: ریسک

عملیاتی، یعنی امکان بالقو؟ عدم توفیق در دسترسی به اهداف مأموریت. این تعریف شامل زیان (ناکامی در رسیدن به اهداف مأموریت) و عدم اطمینان (احتمال وقوع یا عدم وقوع ناکامی) است. به‌طور همزمان، این تعریف مناسب برای استفاده در اکثر زمینه‌های متفاوت است. به‌طور خلاصه، اگرچه اشکال مختلفی از ریسک (از جمله، ریسک تجاری، عملیاتی، پروژه ای و امنیتی) وجود دارد، ولی تمامی آنها مبنای مفهومی یکسانی دارند. در عین حال، می‌توان تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای میان ملموس انواع مختلف ریسک بر مبنای محتوای درک شده، قائل شد. برای مثال، یک ریسک سوداگرانه، مثل یک ریسک تجاری، خصلتهای منحصر به فردی دارد که آن را از یک ریسک خطرناک، از جمله ریسک عملیاتی، متمایز می‌سازد. طبیعت سوداگرانه یک ریسک تجاری هم سودآوری و هم زیان را در پی خواهد داشت، درحالی‌که ریسک عملیاتی هیچ فرصتی برای سودآوری ایجاد نمی‌کند. همانگونه که قبلاً گفته شده، تعریف ریسک عملیاتی به کار رفته در این متن چنین می‌باشد: ریسک عملیاتی، یعنی امکان بالقو؟ عدم توفیق در دسترسی به اهداف مأموریت. شکل ۳ چگونگی تعبیر چهار عنصر ریسک را در ریسک عملیاتی نشان می‌دهد. عبارت موجود در شکل منعکس کننده اصطلاحات رایج و مرسوم در توصیف ریسک عملیاتی است. توجه کنید که مأموریت یک فرایند کار همان محتوایی است که ریسک عملیاتی در آن منظور گردیده است. تعریف مأموریت، نخستین مرحله؟ حیاتی در توصیف ریسک عملیاتی است، زیرا این مرحله اساس تشخیص، شرح و تفسیر ریسک عملیاتی را تشکیل می‌دهد. تمامی دیگر عناصر مشخص شده در شکل ۲، در ارتباط با مأموریت یک فرایند کاری بررسی شده است. جرعه همان عمل یا اتفاقی است که وقتی با آسیب پذیرهای موجود ترکیب شود، به یک طیفی از زیانهای بالقو؟ منجر می‌شود. آسیب پذیرها یعنی عیب و نقصهایی که فرایند را در معرض زیانهای قرار می‌دهد؛ ضربه‌ها به‌عنوان زیانهای بالقو؟ ناشی از یک ریسک درک شده، تعریف می‌شوند. در ریسک عملیاتی، تمامی زیانها از پیگیری مأموریت حادث شده‌اند. از آنجایی که این یک ریسک خطرناک است، ریسک عملیاتی امکان بالقوه‌ای برای زیاندهی فراهم می‌سازد و هیچ امکان بالقوه‌ای برای سودآوری ارائه نمی‌دهد. یک نوع از شرایط اضافی که می‌بایست به‌عنوان عامل برای معادله ریسک عملیاتی در نظر گرفته شود؛ کنترل‌ها است. در شکل ۲ رابط؟ میان کنترل‌ها و جرعه‌ها، آسیب پذیرها و ضربه‌ها نشان داده شده است. کنترل‌ها شرایط و وضعیتهایی هستند که محرک یک فرایند به‌سوی تحقق مأموریتش است. آنها شامل خط‌مشی‌ها، رویه‌ها، روال کارها، وضعیتها و ساختارهای سازمانی هستند که به‌منظور ایجاد یک تضمین معقول و منطقی برای دستیابی به مأموریتها و حذف، کشف و اصلاح حوادث ناخواسته، طراحی گردیده‌اند. کنترل‌ها می‌توانند به‌روشهای زیر، ریسک را کاهش دهند؛* حذف یک اتفاق آغازگر یا جرعه‌زا؛* کنترل میزان وقوع یک جرعه یا آغازگر و اجرای برنامه‌های اقتضایی در زمان مناسب؛* کاهش آسیب پذیرها؛* کاهش ضربه‌ها یا زیانهای بالقوه. بنابراین، یک سنجش صحیح از ریسک عملیاتی می‌بایست شامل اثرات کنترل‌ها علاوه بر چهار عنصر موجود باشد. معمولاً، افراد راجع به ریسک عملیاتی از اصطلاح تهدید استفاده می‌کنند. یک تهدید یعنی وضعیت یا اتفاقی که باعث ریسک می‌شود. یک تهدید ترکیبی از یک جرعه و یک یا چند آسیب پذیری می‌باشد، زیرا مجموع این دو عنصر مشخص کننده اوضاع و احوالی است که باعث خلق ضرر و زیان بالقوه‌ای می‌شود. مدیریت ریسک به‌طور کلی، مدیریت ریسک فرایند سنجش یا ارزیابی ریسک و سپس طرح استراتژی‌هایی برای ادار؟ ریسک است. در مجموع، استراتژی‌های به‌کار رفته شامل: انتقال ریسک به بخشهای دیگر، اجتناب از ریسک، کاهش اثرات منفی ریسک، و پذیرش قسمتی یا تمامی پیامدهای یک ریسک خاص هستند. مدیریت ریسک سنتی، تمرکزش روی ریسک‌های جلوگیری کننده از علل قانونی و فیزیکی بود (مثل حوادث طبیعی یا آتش سوزیها، تصادفات، مرگ و میر و دادخواهی‌ها). مدیریت ریسک مالی، از سوی دیگر، تمرکزش روی ریسک‌هایی بود که می‌تواند استفاده از ابزار مالی و تجاری را اداره کند. مدیریت ریسک ناملموس، تمرکزش روی ریسک‌های مربوط به سرمایه انسانی، مثل ریسک دانش، ریسک روابط و ریسک فرایندهای عملیاتی است. بدون توجه به نوع مدیریت ریسک، تمامی شرکت‌های بزرگ دارای تیم‌های مدیریت

ریسک هستند و شرکتها و گروه‌های کوچک به صورت غیر رسمی، در صورت عدم وجود نوع رسمی آن، مدیریت ریسک را مورد استفاده قرار می دهند. در مدیریت ریسک مطلوب، یک فرایند اولویت بندی منظور گردیده که بدان طریق ریسک‌هایی با بیشترین زیاندهی و بالاترین احتمال وقوع در ابتدا و ریسک‌هایی با احتمال وقوع کمتر و زیاندهی پایین تر در ادامه مورد رسیدگی قرار می گیرند. در عمل، این فرایند ممکن است خیلی مشکل باشد و همچنین در اغلب اوقات ایجاد توازن میان ریسک‌هایی که احتمال وقوع شان بالا و زیاندهی شان پایین و ریسک‌هایی که احتمال وقوع شان پایین و زیاندهی شان بالاست، ممکن است به طور مناسبی مورد رسیدگی قرار نگیرند. در نتیجه می توان ریسک‌های موجود در سازمان را از این دو بُعد نیز طبقه بندی کرد که در شکل ۳ نشان داده شده است. ریسک استراتژیک ریسکی است که سازمان برای تحقق اهداف تجاری خود می پذیرد. در دنیای کسب و کار پرتحول امروز، مدیریت ریسک از اهمیت روزافزونی برخوردار شده است. مدیریت ریسک ناملموس، یک نوع جدید از ریسک را معرفی می کند، ریسکی که احتمال وقوع اش ۱۰۰ درصد است، ولی در سازمانها به خاطر فقدان توانایی تشخیص، نادیده گرفته می شود. برای مثال ریسک دانش، زمانی رخ می دهد که دانش دارای ضعف و نقص به کار برده شود. ریسک روابط، زمانی رخ می دهد که همکاری بی اثر و نتیجه ای اتفاق افتد. ریسک فرایند عملیاتی، زمانی رخ می دهد که عملیات بی ثمری اتفاق افتد. این ریسک‌ها به صورت مستقیم بهره وری دانش کارکنان را کاهش داده، و باعث نزول مقرون به صرفه بودن از نظر اقتصادی، سودآوری، خدمات، کیفیت، شهرت، ارزش مارک و کیفیت درآمدها می شود. در واقع مدیریت ریسک ناملموس باعث می شود در مدیریت ریسک به واسطه شناسایی و کاهش ریسک‌هایی که عامل نزول بهره وری می باشند، ارزشهای آنی و مستقیمی خلق شود. در نتیجه می توان مدیریت ریسک را یک وظیفه ای شامل فرایندها، روشها، و ابزاری برای ادار؟ ریسک در فعالیتهای سازمانی است. که یک محیط منضبط برای تصمیم گیریهای پیشتازانه و غیر منفعل در موارد زیر فراهم می آورد:*

ارزیابی پیوسته در مورد آنچه که ایجاد اشکال می کند (ریسک)* شناسایی ریسک‌های مهم در راستای برخورد با آنها* اجرای استراتژی‌های مناسب به منظور اداره نمودن آن ریسک‌ها پارادایم مدیریت ریسک پارادایم یا الگوی مدیریت ریسک مجموعه ای از وظایف که به صورت یک سری فعالیتهای پیوسته در سرتاسر چرخه عمر یک مأموریت می باشند و عبارتند از: شناسایی ریسک‌ها؛* تحلیل؛* برنامه ریزی؛* پیگیری؛* کنترل. وظایف پیوسته در مدیریت ریسک: وظایف پیوسته مدیریت ریسک در قسمت پایین معرفی گردیده اند. هر ریسکی به طور طبیعی این وظایف را به طور متوالی طی می کند، ولی فعالیتها به صورت پیوسته، همزمان (مثلاً ریسک‌هایی پیگیری می شوند در حالی که به موازاتش ریسک‌های جدیدی شناسایی و تحلیل می شوند)، و تکراری (مثلاً برنامه کاهنده ای برای یک ریسک ممکن است برای ریسک دیگری مفید باشد) در سرتاسر چرخه حیات یک مأموریت اتفاق می افتند.* شناسایی: جستجو و مکان یابی ریسک‌ها، قبل از مشکل ساز شدن آنها.* تحلیل: تبدیل داده های ریسک به اطلاعات تصمیم گیری. ارزیابی میزان اثر، احتمال وقوع و محدود؟ زمانی ریسک‌ها و طبقه بندی و اولویت بندی ریسک‌ها.* برنامه ریزی: ترجمه اطلاعات ریسک به تصمیم‌ها و فعالیتها (هم حال و هم آینده) و به کارگیری آن فعالیتها.* پیگیری: بررسی شاخصهای ریسک و فعالیتهای کاهنده.* کنترل: اصلاح انحرافات نسبت به برنامه های کاهنده ریسک.* ارتباطات: اطلاعات و بازخورهای بیرونی و درونی از فعالیتهای ریسک، ریسک‌های موجود و ریسک‌های پدید آمده فراهم می سازد. استراتژی‌های مدیریت ریسک وقتی که ریسک‌ها شناسایی و ارزیابی شدند، تمامی تکنیک‌های ادار؟ ریسک در یک یا چند طبقه از چهار طبقه؟ اصلی قرار می گیرند: * انتقال * اجتناب * کاهش (یا تسکین) * پذیرش (یا نگهداری) استفاده مطلوب از این استراتژی‌ها شاید امکان پذیر نباشد. بعضی از آنها ممکن است مستلزم بده بستانهایی باشد که برای فرد یا سازمانی که در زمینه مدیریت ریسک تصمیم گیری می کند، قابل قبول نباشد. اجتناب از ریسک: استراتژی اجتناب، یعنی انجام ندادن فعالیتی که باعث ریسک می شود. به عنوان مثال ممکن است که یک دارایی خریداری نگردد یا ورود به یک کسب و کار مورد چشم پوشی قرار گیرد، تا از مشکلات و دردهای آنها

اجتناب شود. مثال دیگر در این زمینه، پرواز نکردن هواپیماست، تا از ریسک سرقت آن اجتناب شود. استراتژی اجتناب به نظر می رسد راه حلی برای تمامی ریسک‌هاست، ولی اجتناب از ریسک همچنین به معنی زیاندهی در مورد سودآوریهایی بالقوه ای است که امکان دارد به واسطه پذیرش آن ریسک حاصل شود. داخل نشدن به یک بازار به منظور اجتناب از ریسک، همچنین احتمال کسب سودآوری را ضایع می کند. کاهش ریسک: استراتژی کاهش، یعنی به کارگیری شیوه هایی که باعث کاهش شدت زیان می شود. به عنوان مثال می توان به کپسول های آتش نشانی که برای فرونشاندن آتش طراحی گردیده اند، اشاره کرد که ریسک زیان ناشی از آتش را کاهش می دهد. این شیوه ممکن است باعث زیانهای بیشتری بواسطه خسارات ناشی از آب شود و در نتیجه امکان دارد که مناسب نباشد. سیستم هالوژنی جلوگیری کننده از آتش ممکن است آن ریسک را کاهش دهد، ولی هزینه آن امکان دارد، به عنوان یک عامل بازدارنده از انتخاب آن استراتژی جلوگیری کند. پذیرش ریسک: استراتژی پذیرش، یعنی قبول زیان وقتی که آن رخ می دهد. در واقع خود-تضمینی یا تضمین شخصی در این طبقه جای می گیرد. پذیرش ریسک یک استراتژی قابل قبول برای ریسک‌های کوچک است که هزینه حفاظت در مقابل ریسک ممکن است از نظر زمانی بیشتر از کلیه زیانهای حاصله باشد. کلیه ریسک‌هایی که قابل اجتناب و انتقال نیستند، ضرورتاً قابل پذیرش هستند. اینها شامل ریسک‌هایی می شود که خیلی بزرگ هستند که یا محافظت در مقابل آن امکان پذیر نیست یا پرداخت هزینه بیمه آن شاید عملی نباشد. در این زمینه، جنگ به خاطر ویژگیهایش و عدم وجود تضمین نسبت به ریسک‌هایش، مثالی مناسب است. همچنین هر مقداری از زیاندهی بالقوه علاوه بر مقدار تضمین شده، ریسک پذیرفته شده محسوب می شود. همچنین ممکن است این حالت قابل قبول باشد در صورتی که امکان تحقق زیانهای سنگین، کم باشد یا هزینه بیمه کردن برای مقدار پوشش بیشتر، خیلی زیاد باشد به طوری که مانع بزرگی برای اهداف سازمانی ایجاد کند. انتقال ریسک: استراتژی انتقال، یعنی موجب شدن اینکه بخش دیگری ریسک را قبول کند، معمولاً بوسیله بستن قرارداد یا انجام اقدامات احتیاطی. بیمه کردن، یک نوع از استراتژی های انتقال ریسک با استفاده از بستن قرارداد است. در موارد دیگر این امر بواسطه قراردادهای کلامی انجام می گیرد که ریسک را به بخشهای دیگر بدون پرداختی بابت حق بیمه، انتقال می دهد. معمولاً بار مسئولیت در میان سازندگان ساختمان یا دیگر سازندگان بدین صورت انتقال می یابد. از سوی دیگر، استفاده از وضعیتهای تعدیل کننده در سرمایه گذاریهای مالی، یک نمونه از چگونگی انجام اقدامات احتیاطی توسط شرکتهای به منظور ادار؟ ریسک از نظر مالی است. بعضی از روشهای اداره نمودن ریسک، در تمامی طبقات جای می گیرند. پذیرش جمعی ریسک از لحاظ فنی یعنی تحمل ریسک توسط گروه، ولی توزیع آن در کل گروه، یعنی انتقال ریسک در میان افراد عضو در گروه. که این وضعیت متفاوت از بیمه سنتی است، که در آن هیچ حق بیمه ای پیشاپیش میان اعضای گروه مبادله نمی شود، ولی در عوض زیان حاصله به حساب تمام اعضای گروه گذاشته می شود. جمع بندیاز آنجا که دنیای کسب و کارو صنعت با تحولات و دگرگونیهای متعددی همچون جهانی شدن، برون سپاری و ایجاد ائتلافهای استراتژیک مواجه است، مدیریت ریسک در فعالیتهای سازمانها اعم از تجاری و غیر انتفاعی اهمیت روزافزونی یافته است. در این مقاله دیدگاهی روشن و مشخص نسبت به انواع مختلف ریسک در سطوح سازمانی و استراتژی های مدیریت آن را بحث کرده است. در بخش ابتدایی یک طبقه بندی از ریسک با توجه به نوع انتظار و پیامد آن (سودآوری یا حفظ وضع موجود) صورت پذیرفت: ریسک سوداگرانه و ریسک خطرناک، سپس انواع ریسک ها از جمله ریسک استراتژیک، ریسک مالی، ریسک عملیاتی و ریسک تجاری بررسی شد. صرفنظر از نوع آن، عناصر اصلی تمامی ریسک ها یکسان است، که شامل: محتوا، فعالیت، شرایط و پیامدها است. البته شاید این عناوین بسته به نوع ریسک، تغییراتی در ظاهر داشته باشند، ولی مفاهیم بنیادی آنها یکسان است. در انتهای این مقاله ضمن تعریفی مختصر از مدیریت ریسک و بعضی از موارد رایج و شایع آن در شرایط کسب و کار امروز، انواع استراتژی های متداول در مدیریت ریسک توضیح داده شده است، که شامل: استراتژی انتقال، استراتژی اجتناب، استراتژیک کاهش (یا تسکین) و استراتژی پذیرش (یا نگهداری) است. منابع

Dorfman, Mark S. (۱۹۹۷). Introduction to Risk Management and Insurance (۶th ed.),* Prentice Hall* .Stulz, René M. (۲۰۰۳). Risk Management & Derivatives (۱st ed.), Mason, Ohio: Thomson South-Western* .Alijoyo, Antonius (۲۰۰۴). Focused Enterprise Risk Management (۱st ed.), PT Ray Indonesia, Jakarta*. Alberts, Christopher & Dorofee, Audrey. Managing Information Security Risks: The OCTAVESM Approach Boston, MA:Addison-Wesley, ۲۰۰۲* . Kloman, H. F. "Risk Management Agonists." Risk Analysis (June ۱۹۹۰) منبع: ماهنامه تدبیر-سال هجدهم-شماره ۱۷۰

ارتباط مدیریت ریسک با اصول اخلاقی

خلاصه: در این مقاله به دنبال بررسی ارتباط میان مدیریت ریسک و اصول اخلاقی هستیم. به اعتقاد ما مدیریت ریسک مطلوب نیازمند اعتقاد و رعایت اصول اخلاقی نیک است و همچنین اصول اخلاقی نیک نیازمند مدیریت ریسک مطلوب است. عبارتی که شاید عجیب به نظر به رسد و به همان اندازه بی ربط؟ اجازه بدهید دیدگاه خود را ابتدا با گزاره مثبت به این صورت بیان کنیم: اول اینکه اگر یک سازمان می خواهد تا ریسک را به خوبی مدیریت نماید باید هر شخصی در سازمان به اصول شایسته اخلاقی پایبند باشد دوم اینکه اگر یک سازمان می خواهد تا اصول اخلاقی در آن حکم فرما باشد هر شخصی در سازمان باید بتواند به خوبی مدیریت ریسک کند. و در مقابل، اگر بخواهیم دیدگاه خود را با گزاره منفی بیان کنیم: ۳-یک سازمان که اجازه اقدام مخالف اصول اخلاقی را می دهد، در واقع به خوبی ریسک را مدیریت نمی کند ۴- سازمانی که مدیریت ریسک در آن ضعیف است و مانع این مدیریت ضعیف نمی شود در واقع به اصول اخلاقی شایسته پایبند نیست.

تعریف مدیریت ریسک و اصول اخلاقی در ابتدا اجازه بدهید هر یک از دو موضوع را تعریف کنیم. خوب مدیریت ریسک همانطور که در مطالب فوق تعریف شده است پروسه ای است برای تصمیم سازی و اجرای آنها در جهت کاهش اثرات منفی زیانها و خطرهای کسب و کار. اصول اخلاقی را نیز می توان سیستمی متشکل از رهنمودهای اخلاقی در نظر گرفت که به سازگاری افراد در شرایط مختلف با قوانین مشخص و یا در جهت دستیابی به نتایج مشخص یاری می رساند. در تعریف اصول اخلاقی یک نکته را باید در نظر گرفت. گاهی نظام اخلاقی بر مبنای قوانین (rule-based system) استوار است و رهنمودهایی چون "همیشه حقیقت را بگو" و "هرگز دزدی نکن" همراه خود دارد و گاهی نیز نظام اخلاقی به نیل به نتایج (results-based ethical system) مشخصی مانند "بهترین ها برای همه مردم دنیا" تاکید دارد. بررسی بیشتر: در ابتدا برای اینکه بدانیم چرا مباحث مدیریت ریسک و اصول اخلاقی به یکدیگر نیازمندند باید زمینه ای که این دو نظام در آن تاثیر گذارند را در نظر گرفت. اصول اخلاقی رهنمودهایی را برای اقدامات مناسب بین افراد و گروههای مختلف در شرایط مشخص مطرح می کند. اقداماتی که به این دلیل مناسبند که به حقوق و حریم دیگران احترام می گذارند و دیگران را آزار و صدمه دور می کنند و.... مدیریت ریسک نیز بر مبنای همین احترام به حقوق و حریم دیگران بنا شده است. به عنوان نمونه ایجاد امنیت برای حقوق دیگران در مقابل خطرات و صدمات. بنابراین هم اصول اخلاقی و هم مدیریت ریسک احترام برای دیگران چه همسایگان، همکاران، کارکنان، مشتریان، ساکنان زمین را فراهم می کنند. همگی دارای این حق هستند که ایمن باشند، مستقل و آزاد، خوشحال و پرامید و همچنین بهره ور. رعایت احترام برای دیگران و حفظ حقوق دیگران هر کجا که باشند زمینه ای است که مدیریت ریسک و اصول اخلاقی را بهم پیوند می دهد. نمونه های ارتباط: برای هر یک از ۴ گزاره ای که در بالا در توصیف این ارتباط بیان شد در این قسمت مثالی ارائه می کنیم: مورد یک: برای یک سازمان که به دنبال مدیریت ریسک مطلوب است تمام افراد باید مطابق اصول اخلاقی رفتار

نمایند. به عنوان نمونه، اگر یکی از کارکنان سازمان تصویر نادرستی و مخالف حقیقت از محصول یا خدمات سازمان ارائه کند موجب می‌شود سازمان از لحاظ شایستگی آسیب پذیر شود و در دراز مدت ممکن است موجب از دست رفتن اعتبار و شهرت سازمان شود. و یا، اگر یکی از مدیران سازمان با کارمند زیر دست خود به طور نامناسب و مغایر اصول اخلاقی رفتار نماید آن فرد و تعدادی از همقطاران وی ممکن است شور و اشتیاق کاری خود را از دست دهند و فقط به دنبال کسب منافع شخصی از راههای مختلف بدون توجه به منافع سازمان باشند و یا اینکه به دنبال شغل دیگری باشند. و یا اگر کارمندی متوجه شود که کارمند دیگری از سازمان اختلاس می‌کند و در گزارش این رفتار غیر اخلاقی کوتاهی نماید در این صورت در وهله اول زیانهای مالی برای سازمان، کارکنان و ذی‌نفعان بوجود می‌آورد و در وهله دوم فرهنگ نامناسبی را در سازمان رواج می‌دهد. همانطور که واضح است عمل غیر اخلاقی موجب ایجاد ریسک‌هایی برای سازمان می‌شود. مورد دو: اگر یک سازمان به دنبال رعایت اصول اخلاقی است هر شخصی از سازمان باید ریسک را بخوبی مدیریت نماید. به عنوان نمونه، کارگران نظافتی را در نظر بگیرید که باید هر روز زباله‌های سازمان را به طور مناسبی دور بریزند اگر آنها در دفع زباله‌ها کوتاهی نمایند و سازمان نیز این ریسک را نتواند کنترل نماید، ممکن است در پی ایجاد مزاحمت برای همسایگان، شکایات همسایگان موجب احکام حقوقی و جریمه‌هایی برای الودگی محیط زیست شود. و یا کارکنان مدیریت ریسک سازمان نیز در فراهم آوردن اطلاعات برای شرکت‌های بیمه گذار باید امانت دار و صادق باشند که خود علاوه بر اوازه نیک میان بیمه‌گذاران، بواسطه دوره‌های چند ساله برای تمدید بیمه ممکن است شرکت در مخاطره ریسک بیمه نامتناسب با دارایی و ناکافی قرار گیرد. مورد سوم و چهارم: مثال‌های فوق را نیز می‌توان در مورد گزاره‌های سوم و چهارم به کار برد. در ارتباط با گزاره سوم، اگر خدمه نظافتی در قبال دورریختن نامناسب زباله‌ها بازخواست نشده و از این کار آنها ممانعت نشود در واقع سازمان اجازه اقدامات مغایر اصول اخلاقی را داده است و نتیجه آن هم قرار گرفتن در معرض ریسک حقوقی بواسطه شکایات در زمینه الودگی محیط زیست است. به عبارتی در صورتی که سازمان مانع اعمال غیر اخلاقی نشود بخوبی ریسک را کنترل نکرده است. برای گزاره چهارم نیز کارکنان مدیریت ریسک مثال خوبی هستند. جمع‌بندی نهایی: این مثالها نشان می‌دهند که مدیریت ریسک و اصول اخلاقی در قبال یکدیگر نقش حمایتی دارند و یکی پشتیبان دیگری می‌باشد و به عبارتی هر کدام از آنها می‌تواند ضامن اجرایی دیگری باشد. به همین دلیل باید تلاش کرد تا مدیریت ریسک و اصول اخلاقی را در سازمان در کنار هم نهادینه نمود.

منبع: <http://rahkar-iemag.blogfa.com/post->

http://www.study۱۰۰۰.com/۱۳۳۷۲۳/sec_۲۷/p_۳۳.aspx?lang=Fa ۲۱۲

ریسک در گزارشگری مالی

عدم اطمینان یکی از ویژگی‌های بارز هر محیط اقتصادی است. اساساً رویکرد شرکت‌ها نسبت به ریسک تصمیمات، معاملات و قیمت‌های بازار را تحت تاثیر قرار می‌دهد. تصمیمات درست و عاقلانه بر مبنای اطلاعاتی گرفته می‌شوند که ریسک و شرایط عدم اطمینان را تشریح می‌کند و یا حداقل به شناخت آنها کمک می‌نماید. مهمترین جز یک سیستم اطلاعاتی در هر اقتصاد، گزارشگری مالی آن است. هنگامی که یک شرکت، اطلاعاتی را در خصوص شرایط و عملکرد مالی خود به استفاده‌کنندگان بیرونی ارائه می‌دهد، خواسته یا ناخواسته اثر انواع ریسک بر شاخص‌های ارزیابی، سود خالص و جریان نقدی خود را جهت‌دهی می‌کند. شاید بتوان گفت در سالهای اخیر آنچنانکه باید، به مقوله گزارشگری مالی پرداخته نشده است. این در حالی است که باید توجه داشت بررسی چالش‌های گزارشگری مالی، عامل اساسی رفع اختلاف نظرهای موجود بین وضع‌کنندگان استانداردهای حسابداری و مقررات‌گذاران است. ضمناً این امر موجب می‌شود ساختار و محتوای گزارشات مالی نیز تبیین گردد و

خلاصه اینکه نتیجه نهایی آن ارایه یک سیستم گزارشگری مالی است که با مفاهیم مدیریت ریسک و اصول اندازه‌گیری آن سازگار می‌باشد و زمینه را برای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه توسط استفاده‌کنندگان بیرونی فراهم می‌آورد. به اعتقاد اکثر کارشناسان، داشتن یک استراتژی مناسب شامل ارکان زیر تا حدود زیادی می‌تواند به رفع اختلاف نظر بین وضع‌کنندگان استانداردهای حسابداری و مقررات‌گذاران کمک نماید. ۱- تفکیک مفهوم بی‌طرفی از گرایش به سمت گزارشگری محافظه‌کارانه، به‌عنوان یک هدف بلندمدت عدم جانبداری در ارایه تصویری شفاف از شرایط و عملکرد مالی شرکت، هدف اصلی حسابداری است که می‌بایست در بلندمدت از مقوله تمایل به گزارشگری محافظه‌کارانه به‌موجب برخی مقررات متمایز شود. به عبارت دیگر قاعده‌مندی ابزارهای قانونی احتیاط‌آور نقطه شروع ارزیابی‌هایی است که مشمول محافظه‌کاری عمدی نمی‌شوند. ۲- رفع برخی سو تفاهمات طی فرآیندی همسو با هدف اولیه این منظور مقررات‌گذاران با توجه به ابزارهای کنترلی که در اختیار دارند، در مواجهه با بخشی از مفاهیم "ثبات مالی تغییرات در استانداردهای گزارشگری مالی" که غیر قابل اجتناب هستند، سیاست بی‌طرفی را در پیش می‌گیرند. ۳- اجماع بر سر گزارش اطلاعات غنی‌تر در مورد شاخص‌های مالی شرکت البته این مهم در چارچوب رویه‌های حسابداری سنتی و با استفاده از گزارشگری وضعیت جاری شرکت از طریق صورتهای مالی (اطلاعات درجه یک) امکان‌پذیر نیست، بلکه می‌بایست برآوردهایی از ریسک (اطلاعات ریسک) و درصد عدم اطمینان هر یک از برآوردها (اطلاعات خطای اندازه‌گیری) نیز ارایه شود. تشریک مساعی بین وضع‌کنندگان استانداردهای حسابداری و نهادهای نظارتی علاوه بر بهبود مجموعه نهایی اطلاعات گزارش شده، ضمانت اجرایی آن را نیز در پی خواهد داشت. در این مقاله بیشتر سعی شده است به رابطه بین حسابداری، مدیریت ریسک و اندازه‌گیری آن پرداخته شود. به این منظور قابلیت‌های مختلف اندازه‌گیری ریسک و رابطه آن با تعیین ارزش بررسی می‌شود. همچنین از دو جنبه دیگر نیز به مساله خواهیم پرداخت. نخست آنچه که تحت عنوان بی‌طرفی شناخته می‌شود بطور مفصل مورد بررسی قرار می‌گیرد. اهمیت بحث بدان جهت است که نخستین اثر ریسک بر محاسبات ارزش‌گذاری به تفسیری که از مفهوم بی‌طرفی می‌شود، بستگی دارد. در ادامه به ارتباط بین ارزش‌گذاری بی‌طرفانه و قیمت‌های بازار نیز پرداخته می‌شود. از بُعد دیگر چالش‌های موجود بین اندازه‌گیری ریسک و رویکرد جاری نسبت به گزارشگری مالی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بویژه توجه خاص خواهیم داشت به امکان‌سنجی این مساله که آیا ممکن است استانداردهای حسابداری ارزش‌یابی‌ها را تحریف کنند و یا اینکه صورتهای مالی شرکت را به‌طور مصنوعی متورم نشان دهند؟ و یا حتی در نتیجه؟ این آثار به انحای مختلف وضعیت اعتباری شرکت را تحت تاثیر قرار دهند. نخست، در جهانی که مشخصه اصلی آن اطلاعات ناقص و هزینه‌بر است، ارزش‌یابی به‌صورت منحصربه‌فرد و عینی قابل تعریف نیست. به‌عنوان یک نتیجه مهم می‌توان گفت مفهوم بی‌طرفی می‌بایست محتاطانه تفسیر شود. اصولاً در چنین شرایطی، ارزش بدست آمده مبتنی بر میثاقهای حسابداری اعم از اینکه در بازار مشاهده می‌شود یا خیر، ارزش بازار شرکت را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به‌علاوه در بررسی اصول حسابداری نیز باید اثر متقابل عوامل اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. دوم، نقش اصول اندازه‌گیری ریسک در تعیین ارزش بسیار اساسی است. از آنجاکه ارزش‌یابی مستلزم پیش‌بینی است بنابراین باید ریسک‌های ممکن اندازه‌گیری و قیمت‌گذاری شوند. حتی زمانیکه بحث پیش‌بینی در حسابداری سنتی نیز مطرح می‌شود، اندازه‌گیری ریسک اهمیت می‌یابد، مثل محاسبات مربوط به استهلاک وام‌ها. به‌علاوه در سایر روش‌های حسابداری مانند ارزش متعارف یا ارزش ویژه، نقش اندازه‌گیری ریسک گسترده‌تر است که این خود زمینه‌ای برای پیشرفت‌های آتی از قبیل عمیق شدن بازارها، توسعه و تنوع ابزارهای مالی جدید و نوآوری‌های مالی می‌باشد. سوم، اولویت دادن به قابلیت تایید در گزارشگری مالی به‌ویژه این امر هنگامی اهمیت می‌یابد که ارزیابی و سایر اطلاعات گزارش شده، با استفاده از مدل‌هایی پیش‌بینی شوند که مستقیماً به قیمت‌های بازار متکی نیست. خطا در برآوردهای یک مدل، بطور قابل توجهی به درصد خطای مدل و اشتباهات عمدی در گزارشگری مربوط می‌شود. قابلیت تایید، مهمترین معیار برای انتخاب یک رویه حسابداری از

بین رویه‌های موجود است. اعتبار درونی و دقت نتایج مدل‌های اندازه‌گیری نیز برای ارزیابی عملکرد و تعمیم آنها بسیار مهم است. علاوه تا زمانی که مدیریت ریسک بعنوان محافظی در برابر اشتباهات عمدی گزارشگری از اهمیت خاصی برخوردار است، اصول اندازه‌گیری ریسک نیز نقش اساسی و مشابهی در امر ارزش‌گذاری دارد. چهارم، اولویت دادن به مفهوم شفاف‌سازی در گزارشگری مالی اهمیت این مساله در عکس‌العمل بازار نسبت به ارزیابی و اطلاعات ارایه شده است که بدون توجه به روش ارزیابی ممکن است تفسیر بهتری داشته باشد. در برخی رویکردها اهمیت شفاف‌سازی به آسانی قابل درک است. بدین ترتیب که قیمت‌های بازار کاملاً مت و شبه برانگیزاند، و بطور کامل در برابر عواملی که آنها را تحریک می‌کند بی‌توجه و خاموش می‌باشند. برای مثال، در چنین شرایطی این سوال مطرح می‌شود که آیا تغییر قیمت‌های بازار انعکاس تغییرات در نرخ بهره است یا درجه اعتبار؟ علاوه بجز دارایی‌های قابل معامله در بازارهای پرمق و نقدشونده در سایر موارد، تشریح خطای اندازه‌گیری در ارزش برآورد شده بسیار اهمیت دارد. این امر به سرمایه‌گذاران بالقوه بیرونی امکان می‌دهد همچون نهادهای نظارتی، کیفیت برآوردها را ارزیابی نموده و بر اساس آن در تصمیمات یا رفتارشان تجدید نظر کنند. پنجم، ضرب‌المثل معروفی هست که می‌گوید نیاز باعث اختراع است. زمینه‌های بسیار مناسبی برای ایجاد هماهنگی بین ارزشیابی‌های حسابداری و اقتصاد وجود دارد. البته عوامل زیادی نیز هستند که موجب اختلاف بین این دو نوع ارزشیابی می‌شوند. عواملی از قبیل مفهوم دارایی یا بدهی و تفاسیر آن، فلسفه وجودی اصول مختلف حسابداری (سیستم‌های خاص و پیچیده) در قالب استانداردهای مختلف برای قابلیت تایید برآوردهای آتی. در هر حال بخشی از این اختلاف غیر قابل اجتناب و بخشی دیگر قابل رفع می‌باشد. توجه بیشتر به الزامات مدیریت ریسک، رهنمود مفیدی برای رفع این اختلاف است. مواردی مثل نحوه برخورد با سپرده‌های دیداری خط‌مشی تمدید بیمه و محاسبات مربوط به استهلاک وام. بنابراین راه‌های زیادی وجود دارد که مدیریت ریسک و اصول اندازه‌گیری آن بتوانند به رفع اختلاف نظرهای موجود بین وضع‌کنندگان استانداردهای حسابداری و مقررات‌گذاران کمک کنند. نقش اصول اندازه‌گیری ریسک در گزارش اطلاعات مورد نیاز به منظور عملکرد مناسب بازارهایی که می‌بایست به اطلاعات ریسک و خطای اندازه‌گیری توجه خاص داشته باشند، بسیار اساسی است. همچنین اصول اندازه‌گیری ریسک عامل بسیار مهمی در اندازه‌گیری، قابلیت تایید و اثبات ارزیابی‌ها است. مدیریت ریسک نیز بعنوان مرکز ثقل تهیه و وضع استانداردهای حسابداری، می‌تواند ابزاری مفید برای حذف شکاف بین ارزیابی‌های حسابداری و اقتصاد باشد. بیش از دو دهه است که به موازات رشد بی‌سابقه بازارهای سرمایه، پیشرفت‌های چشم‌گیری در اصول اندازه‌گیری ریسک رخ داده که سیستم‌های مالی را متحول نموده است. چارچوب‌های احتیاط‌آور هم تغییراتی داشته‌اند و به نظر می‌رسد در آینده نزدیک، تحولات دیگری نیز در گزارشگری مالی بوجود آید.

<http://www.daneshju.ir/forum/archive/t-۴۵۱۵۷.html>

مدیریت ریسک در بازارهای بورس نفت

Risk management... در متون مالی از ریسک تعاریف متفاوتی انجام شده است مهدی مشکي - عضو هیات علمی دانشگاه پیام‌نور - مرکز رشت

در عرف معمول، ریسک خطری است که در نتیجه عدم اطمینان نسبت به ماهیت و کیفیت وقوع پدیده‌ای در آینده، حادث می‌شود. در متون مالی از ریسک تعاریف متفاوتی انجام شده است. برخی ریسک را به عنوان هر گونه نوسان احتمالی مورد انتظار در بازدهی اقتصادی تلقی کرده و برخی دیگر مفهوم ریسک را صرفاً به نوسانات احتمالی منفی در بازده دارایی‌ها محدود می‌نمایند. ریسک همیشه یکی از دغدغه‌های سرمایه‌گذاران بوده و در این میان سرمایه‌گذارانی موفق تلقی می‌شوند که بتوانند سطح قابل قبولی از ریسک را پذیرا باشند. به‌طور کلی ریسک را می‌توان به دو طبقه یعنی ریسک مالی و ریسک غیرمالی تقسیم

نمود. ریسک‌هایی نظیر ریسک نرخ ارز، ریسک نرخ سود، ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی از جمله ریسک‌های مالی تلقی گردیده و در مقابل ریسک سیاسی، ریسک صنعت، ریسک مدیریت و ریسک قوانین و مقررات از مجموعه ریسک‌های غیرمالی محسوب می‌شود. در عین حال باید به این نکته نیز توجه داشت که تفکیک دو دسته ریسک فوق به معنای نفی اثرات متقابل ریسک‌های مزبور بر یکدیگر نمی‌باشد. ضرورت مدیریت و کنترل بهینه ریسک در واحدهای اقتصادی و تجاری موجب شده است که مطالعات وسیعی در این مورد طی دو دهه گذشته انجام گیرد. هدف مشترک مطالعات مزبور یافتن راهکارهایی جهت کنترل ریسک و مدیریت مناسب آن بود. مدیریت ریسک در واقع فرآیندی است که بنگاه اقتصادی را قادر به کنترل انواع ریسک‌ها و برخورد مناسب با آن می‌کند. بر این اساس ابتدا انواع ریسک‌ها شناسایی شده و سپس روش کنترل مناسب آن مشخص می‌شود. البته توجه به این نکته ضروری است که برخی از ریسک‌ها نظیر ریسک سیاسی را نمی‌توان به طور کلی حذف و یا تحت کنترل قرار داد؛ لذا نگرش علمی به مساله ریسک، چیزی جز مدیریت آن نمی‌باشد. مدیریت ریسک جهت اعمال کنترل موثر بر ریسک و به حداقل رساندن آن نیازمند ابزاری است که توسط مهندسی مالی طراحی و عرضه می‌شود. مهندسی مالی، ابزارهای جدید مالی را طراحی و یا اقدام به توسعه آن می‌نماید تا در نهایت امکان ارائه راه‌حل‌های متبکرانه برای مسائل و مشکلات مالی فراهم شود. یکی از ابزارهای مهندسی مالی که جهت کنترل و مدیریت ریسک از آن استفاده می‌شود، ابزارهای مشتقه مالی است. ابزارهای مشتقه مالی که عمدتاً بعد از دهه ۱۹۹۰ مطرح گردید، نوعی ابزار مالی است که ارزش آن از ارزش سایر دارایی‌های مالی مشتق شده و تغییرات قیمت هر یک از آنها تابعی از تغییرات قیمت دارایی اصلی است. ابزارهای مالی مشتق شده و تغییرات قیمت هر یک از آنها تابعی از تغییرات قیمت دارایی اصلی است. ابزارهای مشتقه مالی به چهار طبقه اصلی تقسیم می‌شود: قرارداد سلف، قرارداد آتی، اختیار معامله و قرارداد تاخت (معاوضه) الف- قرارداد سلف. قراردادی است که در آن طرفین توافق می‌کنند مقدار مشخص کالایی را در تاریخ معینی در آینده و بر حسب قیمت مشخص معامله نمایند. استفاده از قرارداد آتی به طرفین قرارداد این فرصت را می‌دهد که بر حسب پیش‌بینی‌های خود از روند قیمت‌ها وارد قرارداد شده و افرادی که به دنبال پوشش ریسک تغییرات آتی قیمت‌ها هستند، از این طریق به مدیریت ریسک می‌پردازند. معاملات مربوط به قرارداد آتی در بازارهای خارج از بورس (OTC) انجام شده و طرفین قرارداد به طور مستقیم با هم در ارتباط می‌باشند. قرارداد سلف دارای نواقص و کاستی‌های متعددی است از جمله اینکه در صنایعی مثل صنعت نفت، هر گونه افزایش قیمت نفت می‌تواند باعث تشویق فروشنده و هر گونه کاهش قیمت باعث ایجاد انگیزه در خریدار برای لغو قرارداد شود. همچنین از آنجایی که در معاملات سلف طرفین قرارداد ملزم به انتشار جزئیات قرارداد نیستند، لذا این قرارداد شفافیت کمتری نسبت به قرارداد آتی دارد. با این وجود بازارهای کاغذی سلف همچنان نقش کلیدی خود را در بازار نفت حفظ کرده است. از جمله دلایل اصلی این موضوع این است که در قرارداد سلف معامله‌گران نفتی می‌توانند طرف معامله خود را انتخاب نموده و انجام معامله بدون آنکه محدود به ساعت کار بورس‌ها باشد در هر زمانی که مورد توافق طرفین باشد قابل انجام می‌باشد. امروزه با وجود اینکه رشد سریع بازار قراردادهای آتی از اهمیت بازار سلف کاسته است ولیکن هنوز بازار کاغذی سلف نفت برنت ۱۵ روزه از مهم‌ترین بازارهای سلف نفت خام محسوب می‌شود. ب- قرارداد آتی. نوع استاندارد شده قرارداد سلف می‌باشد. استاندارد به این معنی که حجم، کیفیت، خصوصیات فنی و زمان و مکان تحویل آن باید بر طبق ضوابط بورس باشد. به عنوان مثال، مقدار استاندارد معاملات نفت خام بورس‌های نفتی مضربی از ۱۰۰۰ بشکه نفت خام بوده و هر ۱۰۰۰ بشکه نفت خام یک قرارداد نامیده می‌شود. قرارداد آتی از طریق نهادهای واسطه‌ای تحت عنوان اتاق پایاپای انجام گرفته و این اتاق تعهدات طرفین معامله را تضمین می‌نماید. وجود موسسات مزبور باعث می‌شود تا طرفین معامله هر وقت اراده کنند از معامله خارج شده و قرارداد را فسخ نمایند. در این نوع قرارداد، خریدار و فروشنده باید مبلغی را تحت عنوان ودیعه برای تضمین اجرای قرارداد نزد موسسات پایاپای پرداخت کنند. قرارداد آتی برخلاف قرارداد سلف فقط در بورس‌های رسمی معامله می‌شود.

هم‌اکنون نفت و گاز در قالب قراردادهای آتی در بورس‌هایی نظیر بورس تجاری نیویورک (NYMEX) و بورس نفت لندن (IPE) خرید و فروش می‌شود. ج- اختیار معامله. اختیار معامله توافقی است بین واگذارکننده و تحصیل‌کننده اختیار که به موجب آن دارنده آن، حق خرید یا فروش دارایی خاصی را با قیمت مشخص و در تاریخ معینی در زمان آینده دارا می‌باشد. اختیار معامله شامل دو اختیار خرید و اختیار فروش می‌باشد. اختیار خرید به خریدار اختیار معامله این حق را می‌دهد که دارایی خاصی را به قیمت معین و در تاریخ مشخص و یا قبل از آن خریداری کند. به همین ترتیب، اختیار فروش به خریدار حق می‌دهد که دارایی خاصی را به قیمت معین و در تاریخ مشخص و یا قبل از آن به فروشنده اختیار بفروشد. اختیار خرید و اختیار فروش می‌تواند از نوع اروپایی و یا از نوع آمریکایی آن باشد. اختیار معامله اروپایی فقط در تاریخ سررسید قابل اجرا است در حالی که اختیار معامله آمریکایی از هنگام انعقاد قرارداد تا تاریخ سررسید قابل اجرا می‌باشد. هر یک از دو اختیار معامله فوق هم در بورس‌های اروپایی و هم آمریکایی رایج بوده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. اختیار معامله در مورد انرژی شامل اختیارات نفت خام و فرآورده‌های مربوطه معمولاً از نوع اختیار آمریکایی می‌باشد. از قابلیت‌های اختیار معامله این است که هم در بازار رسمی و هم در بازارهای خارج از بورس قابل معامله است. برخلاف خریدار، اختیار خرید که هیچ‌گونه تعهدی در قبال قرارداد نداشته و حداکثر زیان احتمالی او معادل قیمت اختیار خرید می‌باشد، واگذاری اختیار خرید برای فروشنده تعهدآور بوده و او باید دارایی را بر حسب قیمت توافق‌شده به خریدار واگذار نماید و تنها سودی که فروشنده به دست می‌آورد، همان قیمت اختیار معامله است که خریدار پرداخت می‌نماید. این در حالی است که زیان او بستگی به قیمت دارایی در سررسید داشته و در مواردی می‌تواند قابل توجه باشد. در مقابل حداکثر سود خریدار اختیار فروش (حداکثر زیان فروشنده) معادل قیمت توافقی دارایی پس از کسر قیمت اختیار فروش و حداکثر زیان وی (حداکثر سود فروشنده) معادل قیمت اختیار فروش خواهد بود. در هر صورت استفاده از استراتژی فروش اختیار ابزار مناسبی برای پوشش ریسک در موقعیت فروش و استفاده از استراتژی خرید اختیار ابزار مناسبی برای پوشش ریسک در موقعیت خرید می‌باشد. اختیارات نفت خام برنت برای اولین بار در ۱۱ مه ۱۹۸۹ در بورس IPE عرضه شد و مورد استقبال معامله‌گران قرار گرفت. معامله‌گرانی که اختیارات نفت خام برنت را معامله می‌کنند، ملزم می‌باشند که حساب «ودیعہ روزانه» باز کرده و مشابه قرارداد آتی به صورت روزانه اقدام به تسویه آن نمایند. براساس ضوابط بورس IPE، محدودیتی برای تعداد قراردادهایی که معامله‌گران می‌خواهند معامله کنند، وجود ندارد. د- قرارداد تاخت (معاوضه). در قرارداد تاخت، مجموعه‌ای از جریان‌های نقدی با نرخ ثابت و مجموعه‌ای از جریان‌های نقدی با نرخ شناور با یکدیگر معاوضه می‌شود. به این ترتیب معامله‌گری که در معرض ریسک تغییرات نامطلوب قیمت قرار دارد، جریان نقد ثابت و در مقابل شخصی که به اقتضای حرفه خود با قبول ریسک به دنبال استفاده از این فرصت‌ها برای کسب سود است، جریان نقد شناور را انتخاب می‌کند. در کلیه قراردادهای تاخت، علاوه بر طرفین معامله، طرف سومی نیز تحت عنوان معامله‌گر تاخت وجود دارد که وظیفه او یافتن طرف معامله است. قرارداد تاخت مثل قرارداد سلف در بازارهای خارج از بورس که شامل بانک‌های تجاری و بانک‌های سرمایه‌گذاری است، معامله می‌شود. با توجه به وجود معامله‌گران تاخت، طرفین معامله با هیچ‌گونه ریسکی مربوط به طرف مقابل مواجه نیستند. قرارداد تاخت انواع مختلفی مثل تاخت نرخ سود، تاخت نرخ ارز، تاخت مالکیت، تاخت اعتبار و تاخت کالا دارد که یکی از مصادیق مهم تاخت کالا، نفت و محصولات پتروشیمی است. راه‌اندازی بورس نفت، گاز و پتروشیمی در کشور می‌تواند با به کارگیری ابزار مناسب مدیریت ریسک، مساله قیمت را تا اندازه زیادی به روز کرده و محیط امنی برای سرمایه‌گذاری فراهم نماید. این در حالی است که هنوز استفاده از ابزار فوق در بورس‌های اوراق بهادار و بورس کالا نیز تحقق نیافته است. امید است با نگرش مثبتی که در محافل مالی و فقهای اسلامی نسبت به سودمندی ابزارهای مدیریت ریسک وجود دارد، هرچه سریع‌تر مقدمات لازم جهت به کارگیری تجهیز بازارهای بورس به ابزارهای فوق فراهم گردد. به نقل از روزنامه دنیای اقتصاد

کلیاتی از مدیریت ریسک

... risk management هرچقدر احتمال وقوع آینده کمتر باشد ریسک بیشتر است مهدی یاراحمدی خراسانی

فهرست موضوعات | ضرورت مدیریت ریسک | risk management | تفاوت ریسک با عدم اطمینان | uncertainty یا احتمال خسارت | chance of loss | تفاوت ریسک خالص | pure risk | از ریسک برد و باخت | speculative risk | هزینه اقتصادی ریسکهای واقعی | آشناس گام اصلی در مدیریت ریسک | نیاز به مصالحه | tradeoff | در مدیریت ریسکنگاه پیشگیرانه به مدیریت ریسک ۱. پیشگیری اولیه : از بین بردن عوامل خطر | risk factors | برای شرکت و یا مصون سازی شرکت در برابر آنها ۲. پیشگیری ثانویه : کشف بهنگام ریسک و کنترل آن بمنظور پیشگیری از معلولیت سازمان ۳. پیشگیری ثالثیه : توانبخشی و توانایی بنحوی که سازمان بتواند به فعالیت عادی برگشته و حیات موثری را پیدا کند نقش عوامل خطر یا ریسک | نقش زمینه ساز برای وقوع حوادث و خسارات غیر قابل جبران | نقش تسهیل کننده حوادث و وقایع جبران ناپذیر | نقش عامل اصلی و ایفای نقش مخرب بطور مستقیم نگاه مختصر و سیستمی | مدیریت ریسک - قبل از وقوع | مدیریت خطای تصمیم - بعد از وقوع تعاریف | ریسک - risk - : ریسک عبارت است از انحراف در پیشامدهای ممکن آینده - هرچقدر احتمال وقوع آینده کمتر باشد ریسک بیشتر است - اگر تنها یک پیشامد ممکن باشد انحراف و ریسک صفر می باشد - ریسک در کجا؟ | در هر جایی که آینده ناشناخته باشد | هر جا بیش از یک پیشامد احتمال وقوع دارد - از دیدگاه ریاضی ریسک عبارت است : (برآورد مالی خسارات * احتمال وقوع = ریسک) | مدیریت ریسک - : فرآیند شناسایی ، ارزیابی و انجام اقدامات کنترلی و اصلاح ریسکهای اتفاقی بالقوه ای است که مشخصا پیشامدهای ممکن آن خسارت یا عدم تغییر در وضع موجود می باشد - Defining, Assessment, Control and Treatment of outcomes to decisions | عدم اطمینان - عدم قطعیت یا uncertainty - : عدم اطمینان شکی است که شخص در ارتباط با توانایی خویش برای پیش بینی تعدادی از پیشامدهای ممکن که اتفاق می افتند دارد - عدم اطمینان خود آگاهی شخص از ریسک در شرایط معین می باشد | واکنش نسبت به عدم قطعیت ، شرایط ریسک - : میزان واکنش افراد نسبت به شرایط به عوامل مختلف بستگی علاوه بر مشخصه های فردی مدیر تصمیم گیر ریسک : | احتمال شکست یا موفقیت | میزان فایده یا ضرر حاصله | توان مالی شرکت یا فرد در شرایط شکست یا موفقیت | واکنش نسبت به عدم قطعیت ، شرایط ریسک - : مشخصه های فردی موثر بر ریسک : | در بیشتر مطالعات مردان ریسک پذیرتر از زنان هستند | وجود سابقه حضور در فعالیت توام با ریسک ، با افزایش ریسک پذیری همراه است | تصمیمات گروهی از ریسک پذیری بالاتری برخوردار است | افراد نسبت به ریسک مالی حساستر از ریسک اجتماعی هستند | واکنش نسبت به عدم قطعیت ، شرایط ریسک - : مشخصه های سازمانی موثر بر ریسک : | تاریخیچه تکاملی شرکت | شخصیت ها و تجربه مدیریت فعلی | طبیعت و میزان دارائیهای شرکت | طبیعت فعالیتهای شرکت | میزان هم راستایی (یا تعارض) در اهداف و ترجیحات سهامداران ، موسسان و مدیران شرکت | تفاوت ریسک واقعی با ریسک سوداگرانه یا برد و باخت - : ریسک واقعی : | ریسک زمانی است که احتمال ضرر وجود دارد ولی احتمال سود وجود ندارد ریسک واقعی همیشه ناخوشایند و توام با استرس است | مثل اینکه مالک ماشین در معرض تصادف است و زیان ولی اگر تصادف نکند سود در یافت نمی کند - ریسک سوداگرانه یا برد و باخت : | در ریسک سوداگرانه هم احتمال برد و هم باخت وجود دارد | ریسک سوداگرانه بالقوه دارای جنبه جذابیت می باشد | مثل عقد قرار داد با یک شرکت جدید التاسیس یا اجرای یک فرایند تبلیغاتی ضرورت های مدیریت ریسک | شرایط موجود : ۱. در تمامی اقدامات سازمانی ، امکان تصمیم گیری متعدد است ۲. شرایط تصمیم گیری در زمانها و مکانهای مختلف ، متفاوت است ۳. عواقب تصمیم گیری در شرایط مختلف متفاوت است ۴. وقایع آینده عمدتا غیر قابل پیش بینی و عدم قطعیت قاعده عام است ۵. uncertainty. درجه پیچیدگی سازمانها و میزان تعامل آنها با محیط ،

با میزان توجه به مدیریت ریسک ارتباط مستقیم دارد ۶. همیشه می توان با اعمال مدیریت علمی و تحلیل ریسک احتمال ضرر و زیان به شرکت را به حداقل رساند اهداف مدیریت ریسک ۱. بقاء: حفظ هزینه ها زیر حد معینی که تداوم شرکت را به مخاطره نیندازد ۲. صرفه جوئی: در صورت سازگاری با سایر اهداف تاثیرات کلیدی بر موفقیت شرکت میگذارد ۳. ایجاد سطح قابل قبولی از نگرانی و اضطراب ۴. ثبات عایدات یا درآمدها: ایجاد سطح قابل قبولی از عایدات با محدود نمودن کاهشهای پیش بینی نشده در درآمدها یا جریانهای نقدی ناشی از خسارات ۵. عدم توقف عملیات و یا ایجاد حداقل تاخیرات ۶. رشد مداوم و تخصیص بهنگام برای توسعه ۷. مسئولیت اجتماعی یا سودمند نمودن شرکت، محدود نمودن خسارات به کارکنان، عرضه کنندگان و مشتریان و جامعه ۸. رعایت مقررات نگهداری سوابق سازمان و موارد مرتبط با ریسک و سایر الزامات خارجیه اهداف مدیریت ریسک قبل خسارت صرفه جوئی سطح قابل قبولی از نگرانی و اضطراب بعد از خسارت بقاء ثبات عایدات ادامه فعالیت ادامه رشد اهداف مدیریت سازمان ها ۱. سود آوری ۲. سودمند بودن برای جامعه ۳. ارضای علایق و ترجیحات مالکان و مدیران مسئول شرکت ۴. حداکثر سازی ارزش اقتصادی شرکت نمونه هائی از پیامدها | احتمال وقوع آتش سوزی در انبار و بحث بیمه آتش سوزی | احتمال وقوع تصادف ماشین حمل دارو و بیمه حوادث | احتمال و میزان آسیب اقتصادی وارده از تصادف کامیون حمل دارو و میزان حق بیمه پرداختی | احتمال عدم موفقیت محصولات یک شرکت و عقد قرارداد توزیع محصولات شرکت | احتمال جبران غرامت و میزان آن با اخراج یک کارمند خاطی | احتمال نشت گازهای آلوده کننده شیمیائی در محیط کارخانه و عوارض انسانی آن و بیمه درمانی کارکنان | احتمال خراب شدن سیستم کامپیوتری **frame main** در شرکت و خرید دستگاه حمایتی | و... مدیریت ریسک شرکت را قادر می سازد که به نحو بهتری ریسکهای متداول در فعالیتهای روزمره را مدیریت نموده و با خیالی آسوده از خسارات تصادفی، بطور جامعتر و موثرتر فعالیتهای روزمره خود را ادامه دهد. مدیریت ریسک ما را قادر میسازد که به نتایج قابل قبول با حداقل هزینه نایل گردیم عوارض عدم قطعیت بدون اعمال مدیریت ریسک | عدم سرمایه گذاری بعلت احتمال زیان - در مورد ریسک های واقعی بعلت عدم جذابیت احتمال عدم سرمایه گذاری افزایش می یابد | محدود سازی بعضی از فعالیتهای جاری | ایجاد استرس و فشار جسمی روانی ناشی از ترس و نگرانی | بی نظمی در استفاده از منابع بصورت انباشت بیمورد بعضی از کالاها یا منابع، افزایش قیمت تمام شده بعضی از کالاها | توسعه بیش از حد در صنایع با اطمینان بالاتر، در نتیجه عقب افتادگی در صنایع با ریسک و عقب ماندگی کلی برنامه های توسعه - این پدیده خود آفت رشد و سبب عقب ماندگی تدریجی صنایع مطمئن موجود برای صاحبان صنایع می گردد احتمال یا **probability** احتمال عینی یا **objective probability** - به احتمالی اطلاق میشود که در شرایط واقعی و براساس تحلیل دقیق شرایط موجود برآورد میگردد - مثال تعداد حادثه در سالهای قبل و تحلیل آنها - در محاسبه واقعی به روند استهلاک دستگاهها و افزایش نرخ تصادف و هم چنین تدابیر مدیریتی نگهداری باید دقت کرد | احتمال ذهنی یا **subjective probability** - به احتمالی اطلاق میشود که در شرایط مجازی برآورد میگردد - مثال نرخ تصادفات در جاده طبق آمار کشوری و در نتیجه تخمین احتمال وقوع حادثه برای وسایط نقلیه سیستمشش گام اصلی در فرآیند مدیریت ریسک ۱. تعریف هدف مشخص از مدیریت ریسک **U** بقاء بد نبال یک خسارت فاجعه آمیز **U** در آمد با ثبات هزینه های کم در بلند مدت و آرامش خاطر کوتاه مدت ۱. شناسائی ریسک ها: این قسمت اهمیت خاصی دارد چراکه عدم شناسائی هر کدام سبب آسیب های جدی به سازمان میگردد ۲. ارزیابی خسارت بالقوه در طی برنامه **U** احتمال یا شانس خسارت **U** اثر خسارت بر شرکت **U** توانائی شناسائی خساراتی که واقعا اتفاق خواهند افتاد ۱. انتخاب ابزار مقابله با مشکلات **U** اجتناب از ریسک **U** کاهش احتمال وقوع خسارات و در صورت وقوع جلوگیری از توسعه آن **U** انتقال خسارات به طرف دیگر مثل سازمان بیمه گر **U** نگهداری و یا تحمل خسارت (مدیریت خود بیمه گری) ۱. اجرای تصمیم مثلا در بیمه تعیین مناسبترین پوشش بیمه منطقی ترین نرخ و قرارداد با سازمان بیمه گر مناسب ۲. ارزیابی نتایج از نظر عقلانیت اهداف یادگیری مدیریت ریسک | مدیریت ریسک بعنوان یک وظیفه مدیریتی |

سازماندهی مدیریت ریسک | ارتباط بین مدیریت ریسک با سایر وظایف سازمانی فعالیت های اصلی مدیریت ریسک از دیدگاه فایول | فعالیتهای فنی - امور تولیدی | فعالیتهای بازرگانی - فعالیتهای خرید، فروش و مبادله | فعالیتهای مالی - استفاده بهینه از منابع | فعالیتهای ایمنی - حفاظت از اموال و نیروی انسانی | فعالیتهای حسابداری - خرید سهام، صورت مالی | فعالیتهای مدیریتی - شامل اجزای مدیریت عمومی از دیدگاه فایول فعالیتهای ایمنی همان مدیریت ریسک می باشد که شامل حفاظت در مقابل دزدی آتش سوزی، بلایای طبیعی و موارد مشابه میگردد و امروزه در سطح وسیعتر بکار می رود نکته | شرکتی که بر مبنای مدیریت ریسک اداره میشود باید بیانیه مشخصی را تدوین نماید بیانیه مدیریت ریسک در شرکت | بیان اهداف کلی مدیریت ریسک | تعریف وظایف و اختیارات | هماهنگی منطقی در کنترل ریسک بر مبنای استاندارد در بخشهای مختلف شرکت | مشخص نمودن و بهبود بخشیدن به کانالهای ارتباطی و سیستم اطلاعاتی | تسهیل تغییر و تحول در شرکت | مزایای بیانیه مدیریت ریسک در شرکت | مبنای برای ارزیابی مسئولیت مدیریت ریسک | آگاه سازی مدیریت ارشد از حجم خسارات بالقوه در شرکت و آگاهی از پیچیدگی تصمیمات | تبیین موقعیت بخش مدیریت ریسک در ساختار سازمانی شرکت | مدیریت ریسک با همه وظایف مدیریت ارتباط دارد | حسابداری | مالی | نیروی انسانی | مهندسی | حفظ و نگهداری | تولید | بازاریابی | نوین | حسابداری با کنترل هزینه و بررسی صورتحسابها سبب کاهش تقلب و کلاهبرداری می شود | حسابداری از طریق حسابهای دارایی ریسک اموال را شناسایی می کند | حسابداری از طریق تخصیص منابع برای مدیریت ریسک زمینه هماهنگی لازم برای مدیریت جامع ریسک را فراهم میکند | مدیریت نامناسب در نگهداری حساب شرکت می تواند آسیب جدی اقتصادی به شرکت وارد نماید | مدیریت ریسک معمولاً گزارشات خود را به معاون مالی شرکت ارائه میکند . بهمین جهت در بعضی از سازمانها مدیریت ریسک بخشی از معاونت امور مالی است | در تصمیم گیریهای کلان شرکت برای خرید تجهیزات گرانبه، مدیر مالی نقش مهمی ایفاء میکند | مدیریت مالی با استفاده از اطلاعات مربوط به حسابداری، آثار انحراف با اهداف را تجزیه و تحلیل نموده و در اختیار مدیریت ارشد قرار میدهد | مدیریت مالی مسئولیت وثیقه گذاری را در جریان استقراض شرکت عهده دار است | ساختار تولید محصول یا خدمت میتواند به کارکنان آسیب جسمی یا روانی ایجاد نماید | فرآیند خدمات تولیدی یا عرضه خدمات توزیعی میتواند به نگهداری اموال آسیب وارد کند | تولید، نگهداری یا عرضه غلط در خیلی از محصولات بویژه اقلام مصرفی خوردنی یا آشامیدنی (علی الخصوص دارو و لوازم پزشکی) میتواند در جامعه مصرف کننده ایجاد آسیب نموده و بدین ترتیب ادعای حقوقی بدنبال داشته باشد | خسارتهای این واحد مشابه بخش تولید می باشد | فرآیند سرمایش نامناسب میتواند مواد غذایی یا داروها و اقلام بیولوژیکال را با مشکل جدی مواجه سازد | وظیفه اصلی بازاریابی، خلق ریسکهای موجد خسارت، شناسایی آنها و طراحی اقدامات کنترل می باشد | استفاده از کالای معیوب و یا تبلیغ نامناسب می تواند ضرر و زیان جدی به شرکت وارد سازد | تبلیغ غلط و ایجاد آسیب به جامعه میتواند دعاوی حقوقی بدنبال داشته باشد | بخش بازاریابی، از مدیریت بر فرآیند قیمت گذاری اعطای تسهیلات و یا جوایز و بر موفقیت شرکت تاثیر گذار است | اجرای مزایای کارکنان یکی از مسائل بگرنج می باشد بطوریکه در خیلی از سازمانها این بخش را به مدیریت ریسک تفویض نموده و یا اینکه مدیریت منابع انسانی عملاً نقش مدیریت ریسک را عهده دار میشود | حفاظت، ایمنی و بیمه نیروی انسانی یکی از مسائل عمده در مدیریت سازمانها می باشد | نگهداری، ارزشیابی ارتقاء و یا برخورد با کارکنان خاطی یکی از مسائل بحران ساز در مدیریت شرکت هاست | مهمترین رکن ریسک در مدیریت منابع انسانی است

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

